

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقاییان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه هارا
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



سپاسی. اسلامی. فرهنگی

سال سی و یکم / شماره ۲۳
شماره مسلسل ۱۳۹۹
نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۸۹ ۱۵۰ تومان

گزارشی از برگزاری همایش نکوداشت یکصدمین سالروز تولد آیت الله طالقانی

صفحه ۱۰ و ۹



دکتر علی لاریجانی و استاد خسروشاهی در مراسم نکوداشت
یکصدمین سال میلاد آیت الله طالقانی (ره)



حضرت آیت الله خامنه‌ای:
هتک حرمت و
رفتارهای غیر اخلاقی
و توهین آمیز خلاف
شرع است

صفحه ۱۶



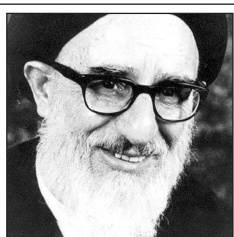
دکتر لاریجانی:
امام موسی صدر تفکر
مهم مبارزه
ضد صهیونیستی را در
لبنان پایه گذاری کرد

صفحه ۱۱



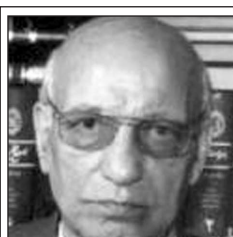
«نجم الدین اربکان»
پیروزی انقلاب را
سر آغاز پیروزیهای دیگر
اسلام می دانست

صفحه ۵



صفات اخلاقی
معنوی و روحیه
مبارزاتی
آیت الله طالقانی

صفحه ۱۰



مرحوم استاد دکتر ابوالقاسم گرچی:
تشنه ساحل نشین
دریای عمیق
فقه شدم

صفحه ۲



یاد و خاطره ای از دکتر سید
محمد علی شهرستانی
مؤسس دانشگاه بین المللی
علوم اسلامی:
شیخ معماری اسلامی

صفحه ۸

آیت الله جوادی آملی:

کسی که آبروی دیگری را می برد در قیامت به او تیغ می دهند

آیت الله جوادی آملی در همین رابطه با اشاره
به آیاتی از قرآن کریم، تصریح کرد: مرگ ما را
نمی چشد، بلکه ما مرگ را می چشیم و هضم
می کنیم و این دیدگاه به انسانیت شرف می دهد.
این مفسر قرآن گفت: خدای سبحان در قرآن
کریم ما را تشویق می کند که ای انسان، تو هرگز نابود
نمی شوی و دائماً سیر می کنی تا به لقاء الله برسی.
وی همچنین به روایتی از امیرالمومنین علی (ع)
اشاره کرد و افزود: مردان الهی کسانی هستند که
پشتوانه حلال و حرام را می بینند، آنگاه اگر خواستند به
زبان اهل ولایت و معارف بزنند، آن را بیان می کنند.
جوادی آملی با مذموم دانستن بداخلاقی ها
گفت: کسی که زبان درازی می کند و آبروی دیگری
را می برد و با قلم و بیان و بنان خودش، نیش می زند،
در قرآن کریم می فرماید: لَیْسَ لَهُمْ طَعَامٌ اَلَا مِنْ ضَرِيعٍ
یعنی این انسان در قیامت گرسنه است و به او تیغ
می دهند و در قیامت غذایی جز خار خشکیده ندارد.
این استاد حوزه افزود: کسی که نرم گفتار و
نرم رفتار و نرم کردار است و آبروی کسی را
نمی برد و سعی می کند مشکلات را از جامعه کم
کند و جامعه را در رفاه نگه دارد، در قیامت بر روی
فرشی می نشیند که ابر آن پرنیان است.
وی تاکید کرد: راه رسیدن به باطن، مسائل
اخلاقی است که انسان سعی می کند مشکل خود و
جامعه را حل کند. انسان با تلاش در تولید و قناعت
در مصرف، هم زندگی خودش را تامین می کند و
هم زندگی دیگران را.

آیت الله جوادی آملی اظهار کرد: کسی که
زبان درازی می کند و آبروی دیگری را می برد در
قیامت گرسنه است و به او تیغ می دهند.
این استاد حوزه علمیه قم طی سخنانی در
جلسه درس اخلاق، رعایت مسائل اخلاقی را راه
رسیدن به باطن دانست و تصریح کرد: انسان با
حقیقت اخلاق اسلامی کامل می شود.
وی تاکید کرد: یک موجود حقیقی تکوینی اگر
بخواهد کامل شود باید به امور حقیقی کامل شود نه
امور غیر حقیقی؛ انسان از آن جهت که زندگی
متمدنانه و اجتماعی دارد، با قوانین اعتباری زندگی
می کند و این عناوین اعتباری باعث نظم زندگی است.
آیت الله جوادی آملی با تاکید بر این نکته که
انسان در عبادات و معاملات با عناوین اعتباری
به سر می برد، خاطرنشان کرد: در اینجا یک سوال
جدی مطرح است و آن اینکه کمال انسان به
چیست؟ اگر قوانین اعتباری از شریعت گرفته
نشود، از رسوم و فرهنگ و عادات و آداب مردمی
گرفته می شود و هیچ اعتباری هم ندارد.
این استاد حوزه علمیه اظهار کرد: اگر قوانین
اعتباری از رسوم و فرهنگی مردمی گرفته شود، باور
افراد این است که انسان وقتی می میرد، می پوسد و
مرگ آخر خط است؛ اما اگر این قوانین اعتباری
نباشد، انسان با مرگ، از پوست به در می آید.
وی افزود: آنکه ما را آفرید، فرمود که انسان در
مصاف و همآورد با مرگ، مرگ را زیر پا له می کند
و وقتی وارد صحنه قیامت شد، ابدی می شود.

هو الحق

در گذشت برادر عزیز، دکتر محمود بروجرودی، که سابقه دوستی دیرینه من با وی به نیم
قرن پیش و دوران طلبگی در حوزه علمیه قم بر می گردد، موجب تأسف و تأثر گردید.
دکتر بروجرودی تبلور عینی اخلاق حسنه بود و در زندگی صفا و صمیمیت را باور
داشت و به آن پای بند ماند و رفتار او، چه در برهه سکونت در قم و مرحله آموزگاری و چه
در زمان اقامت در تهران و دوران سفیری، همواره و با همگان، یکسان بود و تغییر زمان و
مکان، مقام و موقعیت، او را دگرگون نساخت.

در گذشت این بزرگوار را به همسر گرامی ایشان، خانم دکتر زهرا مصطفوی و فرزندشان،
حجت الاسلام والمسلمین جناب مسیح بروجرودی و بقیه منسوبین محترم، بویژه اعضاء بیت
مکرم حضرت امام خمینی قدس سره، تسلیت می گویم و از خدای بزرگ برای آنان صبر و
سلوان و برای مرحوم بروجرودی رحمت و غفران خواستارم.

سید هادی خسروشاهی - قم: ۸۹/۱۲/۱۰

«مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ عَظِيمًا»
امام صادق (علیه السلام)

با هزاران اندوه و افسوس، فقدان جان گداز شخصیت عالیقدر عالم اسلام، شادروان
دکتر حاج سید محمدعلی شهرستانی ثمره طیبه از شجره طاهره، ذریه طیبه نبوی، مرزبان
دانشمند و سختکوش حریم ولایت و مهدویت اهل عصمت، اسطوره تلاش تبلیغی در نشر
معارف ثقلین و اعجوبه ساخت و پرداخت اماکن و مراکز دینی و زیارتی، رادمرد نیکوکار و
دلسوز بینوایان و یتیمان، مدیر کم نظیر و مبتکر در فرهنگ و صنعت، فرزانه فرهیخته،
مخلص و عبادت پیشه، و در یک کلام ناصر و یاور از جان گذشته غریب دهر و ولی
دوران، حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به آستان آن امام همام
تسلیت و تعزیت گفته، درجات عالی و مقامات متعالی برای آن زنده یاد استدعا داریم.

سید امیر احمد شهرستانی، دکتر سید احسان شهرستانی
مهندس سید برهان شهرستانی، دکتر رئوف مؤید و خانواده های شهرستانی، مؤید،
سجادی، هادی زاده و فامیل های وابسته

مرحوم استاد دکتر ابوالقاسم گرگی:

تشنه ساحل نشین دریای عمیق فقه شدم



عصر و زمانی ازارائه احکام برای موضوعات جدید و حل مسائل و مشکلات انسان عاجز و ناتوان نیستند، مگر این که خدای ناخواسته دچار جمود فکری بوده و نخواسته یا نتوانسته باشند عصر خود و انسان زمان خود را خوب بشناسند.

کلیات موجود در منابع فقه اسلام باید بر مصادیق مختلف و گوناگون در زمان های مختلف تطبیق شود و این کار به عهده فقهاء و مجتهدین واگذار شده است. این مجتهد است که باید در هر زمان، انسان و مسائل آن را بشناسد تا چنین تطبیقی برایش میسر گردد. اگر برای تمام کلیات موجود در فقه مصادیقی لایتغیر ذکر می شد و اجازه عدول از آن داده نمی شد، فقه در بستر زمان دچار مشکل می گردید و رفته رفته از صحنه عمل در اجتماع خارج می شد ولی چنین چیزی نیست.

حالا آیا کلیات فقه اسلامی قابل انطباق بر مصادیق گوناگون و قابل تعمیم به مصادیق بوده است؟ لطفاً مثال بزنید تا بحث روشن تر شود.

دقیقا کلیات فقه اسلامی قابل انطباق بر مصادیق گوناگون و قابل تعمیم به مصادیق ذکر شده و متن آن قاعده های کلی است. در این زمینه مثال های زیادی است که من به یکی - دو مثال ساده آن اکتفا می کنم. ما در قرآن یک قاعده کلی داریم به نام "أوفوا بالعقود" وفای به عقد پذیرفتن نتیجه آن، یک وظیفه و یک قانون کلی است اما مصادیق عقد در زمان های مختلف و در روابط میان اشخاص حقیقی یا حقوقی متفاوت است.

در گذشته عقود محدود بود به بیع، اجاره، صلح و ... از این روی فقها و مجتهدین گذشته، وفای به همان عقود را لازم می شمردند و چون عقود فقط بین اشخاص حقیقی واقع می شود، تصور می فرمودند: مراد از أوفوا بالعقود، أوفوا بعقود کم است. یعنی عقود میان شما. در حالی که این حکم می تواند شامل کثیری از عقود امروزی هم بشود که در گذشته نبوده است. این التزام به نتیجه عقد هیچ ضرری ندارد که علاوه بر عقود منعقد میان افراد حقیقی، عقود میان شخصیت های حقوقی را هم شامل شود. چه گیر و مانعی وجود دارد که این قانون کلی شامل انواع شرکت هایی که امروز پیدا شده و در گذشته هیچ نبوده است نیز بشود.

مثال دیگری می زنم که ممکن است افرادی هم با عرض بنده در این مثال موافق نباشند. ولی من با توجه به ادله به گونه ای قاطع و جازم به آن معتقدم. در باب دیه قتل عمد یا شبه عمد و خطا فقهاء مجازات هایی را برگرفته از منابع فقه از قبیل: پرداخت صد شتر، ۲۰۰ گاو و غیره برای قاتل ذکر می کنند. ممکن است بعضی تصور کنند که شتر و گاو موضوعیت دارد لذا تصور می کنند که فقط موارد مذکور در لسان دلیل باید پرداخته شود. در حالی که به نظر بنده، به یقین مطلب بدین گونه نیست.

شتر و گاو و دیگر مذکور، هیچ موضعیت ندارد بلکه اینها مصادیقی است از واحد ارزش آن روز و این اعجاب انگیز است که چگونه اسلام به

که امروزه به وجود آمده، همه در آن وجود دارد و همه را می توان از آن استنباط کرد. حتی مسائلی مانند: حقوق دریایی، حقوق فضایی، حقوق انسانی، حقوق حیوانی، حقوق گیاهی و غیره که در گذشته به این صورت مطرح نبوده است. همه و همه از منابع فقه به خوبی قابل استفاده و بهره برداری است.

قسمت های مختلف حقوقی که در فقه اسلام و منابع آن آمده حتی آن قسمت هایی که به صرف تئوری می ماند و چه بسا آنرا به صرف دید تاریخی می نگرند، همه به گونه ای است که چه در صحنه عمل و چه در جهان حقوق امروز قابل عرضه است. این مطلب را بنده بدون هیچ گونه تردیدی عرض می کنم. اما به شرط این که ما با یک دید واقع بینانه و برگرفته از مسائل و مشکلات زمان خودمان به آن بنگریم و به سراغ آن برویم و نه به آن دید که گذشته گاه و پیشینیان ما بدان نگریسته اند. آنچه آن بزرگان انجام داده اند، بجای خود بسیار خوب و زیبا کامل و دقیق و نزدیک به واقع بوده است.

اما این مربوط به زمان خود آنان می شود. آنچه آنان انجام داده اند در زمان خودش بهترین بوده است چرا که برگرفته از شرایط زمان خود آنان و ناظر به مشکلات و مسائل مردم همان عصر بوده است. اما ما که در عصر دیگری زندگی می کنیم و با مسائل دیگری روبرو هستیم. با توجه به شناخت مسائل و مشکلات خودمان باید به سراغ منابع فقه اسلام یعنی کتاب و سنت و عقل و اجماع برویم. همان کاری که بزرگان ما کرده اند.

اگر چنانچه همانان امروز به جای ما می بودند به یقین همین کار را می کردند. منابع فقه همان منابع گذشته است و خواهد بود. شیوه و متد بهره برداری از آن هم می تواند همان شیوه و متد بزرگان ما باشد اما توجه به مسائل و مشکلات جدید و نیازهای انسان و جامعه انسانی، اکنون میزان توقع و بهره برداری ما را از آن منابع افزون کرده و افزونتر می سازد.

اما ما با تضادهای فراوانی در الزامات جهان جدید و مدرنیته و دستورات فقهی روبرو هستیم. به نظر شما چگونه با وجود این تضادها، فقه می تواند پاسخگوی نیازهای زمان ما با توجه به تغییر شرائط و تغیر نیازهای انسان باشد؟

در این مساله که انسان از لحاظ تفکر، نیازها و روابط در بستری متغییر است، تردیدی نیست. بدون تردید چنین موجود متغیری در موارد بسیاری احتیاج به احکام سازگار و مناسب با شرایط واحوال خود دارد اما این واقعیت برای فقه اسلام هیچ گونه مشکلی را فراهم نمی کند. چرا که منابع فقه حاوی کلیاتی است جاری بر بستر زمان که هیچ گاه از جریان باز نمی ایستند. مثلاً حتماً اصول فقه خوانده اید. عناصری از قبیل زمان و مکان و غیره در جریان این کلیات و انطباق آن با نیازمندیهای انسان در اعصار مختلف نفس اساسی را دارد. عنصر اجتهاد و فقهاء، هدایت گر این جریان در طول تاریخ بوده است. اگر فقهاء و مجتهدین هر دوران در جریان کامل نیازهای جامعه خود و مسائل و مشکلات آن باشند خود را مجهز به معلوماتی می کنند که این معلومات چگونگی تحول و تغیر انسان را از لحاظ تفکر شکل روابط و مناسبات و غیره در بستر زمان برای آنان مشخص می کند.

فقهایی که با توجه به این انسان شناسی به سراغ منابع احکام می روند، در این اقیانوس آب شیرین و گوارایی می بینند که درست مناسب رفع عطش انسان همان روز است. فقهاء و مجتهدین هر

هفت، هشت سال از آن مرحوم استفاده علمی کرده ام بلکه از همان اوان تا پایان عمر ایشان از لطف و محبت سرشارشان بهره مند بوده ام رضی الله تعالی عنه.

در مدت تحصیل در تهران بنا به روش حوزه های علمیه که علاوه بر تحصیل تدریس هم می کنند، به تدریس ادبیات عرب، منطق و کتب مقدماتی فقه و اصول نیز اشتغال داشتم. تقریباً همه کتب ادبی متداول، کتاب منطق و فقه و اصول تا حدود شرح لمعه و قوانین را تدریس می کردم.

در حدود سال ۱۳۲۲ به تشویق مرحوم آیه الله تنکابنی برای ادامه تحصیل به اتفاق آقا زاده ایشان عازم نجف اشرف شدم. سفر به نجف و تحصیل در آنجا دگرگونی های فراوانی برایم ایجاد کرد.

حوزه آن روز نجف حوزه ای بسیار پر شور و گرم بود. در آن حوزه حداقل ده نفر یا بیشتر از علمای بسیار مبرز که همه صلاحیت کامل برای مرجعیت عمومی داشتند مشغول تدریس بودند.

بنده در آن حوزه از محضر پر فیض اساتید و مراجع بزرگواری همچون آیه الله العظمی خوئی، مرحوم آیه الله آقای شیخ محمدعلی کاظمینی، مرحوم آیه الله آقای شیخ محمد کاظم شیرازی و دیگران بهره بردم در این میان بیشترین بهره را از محضر درس آیه الله العظمی خوئی بردم. بیش از یک دوره خارج اصول و به موازات آن خارج فقه: متاجر، طهارت، صلوه، خمس و غیره در محضر درس ایشان شرکت داشتم. شکر در نجف اشرف نیز به موازات تحصیل به تدریس کتاب های رسائل و مکاسب و کفایه اشتغال داشتم. در سال ۱۳۳۰ با اخذ گواهی اجتهاد از برخی از مراجع بزرگ به تهران مراجعت کردم.

این شد که زندگی ام وقف فقه و حقوق اسلام شد. هرچه پیش رور می کردم و هر چه بیشتر در اعماق این علوم پیش می رفتم، بیشتر تشنه تر می شدم. امروز هم هنوز در ساحل این دریای بزرگ فقه اسلام، تشنه ای هستم که مشغول نوشیدن از این دریا هستم. این حقیقت است که ما تشنگان ساحل نشین این دریای عمیق هستیم. اینها را تنها کسی می تواند بفهمد که خودش شناگری آموخته باشد نه از دور وصف دریا شنیده باشد.

به نظر بنده منابع فقه اسلام یک اقیانوسی است عظیم با پهنه های بسیار گسترده و مختلف به گونه ای که می توان همه چیز اسلام را از آن استنباط کرد: حقوق سیاست و اقتصاد و غیره بنابراین فقه اسلام می تواند جوابگوی کلیه این مسائل باشد. در بخش حقوق بنده عقیده دارم که منابع فقه اسلام می تواند یک سیستم حقوقی کامل غنی، وسیع و دارای عناصر زنده و فعال حقوقی را به دنیای امروز عرضه کند. این عقیده را من جدا و صرف نظر از این که یک مسلمان هستم ابراز می کنم.

بحث سیستم حقوقی فقه اسلام را مطرح کردید. به نظر شما این سیستم حقوقی در چه صورتی می تواند به عنوان یک سیستم حقوقی کامل و دارای عناصر زنده و فعال در عرصه جامعه امروز مطرح شود؟

فقه ما با همین اسکلت واستخوان بندی موجود قسمت عمده مسائل حقوقی دنیای اسلام را در بر دارد و از منابع آن می توان کلیه مسائل حقوقی را به دست آورد. منابع فقه اسلامی منابعی است محکم و استوار و دارای عناصری زنده و فعال که در آن کلیه وظایف و حقوق فردی و اجتماعی، عمومی، خصوصی، جزایی و سیاسی چه برای شخصیت های حقیقی و چه برای شخصیت های حقوقی بلکه حتی قسمت های حقوقی جدیدی را

محمدرضا اسدزاده - تشنه بود. می گفت آب دریا را اگر به قدر تشنگی هم بجشی، سیراب نخواهی شد. تشنه ترمی شوی. یک بار در انجمن مفاجر، بحثی در میان بود که کدام علم آدمی را تشنه می کند و کدام سیراب؟ رو کرد به استاد دوانی و گفت: علوم اسلامی، دنیای اکتشاف است. کشف، تشنگی می آورد.

عمرش صرف در جست و جوی در دریای فقه و اصول و حقوق اسلام شد. درجه اجتهادش را در جوانی گرفت. او یکی از نوادر تحصیل کرده دانشگاه بود که درک عمیقی از فقه و حقوق اسلام داشت. مجتهد مکملی ۹۰ ساله که اذان ظهر شنبه ۷ اسفند به دلیل کهولت سن درگذشت. فروردین ۱۳۰۰ در تهران به دنیا آمده بود. سال ۱۳۰۶ به مکتبخانه رفت و در سال ۱۳۱۳ تحصیلات حوزوی را آغاز کرد و در اوایل سال ۱۳۲۳ برای تحصیل در فقه و اصول به نجف اشرف رفت. شاگردی آیت الله عظمی خوئی و شاگردی حضرات آقایان شیخ محمد حسین بروجردی، شیخ محمدرضا تنکابنی، شیخ محمد کاظمینی از او مرد جامعی در حوزه فقه و حقوق و همچنین ادبیات و تاریخ اسلام ساخت. استاد دکتر ابوالقاسم گرگی پس از اینکه در سال ۱۳۳۰ به تهران مراجعت کرد، به تدریس در سطوح عالی و خارج فقه و اصول مشغول شد. از سال ۱۳۳۲ به تحصیل در فقه و مبانی حقوق اسلامی در دانشکده الهیات پرداخت. در سال ۱۳۳۵ تحصیل در دوره دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را آغاز کرد و از همان زمان نیز در همان دانشکده به تدریس پرداخت. پس از آن نیز به تدریس دوره دکتری حقوق خصوصی و حقوق جزا در دانشگاه تهران مشغول بود.

علاوه بر تدریس، وی مجری و محقق تعداد زیادی از طرح های پژوهشی دانشگاه تهران بوده است. از وی تاکنون بیش از صد مقاله و بیست عنوان کتاب چاپ شده که از بین آنها دو کتاب به عنوان کتاب سال انتخاب شده است. دکتر گرگی در دوران تدریس به عنوان استاد نمونه، استاد ممتاز، پژوهشگر برجسته دانشگاه و پژوهشگر نمونه کشور شناخته شده و همچنین نشان درجه ۱ دانش را دریافت کرد. او چهره ماندگار کشور و دارنده نشان درجه یک دانش از رییس جمهور خاتمی بود و در مراسم مشترک فرهنگستان ها به عنوان استاد برگزیده فرهنگستان علوم ایران و دارنده جایزه جشنواره بین المللی خوارزمی انتخاب شده بود.

این آخرین گفت و گویی است که با استاد داشته ایم که به بهانه این ایام منتشر کردیم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

استاد چه شد که به فقه و حقوق علاقه مند شدید؟

بنده از کودکی با صرف و نحو و معانی و بیان آشنا شدم. نوجوانی من با منطق و فقه و اصول گذشت. خیلی به ادبیات و تاریخ علاقه داشتم. در زمان نوجوانی اینجانب مرحوم آیه الله تنکابنی که در تهران سطح مکاسب و کفایه و درس خارج می فرمودند به علت دوستی زیاد اینجانب با جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا علی آقا فلسفی تنکابنی، آقا زاده آن مرحوم برای ما کتاب قوانین رسائل را تدریس فرمودند که خلاصه می توانم بگویم بنده را جذب کرد و در قسمت سطوح بیش از هر کس از آن مرحوم استفاده کردم.

قوانین، رسائل، مکاسب و کفایه حتی مدتی هم در درس خارج ایشان شرکت می کردم. مناسب است این را هم عرض کنم که بنده نه تنها حدود

واحد ارزش آن روز توجه می کند و مواردی را مثال می زند که آن روز تقریباً ارزش یکسان و برابری داشتند. تنوع این موارد می فهماند که هیچ کدام موضوعیت ندارد بلکه نظر اسلام این است که فرد مرتکب بدون مجازات و تاوان رها نشود. مرتکب باید معادل آن واحدازش را به ورثه مقتول بپردازد.

اسلام معادل واحدازش را چند چیز معین کرده است که افراد به مشکل برخورد نکنند و هر کس مناسب با آنچه در دسترس اوست اقدام کنند. برخی از روایات به صراحت به این معنی دلالت دارد. ذکر این موارد مذکور به این معنی نیست که در تهران هم قاتل برای مجازات باید صد شتر بپردازد. در تهرانی که فراهم آوردن چند شتر هم امری است محال. از این گذشته امروزه بر اثر مسائل گوناگون جغرافیایی اقتصادی و سیاسی این موارد مذکور در مکان های مختلف ارزش های نابرابر و گاهی بسیار متفاوت دارند. این گونه نیست که پرداخت صد شتر همه جا برابر با پرداخت گاو باشد.

بنابراین ما می فهمیم که موارد مذکور تنها اشاره به مصادیق است و هیچ موضوعیت ندارد. ما در زمان خودمان از واحدازش خودمان برابر قیمت آن واحدازش در زمان شارع باید به عنوان جریمه پرداخت یا اخذ کنیم. در جوامع دیگر و زمان های دیگر هم به همین گونه .

بنابراین اگر انسان در طول حیات خویش بر بستری ثابت نمی ماند، احکام اسلامی هم بر بستری ثابت نمانده و کلیات آن همراه با نیازهای مختلف و گوناگون انسان بر مصادیقی نو منطبق می گردد. توفیق درانطباق و صحت آن در گرو داشتن یک انسان شناسی صحیح و درک شرایط و موضوعات مختلف زمان است. با این خصوصیات اگر سراغ منابع احکام و فقه اسلام برویم، می بینیم که این منابع سرشار از عناصر زنده، متحرک و پویاست .

مجموع احکام فردی، حکومتی، ظاهری، واقعی، اولی، ثانوی و ... هر یک به جای خود یک مجموعه متحرک و پویایی را تشکیل می دهد که هیچ گاه از پاسخ گویی به نیازهای انسان و اداره او عاجز نمی ماند چرا که اگر انسان تفکر، نیاز و روابط و شرایط ثابت ندارد. به همین موازات احکام شرعی نیز قابل انطباق بر همه آن شرایط است .

پس حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام او تا قیامت حرام است چگونه با این رویه قابل جمع است؟

سوال به جایی است. این بدان معنی نیست که 'حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه' خدشه دار بشود. نه این قاعده کلی، اصلی است مسلم و خدشه ناپذیر.

در منابع فقه اسلامی کلیاتی از آنچه انسان باید انجام دهد یا از آن بپرهیزد بیان شده و مطابق با شرایط و موضوعات زمان شارع نمونه هایی به عنوان مصداق یا مصداق بارز برای آن ذکر شده است . نسبت به زمان های بعد نیز همین کلیات بدون کم و کاست باید جریان پیدا کند و همانگونه که عرض کردم در این جریان نقش اساسی و قابل توجه به فقهاء و مجتهدین هر زمان که متخصص فهم آن کلیات هستند، داده شده است. این متخصصین باید به گونه ای تربیت شوند که منعکس کننده تمام شرایط و نیازهای انسان زمان خود در مقابل آن کلیات باشند. با عرضه این شرایط و نیازها و ارائه موضوعات جدید آن کلیات احکام مناسب را ارائه می کنند.

در این زمینه یکی از مثال های ساده این است ما در منابع فقه یک قاعده کلی داریم که 'تشبه به

اعداءالله' حرام است. این قاعده کلی و این حکم، حکمی ثابت و لایتغیر است. حرام محمد است که الی یوم القیامه تغییر نمی کند اما عنوان تشبه، یک عنوان ثابتی نیست و کاملاً متغیر است . یک روزی پوشیدن کت و شلوار یا نوعی کلاه خاص ممکن بود، تشبه به کفار باشد، بنابراین حرام بود و مسلمانان نباید می پوشیدند اما امروز پوشیدن کت و شلوار تشبه نیست. بنابراین حرام هم نیست .

هر حکمی موضوعی و هر موضوعی حکم خودش را دارد. البته قسمتی از تکالیف عملی و بخش معظمی از عبادات ثابت و پیش ساخته است و نباید در طول زمان تغییر کند اما این قسمت ناظر به یک سری ارزش های ثابت برگرفته از ابعاد لایتغیر وجود انسان است که ثابت بودن آن هیچ گاه برای انسان مشکلی ببار نمی آورد و با رجوع به طبیعت آن به راحتی می فهمیم که در آینده هم هر چه انسان تغییر کند این ثبوت برای او مشکل آفرین نخواهد بود. از این بخش از احکام که بگذریم بقیه هیچ حالت ثابت و از پیش ساخته ای ندارد بلکه قسمت مهمی از احکام فقهی که بیشترین نقش را در زندگی اجتماعی بشر دارد بدون تغییر امکان بقاء ندارد چرا که در ذات آنها تغییر خوابیده است. همین احکامی که امروز به عنوان احکام حکومتی از آن یاد می کنند خمیر مایه و عنصر اساسی تشکیل این احکام تغییر است چرا که این احکام تابع مصالح و مفاسد عموم است و مصالح و مفاسد عموم در زمان های مختلف و در مکان های گوناگون بسیار متفاوت و متغیر است .

مناظر این تفاوت و تغییر احکام حکومتی نیز متغیر و غیر ثابت خواهد بود. طبیعت احکام حکومتی به گونه ای است که نمی تواند از پیش ساخته و حالت ثابت داشته باشد. حاکم فقیه و متخصص عادل باید با توجه به شرایط زمان و مکان و دیگر شرایط مصلحت عموم را به دست بیاورد و بر مبنای آن مصلحت احکام حکومتی را استنباط کرده و القاء کند چرا که این احکام پیش ساخته نیست و باید در هر زمان بنا به مصالح عمومی آن را از کلیات منابع فقه استخراج کرد و به دست آورد.

شما یکی از مخالفان ترویج حدیث مشهور پیامبر که توالد و افزایش جمعیت است، هستید. از نگاه فقهی چگونه پاسخ مروجین افزایش جمعیت در اسلام را می دهید؟

بله مساله توالد و تناسل که امروزه مطرح است، آن گونه که نسبت می دهند پیامبر اکرم فرموده است: 'تا کجا تناسلوا فانی اباهی بکم یوم القیامه ولو بالسقط. ' این از لحاظ حکم فردی کاملاً درست است . مصلحت فرد و خانواده غالباً این اقتضا را دارد اما از نظر اجتماعی ممکن است همواره این گونه نباشد.

زمانی که مسلمانان در اقلیت هستند و از این نظر در مقابل دشمنان خود تامین لازم را دارند، باید محتوای این حدیث را نشر داد و به آن عمل کرد.

چه بسا شان نزول این حدیث هم همین باشد. ولی چه بسا در زمانی مانند امروز مصلحت جامعه ما اقتضای خلاف آن را داشته باشد. ما که تا چند صباح دیگر نمی توانیم امکانات لازم فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی لازم و مفید را برای یک جمعیت آنچنانی فراهم کنیم ، عمل به محتوای این حدیث به صلاح ما نیست و اگر ولی فقیه یعنی متخصص عادل بنا به حکم حکومتی دستور حصر توالد و تناسل را صادر کند باید از این دستور متابعت شود چرا که این به صلاح جامعه است و این هیچ مخالفت با اسلام یا نبی اکرم نیست .

آنچه پیامبر اکرم فرمودند در موقعیت زمان و مکان خاصی کاملاً درست و صحیح است ولی

فعلاً ما در آن موقعیت نیستیم و اکنون اداره شرافتمندانه و با عزت جامعه اسلامی ما در میان دیگر جوامع دنیا اقتصادی دیگری دارد. و به عبارت مختصر تر چه بسا این حدیث بر فرض صحت قضیه خارجی باشد نه حقیقه .

ما در متن منابع فقهی نسبت به معاملات دستوری داریم که : معامله نباید مجهول باشد. در گذشته اگر بایع یک تکه سنگ یا پاره آجری را بر می داشت و به مشتری می گفت به اندازه وزن این تکه سنگ به تو گندم می فروشم به این قیمت، این اشکال نداشت چرا که معامله مجهول نبود اما امروز حکومت به لحاظ رعایت مصالح عمومی جامعه در باب اوزان و مقادیر یک استاندارد های مشخص را تعیین کرده که مردم موظف هستند در قالب همان استانداردها معاملات خود را انجام دهند و خارج از آن معامله را مجهول می کند. خروج از این استانداردها چه بسا از نظر احکام فردی شرعی اشکال نداشته باشد، چرا که به وسیله دیگری از حالت مجهول بودن خارج شود اما اگر بی توجهی به حکم حکومتی تلقی شود درست نیست . در همین مساله اوزان مقادیر به خوبی مشخص می شود که حکم کلی اسلام چنان بیان شده که با فرهنگ ها و زمان های گوناگون هیچ تصادم و مشکلی را ایجاد نمی کند و می تواند موافق مصلحت عموم جوامع در تمام زمان ها واقع شود.

بعضی می گویند تنها راه برای جدا ساختن ویژگی های کهن و دور نگه داشتن آنها از حریم استنباط پیمودن روش های جدید و برگرفتن متدهای نو در استنباط است. شما با این روش مخالف هستید. چرا؟

به عقیده من این نه تنها راه نیست بلکه ضرورتی هم ندارد چرا که منابع احکام ما بنابر اعتقاداتمان هیچ گاه تغییر نمی کند. برای استنباط همواره باید به قرآن و سنت رجوع کرد. صغرای استنباط را همواره باید از این دو منبع گرفت . بزرگان ما هم همه همین کار را کردند.

کبرای استنباط را هم همیشه باید از علم اصول گرفت در این بحثی نیست. در اینجا هم بزرگان ما همه همین کار را کردند. ضرورتی در تغییر متداستنباط احساس نمی شود. همان متد صاحب جواهر شیخ طوسی و بزرگان دیگر خوب و درست است اما اگر این بزرگان امروز بودند و با همین متد به استنباط می پرداختند نتیجه استنباط آنان با آنچه در کتابها از ایشان باقی مانده و در رای و منظر ماست فرق می کرد.

ما باید به آنچه که باعث این فرق می شود توجه کنیم . آنچه نتیجه استنباط آنان را به فرم موجود در آورده همان شرایط و ویژگی های حاکم بر دوران آنان بوده است که ما این شرایط را نداریم . آنچه به فرض موجود بودن آنان در این زمان به فتوای آنان رنگ دیگری می داد شرایط موجود ماست .

اگر ما به شرایط زمان خود توجه کافی نکنیم طبیعی است که از آن شرایط کهن فاصله می گیریم . این مساله را که ما در استنباط حکم فقهی از منابع فقه نباید تحت تاثیر عظمت علمی و تقوای بزرگان سلف باشیم از خود آن بزرگان یاد گرفته ایم . خود آنان ضمن بزرگداشت و رعایت احترام پیشینیان خود هیچ گاه آراء آنان را در آراء خود نفوذ نمی دادند حتی اساتید بلا فصل خود را. شما به این مساله اجماع و شهرت نگاه کنید بزرگان ما تقریباً پنبه این دو را زده اند. از نظر علمی علماء بزرگ ما از قبیل : شیخ انصاری و مرحوم آخوند برای شهرت اعتباری قائل نشده اند و در اعتبار اجماع هم تردید کرده اند.

عیب از متد نیست . عیب از این است که ما

آنچه را که باید واقعاً در استنباط احکام دخالت دهیم دخالت نمی دهیم یا اصلاً آن را نمی شناسیم و یا اگر می شناسیم به آن توجه نداریم برعکس آنچه را که هیچ دخالتی در استنباط احکام ندارد بی هیچ وجهی در آن دخالت می دهیم .

با توجه به حوزه وسیع مسائل فقهی تخصصی شدن مباحث فقهی را چقدر ضروری می دانید و در این زمینه چه باید کرد؟

بی شک اگر توسعه در حدی باشد که امکان متخصص شدن در همه ابواب فقه امکان نداشته باشد تخصصی شدن ابواب فقه کاملاً ضرورت دارد. راه حل عملی برای این موضوع ایجاد یک نگرش درست نسبت به اجتهاد و تقلید است. اگر ما رجوع به مجتهد را از باب رجوع به متخصص می دانیم در هر زمینه ای باید به متخصص همان زمینه رجوع کنیم . اگر فردی در بخش معاملات متخصص است وی اعلم در این بخش به حساب می آید و در این بخش باید از او تقلید کرد ولو دیگر در تمام ابواب از او قوی تر باشند. در همین باب که او متخصص واعلم است باید از او تقلید شود. تقلید از اعلم ولو در یک باب متعین و الزامی است .

در همین راستا اگر ولی فقیه و حاکم اسلامی تنها در مسائل حکومتی تخصص داشته باشد نه در موارد دیگر هیچ اشکالی ندارد و می تواند حاکم باشد. بله راه عملی این است که این حقیقت را برای جامعه بازگو کنیم تا کسی در متخصص شدن در یک یا چند باب فقهی احساس خسران نکند. امروز باید افراد را به سوی متخصص شدن و هر چه دقت بیشتر در امور داشتن تشویق و ترغیب کنیم . البته همانطور که در دیگر تخصص ها ابتدا کلیاتی را فرامی گیرند و بعد به سراغ تخصص می روند ما هم در فقه باید به این گونه باشیم . متخصص در هر بابی از فقه باید کلیات دیگر ابواب را بداند تا همانگونه که عرض کردم در استنباط به کلیات دیگر ابواب نیز توجه داشته باشد.

اگر ما بتوانیم خبرگانی در ابواب مختلف فقه تربیت کنیم آنان می توانند مشکلات تئوریک ما را برای صحنه های عمل حل کنند و با یک دید نو و عمیق دو مرتبه به سوی منابع فقه بروند و با توجه به موضوعات و مسائل جدید به استنباط نو دست یابند. در این صورت رفته رفته حجم فقه ما بیشتر و غنی تر می شود. من تصور می کنم که لاوم است در مسائل فقهی گذشته و همچنین در موضوعات جدید فقهی با همان حجم فقهی و احیاناً بیشتر که گذشتگان ما روی آن کار کردند و زحمت کشیدند کار شود تا احیاناً مجموعه های بسیار بزرگتر با ابواب و فصول زیاده تر هم فراهم آید. بسیاری از مسائل امروزی در لسان علمای گذشته ذکر نشده و بسیاری از مسائل را آنان به اختصار و با دیدی ملهم از شرایط زمان خودشان استنباط کرده اند که متخصصین فقهی ما باید احکام مسائل و موضوعات جدید را بیابند و در مسائل قدیمی نیز یک گزارش اساسی داشته باشند. بحث در این باره بسیار مفصل است که در یک گفت و گو نمی گنجد. اجازه بدهید بحث را جمع کنیم.

بله . از وقتی که به ما دادید بسیار ممنونم.
من هم از شما متشکرم. امیدوارم این حرف ها موجب روشن شدن مسائل فقه در جامعه ما باشد. همان طور که می دانید خیلی مسائل امروز پیچیده شده و برخی نگاه های منفی هم خصوصاً به علوم اسلامی و علی الخصوص به فقه اسلام ترویج می شود که باید برای درک درست جامعه و روشنگری در این باره تلاش کنیم. شما که رسانه دارید باید تلاش کنید تا نگاه های منفی به فقه اسلام اصلاح شود.

منبع: خبر آنلاین

دکتر سعید شهابی :

یک اتفاق نظر ملی و سنی - شیعی برای معارضة در بحرین وجود دارد



وی ادامه داد: این حرکت عزم معترضان را بیش از پیش جزم خواهد کرد و آنان را به سمت ایستادگی بیشتر سوق می دهد. شهابی، آزاد کردن بعضی از زندانیان را در واقع پروژه رها شدن از آنان دانست و درباره دلیل این تحلیل گفت: بعد از آنکه تمام جهان و همه سازمان های حقوقی و

شاهد خیزش های ملی عظیمی هستند.

این نویسنده بحرینی در ادامه افزود: بحرین قبل از انقلاب ۱۴ فوریه، شاهد اعتراضات بسیاری بود. خواسته های معترضین به تدوین قانون اساسی، توزیع عادلانه ثروت و توقف تبعیض علیه اکثریت محدود بود؛ اما اکنون معترضین فقط و فقط خواستار براندازی رژیم هستند.

سعید شهابی درباره مطالبات معترضین عنوان کرد: دو نوع شعار در میان مخالفان مطرح است؛ یکی شعاری است که معارضان سنتی آن را مطرح می کنند که به اصلاح سیاسی و براندازی دولت محدود می شود و یکی شعاری است که انقلابیون جوان مطرح می کنند و آن براندازی رژیم است. یعنی دامنه اعتراضات از مطالباتی که سابقا مطرح بود، گذشته است تا به مرحله بعد از سقوط رژیم پردازد.

پژوهشگر بحرینی درباره مقصود از کلمه مشروطه سلطنتی توضیح داد: منظور این است که خاندان پادشاهی همچنان مالکیت را در دست داشته باشد، اما حکومت نکند؛ یعنی به عنوان یک نماد ملی باقی بماند اما در تعیین سیاست ها و استراتژی کشور در هر زمینه ای دخالت نکند و ملت خود نمایندگان خود را برای تعیین سیاست های کشور انتخاب کنند.

شهابی اضافه کرد: دولت کنونی توانایی اتخاذ چنین تصمیمی را ندارد؛ چراکه هیچ یک از مطالبات انقلابیون غیر از تغییر بعضی از وزرا را انجام نداده است که این خود نوعی به سخره گرفتن معترضان است.

این روزها جهان اسلام از شرق گرفته تا غربش شاهد خیزش تازه ملت هایی است که با نظام های حزبی حاکم و زورگو بر آنها مسلط است و یا یک خانواده پادشاهی. پس از دهه های مملو از تروریسم فکری، کشتار آزادی های فردی و حزبی و دادن شعارهای پر زرق و برق دموکراسی، امت واحده عربی، پیشرفت، دفاع از مسئله فلسطین و مقابله با امپریالیسمی که خود دست نشانده آن است، اینک ملت ها می خواهند ردای ذلت اهانت و استثمار و استعمار را از تن درآورند.

بحرین نیز مانند ملت های اسلامی دیگر شاهد مخالفت های عظیم و وسیعی بود که خواستار سقوط رژیم پادشاهی، ایجاد آزادی ها، تدوین قانون اساسی و عدم تبعیض میان فرق مذهبی است. این اعتراضات از شش ماه پیش آغاز شده که در پی آن صدها معارض بازداشت شدند. دکتر سعید شهابی نویسنده، تحلیلگر و معارض بحرینی در گفت و گویی اظهار داشت که بحرین از سال ۱۹۲۲ تاکنون شاهد اعتراضات بسیاری بوده است. این نویسنده بحرینی در این مصاحبه تأکید کرد: آنچه که برخی رسانه ها درباره چیستی این اعتراضات عنوان می کنند و اینکه تنها مختص شیعیان است و خواسته های آن رنگ و بوی فرقه ای دارد، شایعاتی است که رژیم حاکم بر بحرین و برخی رسانه های طرفدار آن پراکنده اند. وی به این نکته اشاره کرد که این شایعات از قدیم الايام وجود داشته و منشأ اثر نخواهد بود؛ به ویژه در شرایطی که بسیاری از سرزمین های عربی

متحده که رژیم های استبدادی را در طول شش دهه گذشته یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون حمایت کرده، بعد از عقب نشینی و سقوط حکام منطقه نگویند بخت شده است. وی تأکید کرد: تغییرات سیاسی بر موازنه قدرت میان ایران و آمریکا تأثیر خواهد گذاشت؛ چراکه به صلاح ایران است که این منطقه و آب های آن

آرام بماند و ملت های آن حکمرانی کشورها را برعهده گرفته و مستقل از دخالت های خارجی باشند تا به این ترتیب از بحران های میان اعراب و ایران که ساخته و پرداخته غرب است، رهایی یابند.

وی عنوان کرد: ایران چشم داشتی به این کشورها ندارد و این کشورها نیز نمی خواهند روابطشان با کشور همسایه خود؛ ایران بحرانی شود، زیرا نقاط اشتراک بسیاری میان دو طرف وجود دارد.

وی اظهار داشت: تغییر رژیم های خلیج فارس، زمینه را برای ایران فراهم خواهد ساخت که روابط قوی تری نسبت به قبل با این کشورها داشته باشد، روابطی که دیگر دیکته شده بیگانگان نیست. این همان چیزی است که غرب از آن واهمه دارد؛ چراکه منافع غرب در این منطقه مورد تهدید واقع می شود. سعید شهابی تأکید کرد: حضور نظامی آمریکا در آب های خلیج فارس، فضا را بحرانی و متشنج می کند و مردم منطقه خلیج فارس آن را تأیید نمی کنند.

درآمد یک میلیون بشکه نفت عربستان سهم ۵

شاهزاده سعودی

سایت اینترنتی ویکی لیکس در انتشار یکی دیگر از اسناد وزارت خارجه آمریکا فاش کرد که یکی از شاهزادگان سعودی در سال ۲۰۰۷ به سفیر آمریکا در عربستان ابلاغ کرد که درآمد یک میلیون بشکه نفت در روز به طور کامل به پنج یا شش شاهزاده سعودی پرداخت می شود.

در این سند که با عنوان شاهزاده سلطان در اختلافات بین اعضای خاندان از پادشاه حمایت می کند منتشر شده است، جزئیات توزیع درآمد ناشی از نفت بین اعضای خاندان حاکم تشریح شده است به گونه ای که ماهیانه ۲۷۰ هزار دلار به هر کدام از فرزندان عبدالعزیز بن سعود، حقوق بازنشستگی پرداخت می شود.

بر اساس گفته این شاهزاده سعودی، پادشاه ها نیز شامل هدایای ازدواج و بنای کاخ های مجلل علاوه بر پاسخگویی به وعده های مالی شاهزادگان و اختصاص پادشاه های ماهیانه به اعضا و خانواده هایی خارج از خاندان حاکم است.

بر اساس سند منتشر شده بسیاری از شاهزادگان وام های کلان از بانک های تجاری داخل کشور گرفته اند اما اقساط آن را پرداخت نکرده اند و این امر باعث شده است که بانک ها برای وام دادن به اعضای خاندان پادشاهی شرط و شروط وضع کنند.

به گزارش پایگاه خبری راصد، در این سند آمده است: برخی شاهزادگان حریص و طمعکار با مصادره زمین های عمومی آنها را با قیمت های بالا و برای اجرای طرح های عمرانی به دولت می فروشند.

شاهزادگانی دیگر نیز در مقابل تضمین به کارگران خارجی در دستیابی به حق اقامت در عربستان مالیات های سنگینی از آنها می گیرند.

سند مذکور آورده است: برخی اعضای خاندان سلطنتی از اقدامات ملک عبدالله بن عبدالعزیز برای ایجاد اصلاحات که امتیازات آنها را محدود کرده است ابراز ناخرسندی کردند و پادشاه در پاسخ به آنها گفته بود که من بالای ۸۰ سال عمر دارم و نمی خواهم که روز حساب فساد بر دوشم سنگینی کند.

بر اساس این سند از امتیازات حذف شده از خاندان سلطنتی قطع خطوط تلفن هزاران شاهزاده و لغو امتیاز سفر مجانی و ضرورت پرداخت حق اقامت در هتل از سوی خود اعضای خاندان است و دیگر اعطای ویزا به کارگران خارجی بود که خشم شاهزادگانی را برانگیخته بود که پیشتر از مالیات دریافتی از این افراد پول هنگفتی به جیب می زدند.

افشای استفاده گسترده از رانت دولتی و فساد در بحرین

برای افشای حقایق بیشتر درباره املاک دولتی و خصوصی کشور که به سرقت رفته است، مشخص شود.

عبدالله العالی گفت: با وجود سوء استفاده از املاک کشور و سرقت زمین ها، به نظر نمی رسد برای ریشه کن کردن فساد در دولت و دستگاه اجرایی جدیتی وجود داشته باشد. العالی اظهار داشت از مهم ترین نتایجی که کمیته تحقیق درباره املاک دولتی و خصوصی کشور بدست آورده این است که زمین های به سرقت رفته که با دلیل ثابت شده بیش از ۶۵ کیلومتر مربع است.

همچنین زمین های زیادی وجود دارد که خارج از چارچوب قانون اهدا شده است و برخی از آنها به شرکت تبدیل شده و اسناد آن به نام شرکت مذکور به ثبت رسیده است و بسیاری از املاک به بهای کم و ناچیز فروخته یا اجاره داده شده است و بسیاری از آنها به بودجه کشور اضافه نشده و بسیاری از پروژه های خصوصی در زمین ها و املاک دولتی اجرا شده است.

دارایی های مردم بحرین با این روش از طریق به بازی گرفتن پست نخست وزیری به سرقت رفته و این فقط یک مثال است. بحرین شاهد اعتراضات مردمی پی در پی و گسترده ای است که مردم با برپایی این اعتراضات خواستار ایجاد تغییرات و اصلاحات سیاسی در کشورشان هستند. این در حالی است که برخی دیگر از شهروندان بحرینی خواستار سرنگونی نظام و برکناری خاندان حاکم هستند که از حدود دو قرن پیش تاکنون بر این کشور حکومت می کنند.

گونه ای که فروشنده نمی تواند در آینده به هیچ یک از دستگاه های حقوقی یا قضایی درباره این مسئله شکایت کند.

به گفته این فعال سیاسی بحرینی، دولتی ها و خاندان حاکم به گونه ای رانت های اقتصادی استفاده کرده و می کنند که بیشتر اقتصاد کشور را در دست خود گرفته اند. به گفته شیخ سلمان در این معامله ها طرف سوم و دلالاتی از طرف فروشنده یا فروشنده ها حاضر می شوند تا مالک در فروش ملک خود مردد نشود و در صورت ایجاد اختلاف در معامله خاندان حاکم طرف مستقیم نباشد. همچنین خاندان حاکم طرف سوم به شمار می رود تا شک و تردید ایجاد نشود به طوری که در این سند عبدالرحمن محمد عبدالله مالک و شیخ راشد بن خلیفه بن حمد آل خلیفه نماینده خاندان حاکم به شمار می رود.

این سند فاش کرد که چگونه مالکیت این زمین به شرکت بندر اقتصادی بحرین و چند ماه بعد در مارس سال ۲۰۰۵ به مالکیت خلیفه بن سلمان نخست وزیر بحرین منتقل شد.

یادآور می شود عبدالله العالی نماینده مستعفی فراکسیون الوفاق هفته گذشته وعده داد که مسائل و نتایجی را که کمیته تحقیق درباره املاک دولتی و خصوصی کشور بدست آورده است در افکار عمومی فاش کند تا میزان فساد و خلی که دولت و دستگاه های اجرایی از آنها رنج می برند مشخص شود.

وی تأکید کرد بیش از ۶۵ کیلومتر مربع به شیوه های غیرقانونی به سرقت رفته است و امید است سازوکار تلاش

دبیرکل جمعیت وفاق اسلامی بحرین از جزئیات جدید فساد دولت و استفاده مقامات دولتی این کشور از رانت های اقتصادی و سیاسی در بحرین پرده برداشت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبری العالم، شیخ علی سلمان جزئیات جدیدی از اسناد و مدارکی را فاش کرد که فساد مالی وزیران دولت منامه را ثابت می کند. بحرینی ها با برپایی تظاهرات در سراسر این کشور خواستار استعفا این دولت هستند و تظاهرکنندگان وعده داده اند تا عملی شدن خواسته های خود به تظاهرات ادامه دهند.

اسناد و نوار ویدئویی نشان می دهد که خلیفه بن سلمان نخست وزیر بحرین زمین بندر اقتصادی منامه را فقط به مبلغ یک دینار خریداری کرده است.

در این سند آمده است که فروشنده در مقابل دریافت مبلغ یک دینار بحرین حق هر گونه مطالبه در آینده را از خود سلب کرده است و اذعان می کند که خریدار حق دارد با صرف امضای قرارداد درآمد حاصل از این ملک را دریافت کند و مالک آن باشد. شیخ علی سلمان گفت اسناد دیگری درباره فساد موجود در میان اعضا و دستگاه های دولتی در اختیار دارد که در آینده فاش خواهد کرد.

بعد از تأیید برنامه ریزی ها و طراحی های سازندگی در مناطقی از کشور و قبل از اینکه در رسانه ها مطرح شود، خاندان حاکم در بحرین روی زمین هایی که آینده اقتصادی خوبی دارند، دست می گذارند و این زمین ها را از دست و مالکیت صاحبان آنها با ترفند و حيله هایی خارج می کنند به

«نجم‌الدین اربکان» پیروزی انقلاب را سر آغاز پیروزی‌های دیگر اسلام می‌دانست

نورچی‌ها و نجم‌الدین اربکان است و با اینکه از حزب او جدا شد و حزب عدالت و توسعه - آق پارتی - را تأسیس کرد و پس از پیروزی در انتخابات هم چند سالیست دولت تشکیل داده است، اما همواره احترام مرشد یا خوجه خود اربکان را نگه داشت و علیرغم انتقاد اربکان از بعضی سیاست‌های وی همچنان با احترام و تقدیر با او روبرو شد... اربکان‌ها و اردوغان‌ها و گل‌ها و گلن‌ها در ترکیه، همیشه نیستند... و یا همیشه در رأس امور نخواهند بود... امید دارم که جمهوری اسلامی ایران و برادرمان دکتر صالحی وزیر محترم امور خارجه با استفاده از فرصت‌ها، در تحکیم روابط بکوشند و به وعده‌های عملی نشده در زمینه‌های مختلف وفا کنند که الفرص تمر مر السحاب

نجم‌الدین اربکان، پدر اسلام گرانی در ترکیه
... نجم‌الدین در سال ۱۹۲۶ م در شهر «سینوب» ترکیه به دنیا آمد... در سال ۱۹۴۸ در رشته مهندسی مکانیک از دانشکده فنی استانبول فارغ التحصیل شده و دکترای خود را در این رشته، در سال ۱۹۵۱ در آلمان بدست آورد.

نجم‌الدین پس از برگشت به میهن به فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی پرداخت و نخستین حزب اسلام گرا را به نام «حزب نظام ملی» در سال ۱۹۷۰ تأسیس نمود که به دنبال استقبال مردم از آن، توسط ژنرال‌های کودتاجی «منحله» اعلام شد... ولی نجم‌الدین دو سال بعد - ۱۹۷۲ - «حزب سلامت ملی» را تشکیل داد و توانست در انتخابات مجلس ۵۰ نفر را به پارلمان ترکیه بفروستند... و پس از ائتلاف با حزب «جمهوری خواه خلق» دولت تشکیل دهد... ولی با کودتای ژنرال‌ها باز از فعالیت سیاسی محروم شد... او در سال ۱۹۸۷ پس از بازیافت حقوق سیاسی خود، «حزب رفاه» را پایه گذاری نمود و به فعالیت گسترده‌ای در سراسر ترکیه دست زد و سرانجام توانست با بدست آوردن اکثریت آراء به عنوان حزب اول، به نخست وزیری برسد که در این دوران خدمات ارزنده‌ای از جمله تأسیس گروه «دی ۸» - متشکل از ۸ کشور اسلامی - انجام داد...

در سال ۱۹۹۸ با انحلال «حزب رفاه» نجم‌الدین به حکم دادگاه به مدت پنج سال از فعالیت سیاسی منع شد... ولی به محض پایان مدت، او «حزب سعادت» را تشکیل داد...

نجم‌الدین در این مسیر، بارها دستگیر و زندانی شد و یا از فعالیت سیاسی منع شد ولی او هیچوقت از آرمان و هدف خود دست برنداشت و در ۸۵ سالگی باز به فکر تشکیل دولت بود... که درگذشت.

نجم‌الدین بی تردید پرچم دار و پایه گزار حرکت اسلام گرانی نوین در ترکیه بود و با درگذشت او این حرکت خاموش نخواهد شد... شاگردان او، ولو در حزبی جدا و سنگری دیگر، به راه او ادامه خواهند داد. که یکی از آن‌ها «عبدالله گل» رئیس جمهوری و دیگری «رجب طیب اردوغان» نخست وزیر فعلی ترکیه است...

اردوغان علیرغم انتقادهای تند اربکان از سیاست او هرگز لب به پاسخگویی نگشود و احترام استاد را نگه داشت و اکنون در گذشت وی را به ملت ترکیه تسلیت گفته و ضمن تجلیل از شخصیت مبارز و خستگی ناپذیر اربکان، برای او طلب رحمت از خداوند نموده است. او در بیانیه خود نوشت: «عرصه سیاسی ترکیه فرد برجسته و فرهیخته‌ای را از دست داد، فردی که عمر و زندگی خود را وقف یاد گرفتن و یاد دادن کرده بود» خداوند او را غریق رحمت خود سازد و در جنت خلد جایش دهد.

اسلام آباد اسکان یافته بودند... بقیه در هتل‌های دیگر... نجم‌الدین اربکان و هیئت همراه، و همچنین هیئت ایرانی در این هتل اقامت داشتند...

روزی در لابی هتل با آقای اربکان که پس از سال‌ها مرا می‌دید و خیلی اظهار خوشحالی می‌کرد، نشستیم و گپ زدیم... خیلی از ادامه جنگ ناراحت بود و با ملایمت ولی با تأثر عمیق، از تجاوز عراق و قتل عام مسلمانان، انتقاد می‌کرد و خواستار پایان یافتن جنگ بود!

در مورد همکاری نظام اسلامی با ترکیه! سخن به میان آمد که نجم‌الدین اربکان با لبخند ملیحی در پاسخ سؤال من که چه باید کرد؟ گفت: خیلی کارها می‌توان انجام داد، اما دوستان جمهوری اسلامی به وعده‌های خود وفا نمی‌کنند... ایران آرخاد اشلاری چرخ آبی قونو شولار، باشقا وفا ایدیلیم!... دوستان ایرانی خیلی خوب حرف می‌زنند اما به آنها عمل نمی‌شود...! و من البته این نکته را در آن زمان پس از مراجعت به ایران به آقای دکتر ولایتی منتقل کردم... نکته بسیار جالبی که برای من خیلی اهمیت و ارزش داشت، این بود که یک شب پس از پایان کار کنفرانس به هتل برگشتیم... همراه آقای البرزی در گوشه‌ای نشستیم که وقت پرواز به ایران را تعیین کنیم...

در پشت ستون مقابل ما، نجم‌الدین اربکان با چند نفر از یارانش نشسته بود و البته ما را نمی‌دید... پیشکار او از نزد مسئول پروازهای میهمانان به نزد او آمد و تعداد پروازها از اسلام آباد به استانبول را شرح داد نجم‌الدین اربکان فقط به یک نکته اشاره کرد و گفت: نوع شرکت هواپیمائی و ساعت پرواز شب یا روز مهم نیست، حتماً ترتیبی بدهید که چون فردا جمعه است، من به نماز جمعه برسم!

این نکته خیلی ارزش داشت و نشان دهنده ایمان این مرد به معتقدات مذهبی‌اش بود. او در مسافرت است و نماز جمعه بر او واجب نیست. چندین روز است که شب و روز در کنفرانس و ملاقات‌ها گذرانده و بجای اینکه بگوید زودتر برسم تا استراحت کنم!، به فکر آن بود که طوری سفر او تنظیم شود که به نماز جمعه برسد...

آقای البرزی که ترکی نمی‌دانست، از حیرت! و قیافه من شگفت زده شد و پرسید مگر اربکان چه گفت: موضوع را به ایشان گفتم بر تعجبش افزود... و اینکه ایمان و عقیده چه‌ها که نمی‌کند. و این آخرین دیدار من با اربکان بود... و اکنون که به رحمت حق پیوسته است، امیدوارم که راه او در ترکیه ادامه یابد و دوستان جدید، در مسیر تکاملی حرکت اسلام‌گرایانه نورچی‌ها و رفاهی‌ها و سعادت‌ها و عدالتی‌ها و فتح الله گلن‌ها، گام‌های بلندتری بردارند...

.. بی مناسبت نیست اشاره کنم که آقای رجب طیب اردغان، وقتی شهردار استانبول بود و شهر را مثل یک دسته گل تمیز و آباد ساخته بود، یک کنفرانس برای بزرگداشت علامه اقبال لاهوری ترتیب داد که از کشورهای اسلامی منطقه برای شرکت در آن دعوت کرده بود... از ایران نیز اینجانب را دعوت کرده بود که با یکی دو نفر از اساتید در این کنفرانس شرکت کنم و من همراه آیت الله شیخ حسین گوگانی استاد دانشکده الهیات تهران و آقای دکتر حسین رزمجو استاد دانشکده ادبیات مشهد در این کنفرانس شرکت کردم و سخنرانی مبسوطی هم ایراد کردم که برای برادران ترک جالب بود و جاوید اقبال، فرزند علامه محمد اقبال لاهوری نسخه آن سخنرانی را گرفت که به زبان اردو ترجمه کرده و در پاکستان منتشر سازد... آقای رجب طیب اردوغان که خود نیز در کنفرانس شرکت کرد و در افتتاحیه آن سخنانی بیان نمود، یکی از تربیت یافتگان مکتب

که ما به دیدار او برویم، اما او محبت کرده و به دیدار ما آمده است... و ما از این احترام گذاری و اخلاق او باید سپاسگزار باشیم...

... شاید یک ساعتی در خدمت اربکان بودم. بدون هیچگونه خودنمایی! و یا قیافه مرشد و خوجه بودن، با من صحبت کرد و البته از اینکه من می‌توانستم به ترکی استانبولی صحبت کنم، خیلی خوشحال بود. (ترکی استانبولی با ترکی آذری ما تفاوت‌هایی در لغات، کیفیت بیان و ادای کلمات دارد).

سخن از انقلاب اسلامی بود... نجم‌الدین اربکان بسیار مسرور و شیفته انقلاب بود و آن را پیروزی اسلام در منطقه و سرآغاز پیروزی‌های دیگر می‌دانست و از امام خمینی به نیکی و خیر یاد می‌کرد. من بطور سربسته از استمرار سکولاریسم در ترکیه و مذهب شدن آن‌اتورکیسم! اظهار نگرانی کردم... و او به تفصیل شرایط کشورش را بیان کرد و گفت در نظامی که حدود ۶۰ سال است به کمک غرب و توسط لائیک‌ها اداره شده و آنها در همه امور ریشه دوانده اند، باید با احتیاط و به تدریج به سوی حاکمیت اسلام در همه زمینه‌ها پیش برویم... هرگونه شتاب، با توجه به پشتیبانی غرب از این امر، با سرکوب ژنرال‌ها روبرو خواهد شد... ولی من امید دارم که به یاری خدا به تدریج به اهداف خود برسیم و این راه را عدنان مندرس آغاز کرد، اما دیدید که او را با یک اتهام واهی اعدام کردند... جرم واقعی او، اسلام خواهی بود... ما امیدواریم که با استفاده از تجربیات گذشته این راه را ادامه دهیم و حتی در این راه حاضریم با لائیک‌ها ائتلاف کنیم تا اکثریت را در مجلس بدست آوریم و سپس نخست وزیر و رئیس جمهور تعیین کنیم...

من با آرزوی موفقیت و دعا برای سلامتی نجم‌الدین از او خداحافظی کردم و به ایتالیا رفتم... مدتی گذشت و حزب او که بعدها عنوان حزب رفاه را برای ادامه فعالیت قانونی خود برگزید، پیروز شد و با حزب خانم چیلر ائتلاف نمود و به قدرت رسید و دیدیم که چند ماه بعد، با کودتای ژنرال‌ها، دولت سرنگون شد و باز لائیک‌ها به صحنه آمدند. و اربکان و یارانش با اتهام‌های واهی، به دادگاه کشیده شدند...

در بحران تجاوز عراق به ایران، با همکاری رهبری حرکت‌های اسلامی مصر و ترکیه و سودان و رهبران جهادی افغانستان، نشستنی به عنوان کنفرانس وحده المسلمین در پاکستان - اسلام آباد - منعقد گردید که دعوت‌ها توسط ژنرال ضیاء الحق بعمل آمده بود ولی بعدها شنیدم که هزینه کنفرانس را آل سعود پرداخته بودند...

در این کنفرانس تقریباً همه رهبران همه حرکت‌های اسلامی جهان اسلام از شیخ محمد حامد ابوالنصر، مرشد اخوان مصر تا شیخ حسن الترابی مرشد حرکت اسلامی سودان تا شیخ عمر عبدالرحمن رهبر حرکت‌های جهادی مصر و همه رهبران حرکت‌های جهادی افغانستان و قاضی حسین امیر جماعت اسلامی پاکستان و بالاخره نجم‌الدین اربکان در آن حضور و شرکت فعال داشتند.

رابط وصل ایران به این کنفرانس، که هسته اصلی آن در لندن، در منزل دکتر عزام مصری و با شرکت اینجانب تشکیل شده بود، بنده بودم و از ایران آیت الله جنتی و آیت الله تسخیری و آقای سید محمود موسوی سفیر مادر پاکستان و آقای البرزی از وزارت امور خارجه مرکز، و حقیر شرکت داشتیم که ماجرای کار کنفرانس و صدور قطعنامه که در متجاوز شناختن عراق پیشقدم گردید، داستان دیگری دارد... اما نکته‌ای که در گوشه‌ای از این کنفرانس، هنوز به یادمانده است مسئله آقای نجم‌الدین اربکان بود. عده‌ای از میهمانان در هتل هیلتون

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بارها و بارها به ترکیه - آنکارا و استانبول - سفر کرده بودم. در نخستین سفر با اتوبوس «میهن تور» از تهران تا فرانسه و آلمان، از طریق ترکیه رفته بودم. بعدها با هواپیما... در آنکارا با چند روزنامه، از جمله هفته نامه پرتیراژ «اتحاد» و روزنامه «زمان» مصاحبه کردم که در صفحه اول آن دو نشریه به چاپ رسید...

شبی در آنکارا با هدایت یکی از برادران، در جلسه هواداران «ملا سعید نورسی» که به نورچی‌ها معروف بودند، شرکت کردم، خیلی خوشحال شدند و کلماتی نیز به ترکی بیان کردم که مورد استقبال حضار قرار گرفت... ولی روز بعد، یکی دیگر از برادران به نام صالح اوزجان که مدیر ماهنامه «هلال» بود و آن را همیشه برای من می‌فرستاد. هشتاداد که جلسات شبانه نورچی‌ها قدغن است و گاهی مأمورین امنیتی حمله می‌کنند و تمامی حضار را می‌گیرند تا دادگاه درباره آنها نظر بدهد...

دیداری با «محمد شوکت ایچی» مدیر روزنامه «زمان» داشتم و نهار میهمان صالح اوزجان که عضو رابطه العالم الاسلامی در مکه بود، و با او از همانجا آشنا شده بودم...

دیگر در جلسات نورچی‌ها شرکت نکردم اما مکاتبه و مبادله فرهنگی ما پس از مراجعت به ایران، آغاز شد و ادامه یافت و شاید دهها نامه از همان زمان از رهبری و مرشد آنها در اختیار دارم که در آن‌ها، سلام و تقدیر ملا سعید نورسی را به حقیر ابلاغ کرده اند... مرکز این مکاتبات، شهر «اورفه» بود و نامه‌ها اغلب با امضای: «نور طلبه لری»... کتاب‌ها و رساله‌های ملا سعید نورسی را هم که اغلب با حروف عربی به صورت پلی کپی تکثیر می‌کردند، برای من می‌فرستادند که هنوز در کتابخانه متروکه، موجود است... این ارتباطات پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گسترش یافت و ما به مناسبت جشن پانزدهمین قرن بعثت پیامبر اکرم (ص) گروهی از آنان را به ایران دعوت کردیم و آنها نیز با مسرت شرکت کردند...

... نورچی‌ها، پس از وفات ملا سعید نورسی، دچار انشعاب شدند و رهبر هر کدام از گروه‌ها، سازمان و تشکیلات خاص خود را ایجاد کردند که البته به نوبه خود، همه آنها فعال هستند و راه و روش ملا سعید را در پیش گرفته اند و نشریات خود را، که عمدتاً رساله‌های ملا سعید است، به زبان‌های مختلف چاپ و منتشر می‌سازند.

... پس از پیروزی انقلاب و انتصاب برای سفارت واتیکان، برای سفر به ایتالیا، در دوران سفارت واتیکان، به علت حوادث جنگ تجاوزکارانه عراق یعنی به ایران، و عدم امکان پروازهای متعدد از ایران به اروپا، گاهی مجبور بودم که از طریق ترکیه، استانبول، عازم محل مأموریت بشوم و بطور طبیعی، یکی دو روز هم در استانبول، می‌ماندم و دنبال کارهای فرهنگی و تماس با برادران و رفقای ترک... در یکی از این سفرها، طبق قرار قبلی توسط برادران ترک، به دیدار آقای نجم‌الدین اربکان، رهبر سلامت ملی پارتی سی - حزب سلامت ملی - در دفتر حزب، در استانبول رفتم... خیلی استقبال کرد. اعضاء حزب و هوادارانش او را با لقب «خوجه» - مرشد یا استاد - صدا می‌کردند و خیلی به او احترام می‌گذاشتند و دست او را می‌بوسیدند، از این استقبال او که تا دم درب به استقبال - و بدرقه - آمد تعجب کردند... اما او که متوجه استغراب آنها شده بود، گفت: ببینیم به حوجا، افندی، ایرانی قارداشمیز دور، ببین اونون زیارتنه گستمیز لازمی دور اما شوافندی، محبت ایدب، کندیمر گو اوشنه گلمیشدی...

این خوجه ما، یک برادر ایرانی ما است. لازم بود

فروپاشی پشتوانه عربی اسرائیل

به قلم: دکتر عبد الستار قاسم - مرکز اطلاع رسانی فلسطین



را به روی رژیم صهیونیستی باز کرده و آنرا به رسمیت شناخت. مشکلات اسرائیل در دوره سادات کاهش یافت و این رژیم شاهد عصر طلایی روابط مخفیانه و علنی خود با رژیم های عربی و از جمله سازمان آزادی بخش فلسطین بود که فلسطینیان را وارد ناکجاآباد دیپلماتیک و منازعات داخلی و ائتلاف های بی ثبات و پر از فراز و نشیب با رژیم های عربی کرد.

در ادامه کار به جایی رسید که رژیم های عربی اقدام به همکاری امنیتی علنی با رژیم صهیونیستی می کردند و همکاری های این رژیم ها با اسرائیل در جنگ های آن علیه جنبش های حزب الله لبنان و باریکه غزه و همکاری امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین با دولت عبری بهترین مویید این مدعاست.

شکل گیری عمق عربی اسرائیل

عمق عربی اسرائیل تنها و تنها به یک دلیل شکل گرفت و آن این بود که رژیم های عربی برخاسته از متن ملت نبوده و بیانگر اراده ملت خود نیستند و اراده آزادی برای خود ندارند.

برخی دیگر از این کشورها نیز جز با کمک های مالی کشورهای غربی قادر به پرداخت حقوق آخر ماه کارمندان و کارکنان خود نیستند و در این میان برخی از آنها نیز، جز با حمایت های امنیتی و نظامی غرب نمی توانند به حیات خود ادامه دهند. در اینجا باید به یک سری رژیم های عربی که به صورت نظام های فئودالیسم اداره می شوند اشاره کنیم که از جمله آنها می توان به: اردن، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات، عمان، یمن، مغرب، جمهوری کومور، کویت، جیبوتی، تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم های سابق تونس و مصر اشاره کرد.

از دیگر رژیم های فئودالیسم می توان به سوریه اشاره کرد که جزء جبهه مقاومت و ممانعت به شمار می رود و به خاطر مواضع خود تقریباً در محاصره به سر می برد. سودان و سومالی نیز تجزیه شده اند و برای لیبی هم همان رئیس جمهورش کافی است. عراق و موریتانی هم که سرگرم مسائل داخلی خود هستند، اما لبنان هر چند که با برخی اختلافات داخلی دست به گریبان است، اما جزء طرف های مقاومت به شمار می رود.

وقتی که اکثر رژیم های عربی موجودیت و تداوم بقای خود را مدیون استعمار غربی هستند، نمی توانند جز اجرای اوامر و دستورات آنها کاری انجام دهند و اگر هم یکی از آنها بخواهد از این دستورات سرپیچی کند، با سیاست نابودی و یا جایگزینی مواجه خواهد شد.

آمریکا زمانی که دوران حبیب بو رقیبه به سر آمد، وی را به راحتی کنار گذاشت و بعد از وی نوبت زین العابدین بود و در ادامه نیز ملک فیصل بن عبد العزیز را حذف کرد. انگلیس نیز ملک طلال پادشاه اردن را به بهانه جنون از صحنه کنار گذاشت و پسر وی حسین را جانشین پدرش در تیول اردن کرد و وی دهها سال در این منطقه حضور داشت. استعمار غربی هیچ مشکلی با این مساله ندارد

عمق عربی اسرائیل به تدریج و به مرور زمان شکل گرفت که می توان اقدام فیصل بن الحسین علی در امضای سند مبتنی بر برخورداری یهودیان از حق مهاجرت به فلسطین را نقطه آغاز آن دانست. در کنار امیر فیصل، امیر عبد الله بن الحسین نیز از مهاجرت رهبران جنبش صهیونیستی به سرزمین فلسطین حمایت کرده و روند خرید اراضی در دو منطقه کرانه باختری و خاوری را برای آنها تسهیل بخشید.

به نظر می رسد که هدایای بی شمار جنبش صهیونیستی چشم امیر را گرفته بود، ولی وی نمی توانست تفاوت هدایای مذکور با وطن فروخته شده را درک کند. همزمان با بروز برخی رهبران فلسطینی که قیومیت انگلیس و مساله صلح را قبول داشتند، عمق عربی اسرائیل گسترش بیشتری یافت. این رهبران سعی در کنترل و سرکوب انقلاب و انقلابیون را داشتند و برای متوقف کردن روند مهاجرت صهیونیست ها به فلسطین و مصادره اراضی فلسطینی از سوی یهودیان دست به دامان انگلیس بودند. اکثریت این رهبران فلسطینی در فروش اراضی به یهودیان دست داشتند و هنوز هم اسناد مربوط به این خیانت ها به تدریج و به مرور زمان فاش می شود.

اما نقش واقعی کشور های عربی در زمان جنگ سال ۱۹۴۸ بروز پیدا کرد؛ زمانی که رژیم های عربی علیه ارتش های خود توطئه کرده و باعث شکست خود در جنگ با رژیم صهیونیستی شدند. ارتش های مصر و عراق و اردن دستاوردهای عظیمی را در دوره نخست جنگ محقق ساخته بودند و بخش های بزرگی از اراضی واگذار شده از سوی سازمان ملل متحد به یهودیان در قالب قطعهنامه تقسیم فلسطین مصوب سال ۱۹۴۸ را به تصرف خود در آورده بودند.

با این وجود، جنگ به یکباره متوقف شد و رژیم های عربی آتش بس موقت را پذیرفتند و با استفاده از فرصت به دست آمده فرماندهان نظامی و عملیاتی خود را تغییر داده و افسرانی را روی کار آوردند که مجری اوامر نظامی جدید آنها باشند و از سوی دیگر، این کشورها بتوانند کمک های بیشتری را به رژیم صهیونیستی ارائه دهند.

زمانی که جنگ آغاز شد ارتش عراق از مناطق نظامی خود در حیف و طولکرم عقب نشینی کرده و در جنین مستقر شد و ارتش اردن نیز مناطق الد و الرمله و قدس غربی را تخلیه کرد. ارتش مصر هم به دلیل سلاح های ناسالم و غیر قابل استفاده ارسال شده از سوی پادشاه این کشور تحت محاصره قرار گرفت. بدین ترتیب بود که فلسطین از دست رفت و اسرائیل به لطف خیانت بزرگ رژیم های عربی قد علم کرد.

پس از آن عبد الناصر در صحنه حاضر شد و سدی نه چندان محکم در مقابل رژیم های عربی همکار و طرفدار اسرائیل ایجاد کرد، اما شکست سال ۱۹۶۷ وی باعث شد که رژیم های عربی به همکاری های مخفیانه و سری خود با رژیم صهیونیستی پایان دهند. با رحلت عبد الناصر، فعالیت های فراماسونری در اکثریت کشورهای عربی بدون هیچ عامل بازدارنده ای گسترش یافت و نفوذ آمریکا در منطقه عربی - اسلامی بیشتر شد و این وضعیت شکست های سیاسی و دیپلماتیک و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را به دنبال داشت.

جنگ سال ۱۹۷۳ به منزله یک پیروزی موقتی و نقطه عطف خیالی برای عرب ها بود؛ چرا که انور سادات رئیس جمهور وقت مصر درهای همکاری

دیگر تجهیزات موشکی و هوشمند زد تا در زمینه تامین تسلیحات مورد نیاز ارتش و نیروهای زمینی و دریایی و هوایی و فضایی و ضد هوایی خود استقلال داشته باشد و به هیچ طرفی وابسته نباشد. اسرائیل تنها زمانی از ساخت جنگنده های "لیوی" دست کشید که آمریکا به شیوه های مختلف به آن اطمینان داد که نوع دیگری از هواپیماهای جنگی ساخت پنتاگون را در اختیار این رژیم قرار دهد. بی شک تل آویو، دستاوردهای بزرگی در این زمینه داشته است و دانشمندان و آزمایشگاه ها و برنامه هایی در اختیار دارد که به آن امکان می دهد به این روند به ویژه در زمینه تسلیحات هوشمند ادامه دهد.

دوم: توسعه اقتصاد به طوری که طرف ضعیف و نیازمند این و آن نباشد. بر همین اساس، رژیم صهیونیستی اقتصاد خود را تا حدی بهبود بخشیده است که در عرصه های مختلفی مانند صنایع الکترونیک، مهندسی ژنتیک و زیورالات به یکی از قدرت های برتر تبدیل شده است. درست است که اسرائیل کمک های مالی از آمریکا و جمعیت های یهودی جهان دریافت می کند، اما این مساله از باب افزایش قدرت اقتصادی است و نه ضعف و ناتوانی در عرصه اقتصادی.

سوم: تامین تسلیحات و توسعه اقتصادی مستلزم ساختار علمی و دانش محور است که اسرائیل نیز همواره بر پژوهش های علمی و مشارکت در تولید علم در سطح جهان تاکید داشته و با استفاده صرف از این دانش جهانی مخالف است.

چهارم: حمایت های غرب و به ویژه آمریکا در عرصه های مختلف امنیتی و سیاسی و نظامی و دیپلماتیک و اقتصادی و مالی و علمی.. که اسرائیل در گذشته از آنها بهره مند شده است و هنوز هم این وضعیت ادامه دارد تا جایی که به عنوان بخشی از جهان غرب شامل اروپای غربی و آمریکا شناخته می شود و به عبارت دیگر اسرائیل فرزند ناتنی ناز پرورده است که کمک ها از هر سو به سمت آن سرازیر می شود و غربی ها در غم و شادی کنار آن هستند.

پنجم: عمق استراتژیک عربی که یکی از مهمترین جوانب برای رژیم صهیونیستی و در عین حال خطرناکترین بعد برای فلسطینیان و عرب ها به شمار می رود. رژیم های عربی طی دهها سال فضای مناسبی را برای تداوم ضعف کشورهای عربی در مقابل رژیم صهیونیستی و تحمل شکست های متوالی در مقابل نظامیان این رژیم فراهم کردند تا اینکه ملت های عربی به این باور غلط رسیدند که جنگ با رژیم صهیونیستی فایده ای ندارد و عرب ها و فلسطینیان باید در مقابل اراده آن تسلیم شده و آنرا به عنوان یک واقعیت بپذیرند و با خیر و شرهای آن کنار بیایند.

هر کشور دارای اختیار و اراده می تواند در زمینه های مختلف پیشرفت کند تا بتواند با دشمنانش مقابله کند، اما تاریخ به یاد ندارد که یک کشوری بتواند همکاری دشمن با خودش را تضمین کند. ساخت سلاح و توسعه اقتصاد و اهتمام به برنامه ریزی های علمی و توسعه دانش محور و تاکید بر خودسازی مسائل چندان دشواری نیستند که ملت ها نتوانند به آن دست بزنند، اما مساله غیر قابل باور در این میان این است که یک کشوری دشمنی برای خود اختیار کند که به عنوان یک واسطه گر بر علیه ملت خود و بر له ملت کشور مقابل عمل کند.

گسترش عمق عربی اسرائیل

چقدر بحث و جدل با شخصیت های آکادمیک و فرهنگی و دانشجویان و حتی شهروندان عادی درباره حمایت های رژیم های مختلف عربی از اسرائیل سخت بود و چقدر احساس می کردم که دارم با خودم حرف می زنم و مخاطبم فکر می کند که دارم بزرگنمایی می کنم و از دایره منطقی و بحث علمی خارج شده ام.

برخی ها معتقدند که رژیم صهیونیستی از رژیم های عربی کمک دریافت می کند، ولی ایده مبهمی را در این زمینه دارند. اما بسیاری از آنها آنچه را که من می دیدم درک نمی کردند و رسانه های گروهی رژیم های عربی پرده هایی در مقابل دیدگان مردم نصب کرده بودند.

یکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی به صراحت به من اعلام کرد که زمانی که من چند سال قبل در کلاس درس بحث فروپاشی رژیم های عربی را مطرح کردم، این مساله مایه تعجب بسیاری از دانشجویان شد و اکثر آنها فکر می کردند که من در رویاها به سر می برم.

اما با سقوط این رژیم ها، ارتباط آنها با رژیم صهیونیستی آشکار شد، همان طوری که پس از سقوط نظام شاهنشاهی در ایران ارتباط آن با رژیم صهیونیستی برای همگان آشکار شد.

بسیاری از رسانه های گروهی درباره ارتباط صمیمی و تنگاتنگ زین العابدین با رژیم صهیونیستی صحبت کرده بودند و در آینده خواهیم دید که اسناد زیادی درباره ارتباط رژیم مبارک با تل آویو نیز منتشر خواهد شد و همگان به این مساله پی خواهند برد که وی نقطه ثقل امنیت ملی آمریکا در منطقه و حامی نخست منافع امنیتی و نظامی اسرائیل بود. علاوه بر این، مطالب زیادی هم درباره نقش رژیم حاکم بر اردن در ضربه زدن به گروه های مقاومت و توطئه علیه منافع قومی عربی و غیره گفته و نوشته خواهد شد.

ابعاد استراتژیک قدرت اسرائیل

قدرت نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی از چندین عامل استراتژیک منشا می گیرد که عبارتند از:

نخست: خود اتکایی. یهودیان بر اساس عقاید و باورهای یهودی به هیچ کسی باور و اعتماد ندارند؛ حتی اگر در دوره ای همپیمان آنها بوده باشد. یهودیان خودشان را "تنها ملت خداوند" می دانند و معتقدند که خداوند غیر از آنها هیچ ملت دیگری نداشته است. آنها در این زمینه به نص صریح تورات استناد می کنند که می گوید: شما تنها ملت من هستید و دیگر امت ها و ملت ها نجس بوده و بردگانی در لباس بشریت هستند که خداوند تنها به دو دلیل آنها را خلق کرده است؛ مجازات قوم بنی اسرائیل به دست آنها، در صورتی که بنی اسرائیل گرفتار معصیت الهی شوند، و دیگری لذت بردن از غلبه بر این بردگان زمانی که "ملت خداوند" در اطاعت آن حضرت باشد. خداوند تعامل قوم بنی اسرائیل با ملت های دیگر را تنها بدین شکل جایز دانسته است که یا آنها را بکشند و یا از سرزمین خود اخراج کرده و یا آنها را به بردگی و بندگی خود بگیرند؛ چرا که آنها ملت های "پستی" هستند که همواره سعی در فریفتن یهودیان و دور کردن آنها از اوامر الهی را دارند.

بدین ترتیب، رژیم صهیونیستی هرگز جز خودش به طرف دیگری اعتماد ندارد و دکنترین امنیتی این رژیم نیز مبتنی بر این است که باید تجهیزات نظامی و تسلیحاتی خود را تا حدی توسعه دهد که نیازمند هیچ یک از سازندگان سلاح نباشد. لذا اسرائیل دست به ساخت بمب اتمی و

ناپذیری تاکید دارند. رهبران و رژیم های عربی تلاش های زیادی در راستای تسلیم ملت ها صورت دادند، اما ملت های عربی در مقابل این تلاش ها و توطئه ها از خود ایستادگی نشان داده و بالاخره در تونس با عزت و اقتدار تمام سر بلند کرده و دیکتاتور و مزدور اجنبی را از این کشور بیرون کردند. ملت بزرگ مصر نیز همین راه را در پیش گرفت و روح تازه ای در کالبد امت عربی دمید و ان شاء الله منتظر خبرهای خوش دیگری هم در آینده هستیم.

منجیلاپ اسرائیل

اسرائیل همچنان به تقویت قدرت خود ادامه می دهد، اما آن ضعف عربی که باعث در امان ماندن این رژیم شده بود، به پایان خط رسیده و با راه زیادی تا پایان عمر آن نمانده است. اسرائیل با مقاومت عربی شدیدی در لبنان و فلسطین و به ویژه منطقه باریکه غزه مواجه شد و از این مساله انگشت به دهان ماند. حال این سوال برای رژیم صهیونیستی مطرح شده است که اگر خیانت طرف های عربی به همین شکل رو به زوال و کاهش بگذارد، چکار باید بکند؟ دوران ضعف کشورهای عربی به سر آمده است و همزمان با آن پشتوانه عربی استراتژیک تل آویو نیز در حال فروپاشی و نابودی است.

ضعف امت و ملت خود داشته باشند و سرسپردگی خود به دشمنان را اعلام کنند.

از همین روست که حکام عرب سرویس های امنیتی خود و دستگاه های سرکوبگر خود را در راه سرکوب ملت و نه علیه دشمنان آن به کار می گیرند. شهروندان عربی از ترس نیروهای فاسد پلیسی و سازمان های اطلاعاتی که اصولا باید حامی امنیت و مدافع آنها باشند، خواب راحت ندارند.

فروپاشی عمق عربی اسرائیل

برخی طرف های عربی طی سالیان متوالی توانستند در مقابل سیاست های طرف های غربی در منطقه از خود ایستادگی و مقاومت نشان داده و اجازه ندهند که آلت دست رژیم صهیونیستی شوند. سوریه در راس این گروه از نظام های عربی قرار دارد و برخی از گروه های مقاومت مانند جنبش حزب الله لبنان و جنبش مقاومت اسلامی "حماس" و جنبش جهاد اسلامی و برخی عناصر جنبش فتح و فرماندهی کل نیز در همین جبهه جای می گیرند.

اما مساله مهم این است که ملت های عربی در مقابل عادی سازی روابط و تسلیم در مقابل رژیم صهیونیستی از خود مقاومت نشان داده و همچنان بر آزادی و استقلال و تداوم راه عزت و تسلیم

حکومتی عربی بسته به این است که امنیت امت در معرض خطر قرار گیرد و آنها می دانند که اگر این کار را انجام ندهند، از کشورهای خود اخراج و ساقط خواهند شد.

در واقع، رژیم های عربی از سوی ملت های خود حمایت نمی شوند، بلکه از سوی اسرائیل و استعمار غربی حمایت می شوند و امنیت و منافع آنها به این دشمنان بستگی دارد. در صورتی که این رژیم ها با رژیم صهیونیستی از در دشمنی درآیند و یا بخواهند نسبت به منابع کشورهای عربی از خود حمیت و غیرت نشان دهند و یا به صورت جدی در راستای وحدت کشورهای عربی حرکت کنند و یا وارد جنگ شوند که به نفع منافع اسرائیل و آمریکا نباشد، امنیت شان به خطر می افتد.

به عبارت دیگر می توان گفت که امنیت رژیم ها و امنیت امت عربی با هم مغایرت و تعارض دارند؛ چرا که امنیت امت مستلزم آمادگی نظامی و امنیتی و بهره گیری مناسب از سرمایه ها برای ساختن اقتصاد و بنیه علمی و خودکفایی در زمینه تکنولوژی و مواد غذایی و غیره بستگی دارد و همه این مسائل جزء ارکان و پایه های امنیت امت به شمار می روند، اما رژیم صهیونیستی و غرب حرکت در راستای تحقق آنها را ممنوع اعلام کرده است و حکام عرب باید همواره سعی در تداوم

که این رژیم ها از ملی گرایی دم بزنند و علیه اسرائیل اظهار نظر کنند و یا حتی کمک های مالی و اقتصادی به برادران فلسطینی خود ارائه دهند، اما تمام این ها منوط به این است که ضرری متوجه رژیم صهیونیستی نباشد و این اقدامات بر روی فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در کشورهای عربی تاثیر منفی نداشته باشد. برگزاری اجلاس های سران کشورهای عربی برای محکومیت رژیم صهیونیستی نیز تا زمانی که رژیم های عربی به ماموریت خود در حمایت از امنیت این رژیم ادامه دهند، هیچ مشکلی ندارد. سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی در گذشته بارها با ارائه اطلاعات امنیتی به رژیم های عربی درباره کودتاهای احتمالی مانع از نابودی آنها شده است و در جریان جنگ ماه سپتامبر سال ۱۹۷۰ نیز زمانی که ارتش سوریه وارد شمال اردن شد، اسرائیل اقدام به حمایت نظامی از اردن کرد.

امنیت رژیم یا امنیت امت؟

از آنجایی که اغلب رژیم های عربی با کمک بیگانگانی سر کار آمده اند که در اصل دشمن امت عربی و عامل تجزیه و سارق منابع طبیعی آنها هستند و می توان گفت که امنیت رژیم های عربی تفاوت زیادی با امنیت امت دارد. امنیت رژیم های

درباره دلایل هراس غرب از ایرانیزه شدن خاورمیانه

عبدالحمید بیاتی

در آمریکای لاتین و از بین رفتن حوزه سنتی نفوذ آمریکا در کشورهایی چون لبنان و مصر سران کاخ سفید را نگران آن کرده که در صورت پیشرفت وضعیت موجود در خاورمیانه تا چند سال دیگر جایی برای عرض اندام واشنگتن در منطقه نباشد و از همین رو است که اکنون به بهانه برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی، آمریکا و ناتو به تکاپو افتاده اند تا به هر نحو ممکن این پایگاه را برای خود نگاه دارند و بررسی عملکرد آمریکا در مورد بحرین و عربستان نیز نشان می دهد که آمریکا به هیچ وجه نمی خواهد منطقه را از دست بدهد زیرا علاوه بر مسائلی که اشاره شد شاهراه انرژی جهان نیز در خاورمیانه است و از دست دادن این منطقه یعنی به خطر افتادن امنیت انرژی.

مبارک حمایت کردند. دلیل اصلی واشنگتن و تل آویو از این کار به خطر افتادن امنیت رژیم صهیونیستی بود، موردی که بارها آمریکا تعهد خود نسبت به فراهم کردن آن را اعلام کرده است.

د) از دست رفتن حوزه نفوذ آمریکا

آمریکا در سالهای اخیر شاهد آن بوده که به تدریج حوزه نفوذ خود در جهان بویژه منطقه امریکای لاتین و خاورمیانه را از دست می دهد. بویژه پس از روی کار آمدن اوباما در ایالات متحده این موضع سرعت بیشتری به خود گرفت و اکنون کشورهایی همچون ایران، چین و روسیه پای در مناطقی گذاشته اند که زمانی نه چندان دور حوزه نفوذ آمریکا محسوب می شد.

شکل گیری جریانهای ضد آمریکایی

در ایران قبل از انقلاب اسلامی و کشورهای عربی تا همین یک ماه قبل مردم نقش چندانی در تعیین سرنوشت خویش و حاکمان خود نداشتند و کشورهای استعمارگر می توانستند با فریب دادن حاکمان منطقه ثروت آنها را به یغما برند اما پس از انقلاب ایران و برگزار شدن انتخابات های پر شور در کشور، مردم منطقه شاهد آن بودند که امکان تعیین سرنوشت یک ملت توسط همان ملت وجود دارد.

ب) مقاومت و تقویت آن

انقلاب اسلامی در ایران همچنین به یکی از حامیان بزرگ مقاومت در سطح منطقه تبدیل شد. ایران علاوه بر حمایت از جنبش های ملی در بیشتر نقاط جهان حمایت های ویژه ای نیز از مقاومت های منطقه ای و جنبش های رهایی بخش در کشورها که علیه استعمار و امپریالیسم می جنگیدند، بعمل آورد. تشکیل حزب الله در لبنان به عنوان هسته مرکزی مقاومت علیه اسرائیل و قدرت یابی دردوره های گذشته حس متفاوتی را در افکار عمومی عربی ایجاد کرد. مقاومت لبنان تاکنون و بارها همیشه شکست ناپذیری ارتش اسرائیل را در افکار و تصورات عمومی منطقه شکسته و همین مسئله عقده هایی را در بین مردم کشورهای منطقه بویژه کشورهای "خط مقدم" که بعضاً توافقنامه های سازش را هم با رژیم صهیونیستی دارند ایجاد کرده است.

در این میان کشورهایایی چون اردن، مصر، بحرین، عربستان و کویت گزینه نزدیک شدن به آمریکا را انتخاب کردند و همانگونه که "بشار اسد" در مصاحبه خود درباره انقلاب کشورهای اسلامی اعلام کرد "نزدیک شدن برخی کشورها به آمریکا و اسرائیل یکی از دلایل اصلی خیزش مردم عرب است؛ اکنون آمریکا نگران آن است که با آغاز طوفان تغییرات در این کشورها جایگاه خود در منطقه را از دست بدهد.

ج) به خطر افتادن امنیت اسرائیل

از همان آغازین روزهای حرکت های آزادیخواهانه مردم عرب بویژه مردم مصر، آمریکا و اسرائیل به شدت نگرانی خود را از این نوع حرکات اعلام کرده و تا جایی که که امکان داشت از "حسینی

بیداری اسلامی همچنان در کشورهای عربی در جریان بوده و هر روز بر شدت آن افزوده می شود اما در این میان غرب و در راس آنها آمریکا نگران الگو شدن انقلاب ایران در جهان عرب هستند.

در همین رابطه در روزهای اخیر کنگره آمریکا (سنا و مجلس نمایندگان) به کرات شاهد برگزاری جلسه های استماع و پرسش و پاسخ از مقامات درباره تحولات موجود در خاورمیانه و افزایش نفوذ ایران در منطقه است.

مستاجران کپیتال هیل نگران آن هستند که در نتیجه خیزش مردم کشورهای عربی حکومت های جدیدی در خاورمیانه شکل بگیرد که با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران روحیه استکبار ستیزی و دفاع از حق مظلوم گفتار اصلی آنها باشد. برای مثال "جرارد باتن" از اعضای پارلمان اروپا در گفتگو با مهر به صراحت به نگرانی خود و دیگر مقامات اروپایی درباره الگو شدن انقلاب ایران در کشورهای عربی اشاره کرد.

دلایل نگرانی از ایرانیزه شدن خاورمیانه

الف) حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش

بی تردید هر حرکت سیاسی - اجتماعی در هر منطقه و در هر برهه زمانی تبعاتی در گستره زمانی و مکانی دارد. یکی از این حرکت های سیاسی و اجتماعی که طی چند دهه تاثیرات پیوسته و پایداری در محیط پیرامونی و بین المللی داشته انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران بود.

"میشل فوکو"، فیلسوف پر آوازه فرانسوی درباره انقلاب ایران و تاثیر آن بر نظام جهانی می گوید: (این انقلاب) قیام انسانهای دست خالی است که می خواهند باری که بر پشت همه ما و به ویژه بر پشت ایشان، بر پشت این کارگران نفت، این کشاورزهای مرزهای میان امپراطوری ها سنگینی می کند از میان بردارند. شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظامهای جهانی باشد. در واقع در حساب سیاست، چنین جنبشی را در کجا باید نشانند؟ جنبشی که نمی گذارد انتخابهای سیاسی، پراکنده اش کند. جنبشی که در آن نفس مذهبی دمیده شده که به دگرگونی دنیا می اندیشد.

روزنامه اسرائیلی: قذافی اصالتا یهودی است



یک مجله عبری اعلام کرد: قذافی به دلیل اصلیت یهودی خود می تواند به اسرائیل پناهنده شود. به گزارش پایگاه اینترنتی فلسطین الیوم، مجله عبری اسرائیل امروز با اشاره به ادعای یک پیرزن یهودی و نوه اش مبنی بر این که معمر قذافی، رهبر لیبی در اصل یهودی است اعلام کرد که وی می تواند به سرزمین های اشغالی پناهنده شود. این مجله اعلام کرد: با وجود این که مادر قذافی هنگام ازدواج با یک لیبیایی مسلمان، دین اسلام را پذیرفته اما بر اساس قانون اساسی اسرائیل، همچنان یهودی است.

شیخ معماری اسلامی

استاد سیدهادی خسروشاهی

در میدان مسائل عصر جدید

در عصر ما، مسائل مربوط به تمدن غربی به مثابه یک مشکل اساسی برای جامعه بشری مطرح است و به همین دلیل مورد توجه شخصیت‌های فرهیخته جهان قرار دارد و با توجه به نوع اندیشه‌ها و تنوع برداشت‌ها و تداخل ایدئولوژی‌ها، اندیشمندان و فلاسفه معاصر، پیشنهادها و برنامه‌های ویژه‌ای، هر کدام با تکیه بر اصولی که به آنها معتقد است، مطرح نموده‌اند و مثلاً می‌گویند که با اجرای سیاست‌های صلح‌آمیز به جای روش‌های جنگ طلبانه می‌توان جامعه بشری را از خطر وقوع یک جنگ جهانی خانمانسوز، رهایی بخشید. مثلاً ویلیام. سی. لیند مدیر «مرکز نهضت تمدنی» در موسسه بررسی‌های آزاد در کنگره آمریکا، بحثی را تحت عنوان: «برای دفاع از تمدن غربی راه‌حل‌هایی را ارائه نموده است و یا فرانسس فوکویاما، اندیشه خود را در کتابی درباره «پایان تاریخ و آخرین انسان» مطرح و مانند ویلیام لند، به این نتیجه رسیده که با پایان یافتن سلطه غرب بر دنیا و سقوط تمدن غربی، نوبت به اسلام خواهد رسید که هم اکنون به میدان آمده و اصول و مبادی آن، خطری جدی برای فرهنگ و تمدن غربی است!

در این میان دکتر شهرستانی به عنوان مدیر «دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی» (ICIS) با همکاری دانشگاه لندن (sosa) سمیناری را در باره «تمدن بشری در میان تصور مذهبی و نظریات وضعی» برگزار نمود و پیشنهاد خود را تحت عنوان «بحران

تمدن معاصر و برنامه رهایی» مطرح ساخت که راه رهایی بشریت از «جنگ تمدن‌ها» و رسیدن به وفاق و همکاری را، در اجرای قوانین و نشر ارزش‌های والای الهی که همه بشریت را یاری دهد، می‌دانست. این بحث مورد توجه اندیشمندان و دانشمندان غربی قرار گرفت.

علاوه بر رساله «النهضة الحسينية» و بحث فوق که تحت عنوان: «آزمه الحضارة المعاصرة و اطروحه الخلاص» چاپ شده است، دکتر شهرستانی رساله‌های دیگری نیز با عنوان «التصور الاسلامی للتنوير بين النظرية و التطبيق» و «السبب فی اشمال القرآن علی المتشابهات» دارد که بعضی از آنها به طور مستقل چاپ شده و یا در فصلنامه آکادمیک «الجامعة الاسلامیه» که «دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی» در لندن منتشر می‌کند، به زبان‌های عربی و انگلیسی، انتشار یافته است.

بازسازی حرم امام رضا(ع)

در سفر اخیر به عراق که میهمان دکتر شهرستانی بودیم، همه میهمانان در نجف اشرف در «هتل دره النجف» اقامت داشتیم و در زیارت امامین در کاظمین علیهماالسلام، دکتر شهرستانی از میهمانان ایرانی در «دارالضیافه» متصل به صحن مطهر کاظمین، پذیرائی نمود؛ ولی خود در همان اتاقک آلومینیومی - کنیکس - که در گوشه‌ای از صحن مطهر، برای نظارت بر امور توسعه صحن و بازسازی حرم قبلأ برای خود آماده کرده بود، اقامت گزید که البته نشان دهنده خلوص نیت و دوری وی از هرگونه زندگی خاص و تشریفاتی بود.

یک روز پس از نماز ظهر، میهمان مدیر حرم مطهر بودیم و من در کنار دکتر شهرستانی قرار داشتم. فرصتی بود که داستان دستگیری و محاکمه وی در دوره رژیم سابق را بپرسم.

ادامه در صفحه ۷

می‌نویسد: «... هیچ حادثه غمباری در تاریخ بشری مانند «واقعۀ طف» و «حادثه عاشورا» ماندگار و جاودانه نبوده است... در عصر ما بزرگداشت شهادت نوه پیامبر اکرم(ص) دیگر ویژه شیعیان نیست، بلکه تقریباً اغلب مسلمانان جهان، هر کدام به نحوی به این مسئله می‌پردازند... البته در این میان بعضی از مسائل فرعی نیز حتی بین شیعیان مطرح می‌شود که مثلاً چرا شیعیان به جای تبریک و تهنیت به مناسبت این حادثه بزرگ که موجب افتخار ابدی در ماندگاری اصل اسلام شده است، به گریه و زاری می‌پردازند و یا با زنجیر به بدن خود آسیب می‌رسانند و حتی بعضی‌ها با قمه و خنجر بر سر خود می‌زنند و به جای آن، خون خود را



بازدید از کتابخانه علامه شهرستانی در کاظمین: از راست، سید هادی خسروشاهی حجت الاسلام والمسلمین جناب شیخ محمد حسون، دکتر شهرستانی

برای نجات نیازمندان مسلمان و غیرمسلمان، اهدا نمی‌کنند؟ و یا حتی بعضی از علما، از لحاظ فقهی براین امور اعتراض دارند و می‌گویند که: ایذاء نفس و اتلاف مال و نشان دادن بدن عریان در این مراسم، بر نامحرمات و زنان حرمت شرعی دارد...

از سوی دیگر عده‌ای هم از جنبه سیاسی به موضوع می‌نگرند و مدعی هستند که هدف امام حسین علیه السلام از قیام خود، رسیدن به حکومت و قدرت بود... در حالی که اصولاً اصل مسئله بالاتر از این تصور هاست و در واقع باید گفت که واقعه عاشورا، فقط در چارچوب «قاعده لطف» قابل ارزیابی است که برای ارسال پیامبران، به این قاعده تمسک و استدلال می‌شود. یعنی باید گفت که قیام حسینی، هرگز به خاطر کسب قدرت دنیوی نبود، بلکه در راستای اطاعت محض از امر الهی بود...

دکتر شهرستانی سپس به تفصیل در این زمینه و در چندین فصل، با استشهاد به آیات و احادیث بحث می‌کند و این «فدا» یا «قربان» را اصلی‌ترین عامل پایداری و شکوفایی اسلام در جهان می‌داند و بیان «اللهم تقبل منا هذا القربان» را هم در همین راستا می‌داند.

دکتر شهرستانی در بخش پایانی رساله خود ثمره این موضوع را چنین می‌گوید: «... پاداش امام حسین(ع) از این فدا شدن چیست؟ بر کنیه یکی از درهای ورودی: «مقام رأس الحسین» در مسجد بزرگ سیدناالحسین در قاهره نوشته شده است: «أبو السعود در شرح خود بر البرده، حدیثی را نقل می‌کند که می‌گوید: «الشفاء فی تربته و الأجابه تحت قبته و الأئمه من ذریته و عترته» و این، تنها پاداشی است که امام حسین(ع) سزاوار آن است...» همان طور که در قرآن مجید، پاداش پیامبر(ص) را از قول خود وی جز «مُودَّتِ قُرْبَى» چیز دیگری نمی‌داند و نمی‌خواهد...

وزارت حج و اوقاف عربستان، جاده‌های ارتباطی و مواصلاتی مکه - منی - عرفات را سامان داد و چادرهای جدیدی برای اقامت حجاج پی‌ریزی کرد و بزرگترین مخزن آبی را در «منی» احداث نمود و کشتارگاه «منی» را نیز به سبک مدرن و بهداشتی سامان‌دهی کرد. وی در سطح بین‌المللی نیز فعال بود و ساخت پل‌های فلزی متحرک SPAN را در بعضی از کشورها اجرایی نمود که طول بعضی از آنها بالغ بر ۵۱ متر است. او بزرگترین کارخانه شکر را آماده بهره‌برداری ساخت. موتور متحرک دیزلی نفت را اختراع نمود و در بخش اختراعات بریتانیا به ثبت رساند. طرح تغییر علمی کاربری بعضی از جنگل‌های غیرمفید را به مزارع نمونه در اندونزی مطرح نمود که در ایجاد کار برای مردم آن منطقه مسلمان‌نشین در آن کشور بسیار موفقیت‌آمیز بود و همین‌طور در کشور ساحل عاج نیز برنامه تبدیل جنگل‌های غیرمفید را به اراضی کشاورزی نمونه، اجرا کرد.

دکتر شهرستانی به خاطر این اقدامات ارزشمند در سطح جهانی، مدال طلای دانشگاه‌های آمریکا را به خود اختصاص داد و سازمان یونسکو هم وی را برای ریاست و کارشناسی ارشد معماری اسلامی در جهان، انتخاب نمود. دکتر شهرستانی

در مدت اقامت در انگلستان، به تاسیس دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی در لندن (Islamic Seiences International Colleges) اقدام کرد و فصلنامه علمی و آکادمیک «الجامعة الاسلامیه» Academic Journal Islamic university Quurtelv را به زبان عربی و انگلیسی از لندن منتشر ساخت که بیش از سی نفر از علما و شخصیت‌های اسلامی شیعه و سنی در اداره آن همکاری می‌نمودند.

دکتر شهرستانی در کنفرانس‌های علمی - مهندسی و یا فرهنگی/اسلامی در غرب یا جهان اسلام، حضور و شرکت فعالی داشت و با ارائه مقالات و ایراد سخنرانی‌ها، به آنها غنا و محتوا می‌بخشید.

یکی از ارزنده‌ترین خدمات او تاسیس یک بنیاد خیریه و غیرانتفاعی به نام «موسسه جهانی خدمات اسلامی» - Wofis بود که به طور مستقل و جدا از دولت‌ها، در سطح جهانی فعالیت می‌کرد. این موسسه علاوه بر انجام کارهای خدماتی خیریه - در همه زمینه‌های مورد نیاز بینوایان - ترجمه و چاپ و توزیع رساله‌ها و کتاب‌های اسلامی، از دیدگاه ائمه اهل بیت علیهم السلام اقدام می‌نمود که میلیون‌ها نسخه از این کتابها و رساله‌ها به ۱۲ زبان رایج دنیا ترجمه و توسط مؤسسه به طور رایگان در همه بلاد توزیع شد.

دکتر شهرستانی علاوه بر تخصص‌های عالی در زمینه‌های فنی - مهندسی، در زمینه‌های مباحث فکری - فرهنگی، اسلامی نیز دارای آثار و رساله‌هایی است که هر کدام در جای خود از ارزش والایی برخوردار است. یکی از این رساله‌ها درباره فلسفه نهضت حسینی است که تحت عنوان: «النهضة الحسينية و صلتها بقاعدته اللطف» منتشر شده است.

دکتر شهرستانی در مقدمه این رساله

در آغاز سال جاری - ۱۳۸۹ - دعوتی از عراق رسید که در همایش بزرگداشت علامه بزرگوار آیت‌الله سید هبه‌الدین شهرستانی که در دانشگاه بزرگ کوفه برگزار می‌شود، شرکت کنیم. از فرودگاه تهران با همسفران بزرگوار، علمای عظام و حجج اسلام، آقایان: دکتر مهدی محقق، سیدمحمدرضا جلالی، شیخ رضا مختاری، رسول جعفریان، و شیخ محمد حسون، با هواپیمای عراقی - پس از ۷ ساعت تأخیر - عازم نجف اشرف شدیم. میزبان ما و بانی اصلی این همایش بزرگ که با شرکت ده‌ها نفر از شخصیت‌های علمی - فرهنگی ایران و عراق و لبنان و کشورهای حوزه خلیج فارس تشکیل شده بود، دکتر سید محمدعلی شهرستانی بود که به علت تلمذ در محضر علامه سید هبه‌الدین و برای بزرگداشت یاد و خاطره آن بزرگمرد روشن ضمیر، به برپایی این همایش اقدام کرده بود. او در عراق به «شیخ‌العماره الاسلامیه و لمهندسين الاسلاميين» معروف بود و همزمان، در کارهای فرهنگی پیشگام و پیشتاز...

سابقه آشنایی

حدود چهل سال پیش، به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، عازم این دیار بودم که برای آشنایی بیشتر با مسائل مراکز فرهنگی - اسلامی در اروپا، به دیدار مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد نوری رفتم که فعالیت وسیعی در خارج و در زمینه‌های فرهنگی و انتشاراتی داشت. در این دیدار معلوم شد که بانی اصلی این خدمات فرهنگی در سطح جهانی، دکتر سیدمحمدعلی شهرستانی است و مرکز اصلی این فعالیت‌ها و خدمات هم در دفتر وی در تهران، قرار دارد.

در اتفاقی دیگر به دیدار دکتر شهرستانی رفتیم و پس از معارفه، توسط مرحوم نوری، قرار شد که در مدت اقامت در انگلستان، در مرکزی که او برای مجمع دانشجویان مسلمان در لندن تاسیس کرده است، سکونت کنم تا امکان ارتباط با دانشجویان مسلمان ایرانی و غیرایرانی، آسان‌تر باشد. از آن تاریخ که آغاز آشنایی این جانب با دکتر شهرستانی بود که زمان درگذشت وی در تهران، به نحوی روابط فرهنگی مستمری با ایشان برقرار بود...

اشاره به نمونه‌های از خدمات

دکتر مهندس سیدمحمدعلی شهرستانی در سال ۱۹۳۲ میلادی ۸۳ - سال قبل - در شهر کربلا به دنیا آمد و ضمن اشتغال به تحصیل علوم اسلامی رایج در حوزه‌ها، تا سطح دروس خارج، به آموزش علوم جدید در بغداد پرداخت و سپس به خارج از عراق رفت و درجه دکترای مهندسی را از معروف‌ترین دانشگاه‌های انگلستان به دست آورد و پس از مراجعت به عراق، با تشکیل شرکتی به کارهای مهندسی پرداخت؛ و به موازات آن، به اجرای برنامه‌های علمی - مهندسی در کشورهای مختلف از جمله: ایران، عراق، مالزی، عربستان و ... اقدام نمود.

در توسعه حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس و برداشتن دیواری ضخیم از داخل حرم و بلندسازی دیواره‌های گنبد مطهر، بدون آنکه کوچکترین آسیبی به بافت اصلی بارگاه برسد، اقدام نمود که موجب شگفتی و تحسین مهندسان و کارشناسان بین‌المللی قرار گرفت و علاوه بر آن، کارخانه سیمان آبیک را در ایران راه‌اندازی کرد.

دکتر شهرستانی با اشتهاری که در دنیای عرب و جهان اسلام به دست آورده بود، به دعوت

آیت الله طالقانی با تجربه های مختلف



افکار آیت الله طالقانی تاثیر گذاشت و از وی یک شخصیتی ساخت که در کنار دیگر مولفه های فکری و سیاسی میراث برده از گذشته، تحت تاثیر این اصول هم قرار گیرد.

سیاست ضد پهلوی و تاثیر آن روی شخصیت آقای طالقانی برای تاکید بر امر مبارزه

و: آیت الله طالقانی روی اصل مبارزه تکیه می کرد و بنابراین در محدوده مبارزه به تایید نوع گروه ها می پرداخت. در واقع باید گفت شخصیت آیت الله طالقانی در مبارزه شکل گرفته بود، بزرگ شده بود و به حد بلوغ و نهایت خود رسیده بود.

شخصیتی همه جانبه و محبوب و موثر روی ملیون
ز: یک نکته مهم در این شخصیت همه جانبه یی که داشت این بود که محبوب همه قشرها و طوایف بود. این نکته را ساواک با دقت دریافته بود و چنان که در یکی از اسناد آمده است، طرفداران آیت الله طالقانی را به چند بخش تقسیم می کند: سران نهضت آزادی، دانشجویان و دانش آموزان، جامعه مهندسين، افراد اداری و فرهنگی، تجار و بازاریان. در واقع آیت الله طالقانی از هر کدام از نحلّه هایی که در طول ده ها سال با آنان مرآوده داشت.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در همایش یکصدمین سال تولد آیت الله طالقانی (با تلخیص)

و بازاری های وفادار به وی پدید آمدند خود یک نحلّه شدند و تا به امروز افکار و اندیشه هاشان که ویژگی عمده اش رفتار انقلابی، عدم انعطاف و تعصب بر گفته ها و ادبیات تند در نقادی است، در کنار وفاداری به آنچه از اسلام می شناختند، در آنان دیده می شود، یا آثارش در افکارشان وجود دارد. آقای طالقانی، دست کم بخشی از وجودش، متعلق به این جریان است. و نه اینکه لزوماً از آنها تاثیر پذیرفته باشد که پذیرفته بود، این نگرش تند را در سخنرانی های وی در طول سال های ۴۰-۴۳ شاهدیم. بعد از زندان هم با وجود آنکه فشارهای سیاسی رژیم او را محدود کرد اما باز زبان تندی داشت.

رفاقت آیت الله طالقانی و نهضت آزادی

ه: - رفاقت آیت الله طالقانی با دکتر مصدق، جبهه ملی، و سپس اعضای متدین و مذهبی آن، یعنی شاخه نهضت آزادی سبب شد تا وی با افکار آزادیخواهانه از نوع لیبرالیستی آن آشنا شود. در تمام سال های پس از ۱۳۴۰ تا انقلاب این دو در کنار یکدیگر بودند. طی سال هایی که آنها آزاد بودند و در مسجد هدایت، کمتر شبی بود که مهدی بازرگان در نماز آقای طالقانی شرکت نکنند. آگاهیم که مجموعه نهضت آزادی بویژه سران آن، یک جریان سیاسی خاصی بودند که به روش های سیاسی در مواجهه با رژیم باور داشتند نه روش های نظامی. این میراث در

رضویه، محلی بود که وی با خواهرزاده اش علی اکبر حکمی زاده پسر میرزا مهدی پایین شهری و آقای بدلا زندگی می کرد هم در آنجا طرح مجله 'همایون' به اسم محمد همایون پور ریخته شد.

تاثیرپذیری از جریان فکری روحانیون مشروطه خواه تهران مانند خرقانی

ج: در کنار این امر، طالقانی در تهران، نه تنها در مکتب پدر، بلکه با آثار برخی از روحانیون روشنفکر دیگر که از عصر مشروطه باقی مانده اند ارتباط فکری دارد. آیت الله طالقانی که بعدها کار قرآنی می کند گویا مع الواسطه، تحت تاثیر نوشته های اسدالله خرقانی است. اما از زاویه فکر دینی، خرقانی را یک منتقد نسبت به باورهای رایج شیعی می دانم.

طالقانی و فداییان اسلام

د: آیت الله طالقانی در شرایط پس از شهریور ۲۰ پرورش می یابد و بروز و ظهور یافته و خود از عوامل موثر در این فضا می شود. این فضا تا آنجا که به روحانیت مربوط می شد، شامل چندین رشته فکری و جریان بود. اما یک چیز مسلم بود و آن این ظهور نسلی از روحانیون انقلابی بود که در اثر شدت تنفر از رضاشاه پدید آمده بودند. پدید آمدن اینها واکنشی به موج افکار ضد دینی آن روزگار بودند. کسروی با نوشته های تندش بر ضد دین، بعد از شهریور ۲۰ بویژه پس از ۱۳۲۲، در این زمینه یعنی پدید آمدن جریان انقلابی دینی موثر بود. نواب صفوی نمونه اعلای این ماجرا بود و نسلی که در کنار او از طلاب

آیت الله طالقانی برآمده از چند جریان متفاوت با تجربه های مختلف است که همه آنها در شکل گیری شخصیت وی بویژه در بعد هدایت و رهبری موثر بوده و از وی شخصیتی همه جانبه در تاثیر گذاری روی دیگران استفاده کرده است.

تربیت شده یک خانواده روحانی با ویژگی های پس از مشروطه

الف: اولاً تربیت شده یک خاندان روحانی است، خاندانی که از خدمتگزاران به دین و مذهب بوده است. ویژگی این خاندان جز روحانی بودن، آن است که در پی تحولاتی که پس از مشروطه در ایران رخ داده و ابهامات و شبهاتی که درباره دین و مذهب طرح می شده، تلاش کردند تا دین را در قالب های تازه با استدلال های قابل فهم برای نسل جدید و در لباسی نو به مردم بیاموزند. پدر آقای طالقانی، مرحوم سید ابوالحسن طالقانی، شخصیتی است روحانی اما نوگرا که با ایجاد جلسات پاسخ به شبهات در تهران برابر بهائیت و مسیحیت و تجدد، می کوشد تا دین را زنده نگاه دارد.

آقای طالقانی و جریان روشنفکری قم در مدرسه رضویه

ب: آیت الله طالقانی در قم در مدرسه رضویه که شوهرخواهرش حاج شیخ مهدی پایین شهری آباد کرده بود، حجره دارد. در آنجا با تنی چند از خویشان و نزدیکان روحانی خود با الهام از آنچه آن زمان در مسیر تفکر در ایران در جریان داشته، نگاهی نوگرایانه به دین دارد. حجره آنان در مدرسه

دکتر جلالی:

بررسی شخصیت آیت الله طالقانی در ظرف زمانی امروز اشتباه است

خود ادامه می دادند. وی تاکید کرد: نباید شخصیت های تاریخی را از زمانشان جدا کنیم و آنها را در زمان امروز بررسی نماییم و این کار یک اشتباه بزرگ است. جلالی تصریح کرد: زندگی طالقانی نشان می دهد او به فکر انجام تکلیف خود بود نه مسئله دیگر. یکی از مولفه های شخصیت آیت الله طالقانی اقبال عمومی به ایشان بود. وی گفت: ایشان بسیار تلاش می کرد شکافی ایجاد نشود و سعی می کردند شیطنت ها را از بین ببرند ایشان همچنین برای وحدت بسیار تلاش نمودند.

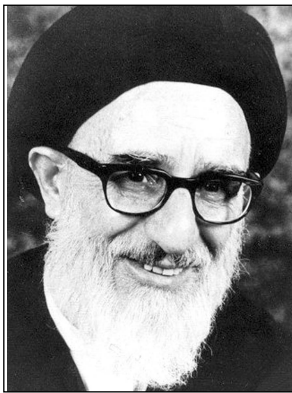
وسعت و امکانات فکری هم اکنون در فضای عمومی جهان اسلام حرکتی را ایجاد کرده و این حرکات نشان از بیداری اسلامی دارد مرتبط با مبارزه ها با استبداد است. وی در ادامه افزود: از آغاز کسانی بودند که پرچم مبارزه با استبداد را بلند کردند و اینگونه نبود که هوادارانی اینچنین و به این وسعت داشته باشند بلکه با جمع های چند نفره این حرکات را آغاز کردند و شاید در آن زمان هم به پیروزی نمی اندیشیدند بلکه تنها به دنبال اجرای تکلیفشان بودند. جلالی گفت: آیت الله طالقانی بدون توجه به اینکه به مواعی بر سر راهشان است به حرکت

وی ادامه داد: البته توجیهاتی می شد که شاید برخی از سودجویان از ایشان به نفع خودشان استفاده نمایند ولی استدلال ما این بود که ایشان سرمایه ایران اسلامی و روحانیت است و بایستی مطرح شود و مورد استفاده صاحبان انقلاب قرار گیرند. جلالی افزود: آیت الله طالقانی به نام قرآن و اسلام یک عمر مبارزه کرد و فرق ایشان با دیگران که با نام قرآن مبارزه می کردند این بود که آیت الله طالقانی به حضور در محضر خدا و پاسخگویی به ذات احدیت می اندیشید. رئیس سابق کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: اگر ملاحظه می کنید انقلابی با این

احمد جلالی در خصوص شخصیت آیت الله طالقانی گفت: نباید شخصیت های تاریخی را از زمانشان جدا کنیم و آنها را در زمان امروز بررسی نماییم و این کار یک اشتباه بزرگ است. در همایش یکصدمین سالگرد میلاد آیت الله طالقانی احمد جلالی یکی از شاگردان این مرد بزرگ گفت: پس از انقلاب اسلامی هنگامی که استاد شهید مطهری بنده را به صدا و سیما آوردند و مسئولیتی را به بنده تفویض کردند نماز جمعه های آیت الله طالقانی را جمعه شب ها از صدا و سیما پخش می کردیم و عده ای به ما فشار می آوردند که چرا این سخنرانی پخش می شود.

عزت عالیات به کار گرفت. او صحن امام حسین(ع) را مسقف نمود و صحن دومی، در زیر زمین صحن موجود احداث نمود و سه شهرک یا زائر سرای بزرگ در اطراف حرم، برای اقامت زائران حسینی تاسیس کرد. او توسعه حرم امامان را در کاظمین با برداشتن ستون هایی که گنبد را نگهداری می کردند و اجرای طرح صحن جدید در آن مکان شریف را به عهده گرفت. در نجف اشرف مراکز و امکانات رفاهی و بهداشتی برای زوار تعبیه نمود. بازسازی اساسی بارگاه امامان در سامرا، پس از تخریب به دست وهابیان و بعثی ها، به دستور مستقیم مرجع عالیقدر حضرت آیت الله سیستانی حفظه الله، از آخرین برنامه های او بود... او هر هفته، برای نظارت و اشراف بر امور و پیشرفت کار در سامرا، به آن شهر سفر می کرد و علی رغم خطرهای ترور و انفجار، بدون واهمه به این کار خود ادامه داد تا اینکه در سفری به تهران در ۱۰ اسفند ۱۳۸۹ در بیمارستان خاتم الانبیا در تهران، به لقای حق پیوست و طبق وصیتش، در کربلای معلا، مولد خود، به خاک سپرده شد و آرام گرفت. رحمه الله و اسکنه فی فصیح جنانه.	خود ادامه داد. تاسیس 'مرکز اسلامی اهل البیت(ع)' در لندن با همکاری علمای تبعیدی عراقی و سپس 'رابطه اهل البیت العالمیه' و موسسه 'الامام الخویی' و برگزاری جشنواره بزرگ الغدیر در اروپا و... به تاسیس دانشگاه بین المللی علوم اسلامی در لندن همت گماشت که شعباتی نیز در دیگر کشورها داشت. پایه گذاری پخش ماهواره ای برنامه های اسلامی از لندن نیز یکی از اقدامات مفید و ارزشمند دکتر شهرستانی در دوران هجرت بود. البته دکتر شهرستانی در این برهه از زندگی پربار خود به گروه ها و سازمان های معارض بعثی ها کمک می کرد و در ماجرای 'انتفاضه شعبانیه' و قیام شیعیان در عراق علیه رژیم بعثی، با تمام قوا به یاری مردم عراق شتافت و برای حفظ آثار و مشاهد مشرفه در عراق، از سازمان های بین المللی درخواست همکاری کرد و با کمک آنها توانست از گسترش تخریب های رژیم صدام در اماکن مقدسه، جلوگیری به عمل آورد. دکتر شهرستانی پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، به عراق بازگشت و تمام همت و سعی و کوشش خود را در تکمیل و بازسازی بناهای	توضیحات علمی - فنی من اثر نداشت و او دستور داد که بازداشت کنند و به دادگاه بفرستند ولی چون در این مدت، هیچ گونه خدشه ای در اوصالت و استحکام امر دیده نشد، ناچار شدند که مرا آزاد کنند. دکتر شهرستانی با لبخند به سخنش ادامه داد و گفت: متأسفانه بعدها بعضی از دوستان این اقدام مرا نوعی همکاری با رژیم نامیدند، در حالی که من مورد غضب عمال رژیم قرار گرفتم و قصدم فقط ایجاد آرامش و امنیت برای زوار حضرت رضا علیه السلام بود و این قبیل کارهای باورنکردنی را با عنایت ائمه اطهار علیهم السلام، بعدها من در عتبات مقدسه کربلا و نجف و کاظمین هم انجام دادم و اکنون هم مشغول تجدید بنای کامل صحن و مرقد سامرا هستم و البته همه اینها نتیجه توفیق الهی است. پس از مهاجرت رژیم بعثی عراق، به علت گسترده بودن فعالیت های دکتر محمدعلی شهرستانی، علاوه بر خود او، منسوبان و اعضای خانواده اش را هم تحت فشار قرار داد. این بود که شهرستانی راه هجرت را در پیش گرفت؛ اما در دوره مهاجری نیز همچنان، به رغم خطرهای بسیار، به فعالیت	ادامه از صفحه ۶ دکتر شهرستانی خندید و گفت: داستان عجیب و غریبی بود؛ ولی مانند همیشه لطف الهی شامل حال من شد و ختم به خیر گردید. دکتر شهرستانی گفت: حرم حضرت رضا علیه السلام به علت تنگی اطراف ضریح، با مشکلاتی مواجه بود و برای رفع آن باید دیوارهایی را اصلاح می کردیم که گنبد حرم بر پایه آنها استوار است. قبلاً کارشناسان و مهندسان خارجی از جمله ژاپنی ها آمده بودند و پس از بررسی های فنی اعلام کرده بودند که بلند نمودن دیوارهای گنبد و توسعه اطراف ضریح امکان پذیر نیست و هرگونه اقدامی، موجب سقوط گنبد خواهد شد؛ اما من پس از بررسی های لازم، اعلام کردم که با پذیرفتن مسئولیت کامل، این کار را می توانم انجام دهم بدون آنکه حتی ترکی در گنبد حرم به وجود آید. مقامات وقت با این پیشنهاد موافقت نمودند و من کار را آغاز کردم و پس از پایان کار که بدون هیچ گونه حادثه ای انجام گرفته بود، تیمسار باتمانقلیچ که از طرف شاه به خراسان آمده بود، بعد از بررسی نظریات کارشناسان خارجی، مرا خواست و با تندی با من برخورد کرد و گفت: تو باعث شده ای که گنبد به زودی خراب شود و...!
--	---	--	--

صفات اخلاقی، معنوی و روحیه مبارزاتی آیت الله طالقانی



خودشان را فرزندان او معرفی می‌کردند، به عنوان پدر او را اسم می‌بردند. کیست که توی این رودریاستی گیر نکند؟ آن آدمی که توی اینجور رودریاستی‌ها گیر نکند و برود آنجور قرص و محکم توی خطبه و موضع به آن صراحت و به آن شدت بگیرد، کیست؟ اینجور آدمی را آدم واقعا بگردد پیدا کند! مرحوم طالقانی اینجوری بود. من بعد از همین خطبه ایشان تلفن کردم؛ گفتم آقا من خواستم از شما تشکر کنم به خاطر این خطبه، گفت بله، خیلی‌ها هم تلفن می‌کنند فحش می‌دهند به خاطر همین خطبه! اینجوری بود دیگر، تحمل می‌کرد، یعنی آدمی بود با یک روحیه اینجوری. غرض، چقدر خوب است که آقای طالقانی معرفی می‌شود. این مناسبت صدسالگی هم خوب است. ان شاء الله که خدا کمکتان کند. این کار، کار خوبی است؛ منتها آقای طالقانی را با همه ابعاد معرفی کنید. صرف یک روشنفکر مذهبی نیست، همچنانی که صرف یک پیشنماز مسجد هدایت نیست، همچنانی که صرف یک مبارز نیست، یعنی مجموعه این خصوصیات را از ایشان معرفی کنید. **خیلی ممنون.**

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

به خدا. این یکی از ابعاد آقای طالقانی. یک بعد دیگر آقای طالقانی که به نظر من نباید فراموش بشود، صفای این مرد بود. به اندازه‌ای این آدم با صفا و روراست و در معاشرت‌ها صادق بود که انسان از این همه زلالی حیرت می‌کرد. آدم زلالی بود آقای طالقانی. هیچ در قید و بند و ملاحظات و اینها نبود، نه ملاحظات آخوندی، نه ملاحظات روشنفکری، نه ملاحظات مبارزاتی - چیزهایی که حالا به خودشان ببندند - مطلقاً در این آدم وجود نداشت؛ صاف، روشن. هر وقت من می‌آمدم تهران، اوقاتی که ایشان آزاد بودند، می‌رفتم منزل ایشان. انسان وقتی می‌نشست پهلوی این مرد، واقعاً روحیه می‌گرفت؛ هم روحیه مبارزاتی، هم روحیه صفا و رفاقت و معنویت و اینها. اینها در این شخصیت‌های برجسته، خوب است بزرگ بشود. ماها - غالباً آدم‌ها - مبتلا هستیم به یک چیزهایی. این آدم، آدم صافی بود، روراست بود، بی‌شائبه و بی‌شیله‌پيله بود. نتیجه این بی‌شیله‌پيله بودن هم صراحتش بود، صراحت در بیان. همان خطبه‌ای که شما اشاره کردید، این خطبه را نمی‌شود عادی به حساب آورد؛ اینها دائماً می‌گفتند پدر طالقانی، اصلاً

زندان افتاد؛ هیچ اظهاری از آقای طالقانی بالواسطه یا بی‌واسطه نقل نشد؛ البته من هیچوقت با ایشان هم‌زندان نبودم، اما هم‌زندان‌های ایشان هم نقل می‌کنند؛ خود ما هم دیدن ایشان می‌رفتیم - گاهی از مشهد که من می‌آمدم، روزهای ملاقات می‌رفتم زندان قصر - از پشت میله‌ها صحبت می‌کردند؛ دائم روحیه می‌دادند. من دادگاه تجدید نظر ایشان، توی دادگاه بودم. یک صورت ظاهری درست کرده بودند که هر کس می‌خواهد بباید. یک سالن کوچکی گذاشته بودند آقای طالقانی و دیگران نشسته بودند، ما هم آمدیم به عنوان تماشاچی آنجا نشستیم. در وقت تنفس، من اول‌بار آنجا آقای طالقانی را از نزدیک دیدم. از دور ایشان را می‌شناختم و اسمش را شنیده بودیم اما از نزدیک، من اول‌بار آنجا ایشان را دیدم. منش آقای طالقانی توی این دادگاه اصلاً روحیه بخش بود؛ خود منش ایشان، ایشان توی آن دادگاه نشسته بود، یک عصا هم دستش گرفته بود، با بی‌اعتنایی تمام؛ رئیس دادگاه اسم متهمین را می‌آورد که بلند شوند خودشان را معرفی کنند؛ ایشان نه بلند شد، نه خودش را معرفی کرد؛ همان طور نشسته بود! آن رئیس دادگاه هم یک سرلشکری بود، هی دو بار سه بار تکرار کرد؛ ایشان هم بی‌اعتنا نشسته بود و به نظرم شاید این را هم گفت: خب من را که می‌شناسید، من محمود طالقانی‌ام! یک آدم اینجوری‌ای بود، یعنی آدم مبارز، متکی به نفس، دارای اعتماد به نفس، متکی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد برگزاری همایش نکوداشت یکصدمین سالروز تولد آیت الله سید محمود طالقانی از اعضای این ستاد خواستند که طالقانی را با همه ابعاد معرفی کنند. متن سخنان رهبر معظم انقلاب در این دیدار که در همایش نکوداشت یکصدمین سالروز تولد آیت الله طالقانی قرائت شد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای طالقانی اهل فکر نو بر محور دین و با تمرکز بیشتر بر روی قرآن و نهج البلاغه بود و یک بُعد مهم زندگی ایشان بُعد مبارزه است. خیلی‌ها روشنفکر بودند اهل مبارزه نبودند؛ روشنفکر دینی هم بودند اهل مبارزه نبودند، همان خصلت عمومی تقریباً همه روشنفکران دیروز و شاید بعضاً امروز ما در آنها هم بود که من یک وقت از یک نمایشنامه‌ای نقل کردم آقای روی ایوان را که پائین نمی‌آید توی مردم نمی‌آید با متن قضیه کار ندارد با میدان کار ندارد، بالای ایوان می‌نشیند تماشا می‌کند حرف می‌زند! خب خیلی از روشنفکرهای دینی اینجوری بودند، اما آقای طالقانی نه، اهل عمل بود؛ یعنی توی میدان بود، احساس درد می‌کرد حقیقتاً! این را ما که با ایشان معاصر بودیم - رفت و آمد می‌کردیم - می‌دیدیم، محسوس بود در ایشان، واضح بود که آدمی اهل درد بود و می‌خواست مبارزه کند؛ لذا تبعات مبارزه را هم قبول کرد و به

دکتر لاریجانی:

راه و مسلک آیت الله طالقانی اجتهادی بود

دلایل استعمارزدگی و دیکتاتورزدگی را توجه نکردن به قرآن دیدند. وی دغدغه آیت الله طالقانی را کشاندن تمامی گروه‌های سیاسی به سمتی صحیح توصیف کرد و با بیان این که شخصیت ایشان در جریانات ملی نمی‌گنجد، گفت: ایشان در مورد ماهیت انقلاب هم نظر روشنی دارند و آن را نهضت اسلامی نامیدند، ایشان تلاش می‌کردند جریانات مختلف را به سمت جریان اصیل اسلامی بکشانند. وی ادامه داد: دغدغه ایشان در مورد بحث مشارکت عامه هم قابل توجه است که آن را اصول مبنای رفتار سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام می‌دانند. ضمن این که دغدغه‌ای هم در مورد بحث امر به معروف و نهی از منکر داشتند که دیدگاه آیت الله مطهری هم همین بود.

آن توجه تام داشتند. رئیس مجلس با انتقاد از برخی نظریات مبنی بر این که اسلام شناس بودن به معنای فقیه بودن نیست، این مساله را روشی غلط و مغلطه در کار توصیف و خطر نشان کرد: اگر در زمان حضور امام معصوم نیازمند روش تفقه متودیک نیستیم به این معنا نیست که در زمان غیبت هم به این روش نیاز نداریم. روش‌هایی این چنینی تحقیقی نیست و ادعایی است. وی افزود: آیت الله طالقانی در تفسیر قرآن در بحث ولی در زمان غیبت می‌گوید که باید به فقها رجوع کرد. رئیس قوه مقننه با اشاره به دغدغه‌های متعدد ایشان در قبال مسلمانان تصریح کرد: سرنوشت مسلمانان در ایران و به طور عام وحدت بین شعب مختلف اسلامی مورد تاکید ایشان بود و یکی از براق‌ترین وجوه زندگی ایشان این است که یکی از

طالقانی از طریق صحیح وارد مسیر شد و به صورت یک اسلام شناس درآمد. رئیس مجلس تحصیل وی در حوزه‌های نجف و قم و پس از اخذ درجه اجتهاد، ورود به صحنه اجتماعی را از جمله عملکردهای آیت الله طالقانی برشمرد و گفت: ایشان ضمن این که ارتباط مستقیمی با گروه‌های مختلف داشتند اما سعی داشتند که با تاثیرگذاری، پایه‌های فکری ایشان را با نگاه دقیق اسلامی هماهنگ کنند. لاریجانی یکی دیگر از وجوه زندگی آیت الله طالقانی را توجه و تدبر در قرآن ارزیابی کرد و گفت: این که ایشان در گروه‌های سیاسی نفوذ داشتند و آنها را به راه صحیح می‌بردند به این دلیل بود که در حوزه اسلامی تدبیر می‌کردند؛ اسلام موضوعی همه جانبه است که آیت الله طالقانی به

رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش نکوداشت یکصدمین سالروز تولد آیت الله طالقانی، راه و مسلک آیت الله طالقانی را اجتهادی توصیف کرد و درباره دیدگاه سیاسی ایشان گفت: آیت الله طالقانی علت عقب ماندگی مسلمین و استعمارزدگی را رجوع نکردن به قرآن و زینتی ساختن آن می‌دانستند. دکتر علی لاریجانی شخصیت آیت الله طالقانی را ذووجوه توصیف کرد و با اشاره به این که ایشان عالم دینی و مجتهد واقعی فی سبیل الله و تاثیرگذار در صحنه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور بودند، گفت: تاریخ زندگی ایشان نشان می‌دهد که آیت الله طالقانی وظیفه اولیه خود را آموزش در مکتب اهل بیت (ع) می‌دانستند. پدر ایشان هم عالم بزرگی بود که ایشان را به این سمت سوق داد و آیت الله

دکتر حداد عادل:

آیت الله طالقانی اثبات کرد که دین از سیاست جدا نیست

خارجی مخالف بود. رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: آیت الله طالقانی سال‌ها در تهران مرجع تحصیل کرده‌های متدین بود و در ارتباط حوزه و دانشگاه پیشقدم بود و تحصیل کرده‌ها را به مسجد می‌کشاند. وی با بیان اینکه زندانی شدن‌های مرحوم طالقانی در دهه ۴۰ شروع شد و تا سال ۵۷ ادامه داشت، افزود: آن مرحوم پس از آزادی از زندان، نقش موثری در تثبیت انقلاب داشت و منزلت ماهها قبل از پیروزی انقلاب، محل رفت و آمد بود که البته برخی هم نیت سوئی داشتند. وی خاطر نشان کرد: امروز جهان اسلام بیدار شده و جای آیت الله طالقانی خالی است که بداند تلاش هایش و تلاش‌های امام راحل و شهید مطهری چطور از مرزهای ایران فراتر رفته است.

بود، افزود: آیت الله طالقانی تلاش می‌کرد تا اسلام حقیقی را به نسل جوان، تحصیل کرده و دانشگاهی و دبیرستانی منتقل کند. رییس کمیسیون فرهنگی مجلس اضافه کرد: آیت الله طالقانی با جهل و خرافات در عرصه معارف مقابله می‌کرد و اساس معرفی اسلام را قرآن و نهج البلاغه قرار می‌داد. آقای حداد عادل افزود: آیت الله طالقانی معتقد بود که باید جوانان را با زبان قرآن آشنا کرد و نهج البلاغه را سندی برای اسلام قرآنی اصیل و اسلام سیاسی و اجتماعی می‌دانستند. وی گفت: آیت الله طالقانی با تکیه و تاکید بر قرآن و نهج البلاغه در برابر ابرهای پر تراکم و تاریک شبهات مارکسیست مقابله کرد. حداد عادل خاطر نشان کرد: مرحوم طالقانی به مسایل فلسطین بسیار حساس بود و با استعمار

تقدیر این بود که هیچ کدام از آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانند افکار خود را برای مردم بیان کنند. وی اضافه کرد: شهریور ۱۳۲۰ لحظه تاریخی است که آیت الله طالقانی با دانش دینی و بلوغ فکری دینی وارد عرصه‌ای توفانی می‌شود. رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: حزب توده در این زمان، سازماندهی شده بود و با بهره‌مندی از ظلم ایجاد شده از زمان رضاخان با شعارهای عدالت طلبی شروع به سربازگیری می‌کردند. حداد عادل گفت: ملی‌گراها سازماندهی و وارد عرصه شدند و مذهبی‌ها که به اجبار رضاخان در انزوا به سر می‌بردند، وارد عرصه شدند. وی با بیان اینکه مرحوم آیت الله طالقانی از اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی حاکم بر تهران آگاه

غلامعلی حداد عادل با بیان اینکه مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی از مردان بزرگ تاریخ است، گفت: آیت الله طالقانی با زندگی خود، اثبات کرد که دین از سیاست جدا نیست. نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در همایش نکوداشت یکصدمین سال میلاد آیت الله طالقانی (ره) اظهار داشت: آیت الله طالقانی برخاسته از منطقه عالم پرور و دین پرور طالقان و فردی مجاهد، مبارز، روشن بین و سخت کوش بود. رییس هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در تاریخ، دو روحانی بودند که از بسیاری از جهات سرنوشتی شبیه هم داشتند یکی آیت الله طالقانی و دیگری آیت الله مطهری. آقای حداد عادل خاطر نشان کرد: شباهت آنها این بود که هر دو دهها سال برای پیروزی انقلاب و حکومت اسلامی در این کشور تلاش کردند و

دکتر لاریجانی:

امام موسی صدر تفکر مهم مبارزه ضد صهیونیستی را در لبنان پایه گذاری کرد

گو با صاحب نظران برای دستیابی به اهداف خویش تلاش کرد. وی با بیان اینکه شخصیت امام موسی صدر، شخصیتی نادر بود، گفت: ایشان حرکت المحرومین را تأسیس کرد که چنین حرکتی را در کشورهای عربی آن زمان کمتر شاهد بودیم؛ امام موسی صدر حرکتی چندوجهی انجام داد: یکی کاهش دخالت قدرت های منطقه در لبنان بود و دیگری مبارزه با شرارت اصلی یعنی صهیونیست ها؛ تا شیعیان هویت پیدا کرده و همزمان در برابر این رژیم قدرت نمایی کنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی توضیح داد: امام موسی صدر با تیزی و دقت نظر توانست از لابلای فشار های ابرقدرت ها، مسلمانان و به ویژه شیعیان را سازماندهی کند: تشکیل جنبش امل؛ که فلش اصلی آن به سوی صهیونیست ها بود.

وضع دشوارتر بود؛ شیعیان در جنوب، قرن ها تحت فشار عثمانی ها بودند و با روی کار آمدن فرانسوی ها و مسیحیان - مارونی ها - به قدرت رسیدند؛ اهل تسنن هم قدرتمند بودند و هم ثروتمند اما وضعیت شیعیان بسیار بد بود و آنان پائین ترین طبقه جامعه محسوب می شدند؛ بنابراین کاملاً در حاشیه فعالیت های سیاسی و اجتماعی قرار داشتند.

لاریجانی ادامه داد: در آن زمان از جمله مصلحان "سید شرف الدین" بود که درک درستی از شرایط داشت و در سه دهه تأثیرات زیادی بر جای گذاشت؛ با آغاز مجاهدت و قیام امام موسی صدر، شخصیتی روی کار آمد که هم علمی بود و هم اجتماعی و با تیزی دریاخته بود که اگر فضای وحدت آمیز را حاکم نکند نمی تواند وضعیت شیعیان را ارتقاء دهد، بنابراین با مصاحبه و گفت و

مبارزه کرد؛ امروز انقلاب های مردمی منطقه قطعاً متأثر از حرکت این دو مصلح است که از نظر نفوذ کلام و رفتار، عالمان و سیاستمداران زمان خود را تحت تأثیر قرار می دادند.

دکتر لاریجانی همچنین به ارائه مطالبی پیرامون خاستگاه و وضعیت شیعه در کشورهای ایران، عراق و لبنان پرداخت و گفت: پیش از ورود امام موسی صدر به لبنان در آن زمان وضعیت عراق و ایران نسبت به لبنان روشن تر بود؛ زیرا چه در زمانی که فشار عثمانی ها و چه زمانی که حضور استبداد را شاهد بودیم، حوزه های علمیه، سنگر و پناهی برای شیعیان بودند؛ در زمان صفویان نیز با توجه به نوع حکومت شیعی، ما چنین گرفتاری نداشتیم؛ در عراق هم پایگاه نجف و کربلا تا حد زیادی از شیعیان دفاع می کردند.

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: در لبنان

رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش "شرح فراق" ویژه گرامیداشت ۱۲ هزارمین روز اسارت امام موسی صدر، تأکید کرد: امام موسی صدر تفکر مهم مبارزه ضد صهیونیستی را در لبنان پایه گذاری و مبارزات استعماری خود را آغاز کرد. "دکتر علی لاریجانی با اشاره به بزرگداشت روز "سید جمال الدین اسدآبادی" گفت: با توجه به اینکه در سالروز بزرگداشت سید جمال الدین اسدآبادی هستیم، باید بگویم وی و امام موسی صدر نقش بزرگی در اصلاحات سیاسی کشورهای اسلامی داشتند که هر دو به عنوان عالم دینی با اندیشه های نو و تحصیل کرده حوزه های علمیه برای بازگشت عزت اسلام به کشورهای اسلامی مبارزات وسیعی با استعمار داشتند.

وی افزود: سید جمال الدین اسد آبادی نیز همچون امام موسی صدر با استبداد و استعمار

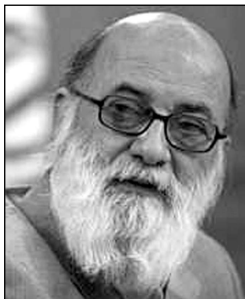
امام موسی صدر می توانست بازوی توانمندی برای امام خمینی (ره) باشد

موسی صدر در لیبی، گفت: استکبار جهانی پیش بینی می کرد که امام (ره) و امام موسی صدر می توانند حرکتی را تسریع کنند تا کشورهای اسلامی زودتر به نتیجه برسند.

وی اضافه کرد: اگر امام موسی صدر ربوده نمی شد، خیزش ها و بیداری کشورهای اسلامی، زودتر اتفاق می افتاد ولی استکبار این انقلاب ها را به تأخیر انداخت؛ خواست الهی بود که این اتفاقات اکنون در کشورهای مسلمان رخ می دهد.

رئیس شورای شهر تهران گفت: امید است شاهد فروپاشی رژیم قذافی و آزادی امام موسی صدر باشیم؛ وی محبوبترین فرد در لبنان بین مسلمانان و مسیحیان بود و تنها کسی بود که می توانست آتش جنگ ها را در لبنان فرو نهد.

وی در پایان به قرائت دست نوشته ای از شهید مصطفی چمران، خطاب به امام موسی صدر پرداخت که در آن شهید چمران از وی با عنوان مظهر حضرت علی (ع) و وارث امام حسین (ع) یاد کرده بود.



می کنند، تصریح کرد: هرچه پیش می روم سیطره اسلام در دنیا گسترده تر می شود که این نتیجه تأثیر پیامبر اسلام (ص) است.

وی اضافه کرد: حضرت امام (ره) نیز حرکتی را آغاز کردند که بعد از ۳۲ سال، نتیجه آن دیده می شود و دشمنان هرچه تلاش کردند آن را خاموش کنند نتوانستند، امام موسی صدر نیز چنین حرکتی را در لبنان آغاز کرد.

رئیس شورای شهر تهران با بیان اینکه امام موسی صدر در لبنان و امام خمینی (ره) در ایران در برابر استکبار ایستاده بودند، گفت: استکبار یعنی آمریکا و شرق، از توطئه علیه امام موسی صدر اطلاع داشتند تا به طور کلی دست وی را از کشورهای اسلام قطع کنند.

وی افزود: امام موسی صدر با شناختی که از کشورهای اسلامی داشت، می توانست دست توانمندی برای امام (ره) باشد، که قطع شدن این دست برای خاموش کردن نهضت امام (ره) نقطه آغازین آن بود.

چمران با اشاره به جریان ربوده شدن امام

چمران تصریح کرد: در آن شرایط، قومیت گرایی در آنجا رواج داشت و همه قومیت ها دارای تشکیلات بودند ولی شیعیان چیزی در لبنان نداشتند.

وی با اشاره به اینکه امام موسی صدر بعد از مرحوم شرف الدین به توصیه وی به لبنان رفت، گفت: وی در آنجا کاری را شروع کرد که در نتیجه آن به تدریج مسلمین و شیعیان هویت خود را باز یافتند، این مهمترین عمل در لبنان بود.

رئیس شورای شهر تهران، با اشاره به سفر خود به لبنان در آبانماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، بیان داشت: شرایط با قبل از رفتن امام موسی به آنجا تفاوت داشت و دیگران سعی داشتند خود را به شیعیان و مسلمین نزدیک کنند.

وی با بیان اینکه بازیابی هویت شیعی برای استعمار خطرناک بود، اظهار داشت: بذرهایی که در آن سال ها امام موسی صدر در لبنان کاشت طی سال ها تلاش به جایی رسیده که اکنون شاهد هستیم بدون حضور شیعیان و مسلمانان تصمیمی در خاورمیانه عملی نیست.

چمران با بیان اینکه انسان های انسان ساز و تاثیرگذار در دنیا کسانی هستند که حرکت ایجاد

رئیس شورای شهر تهران گفت: امام موسی صدر با شناختی که از کشورهای اسلامی داشت، می توانست بازوی توانمندی برای امام (ره) باشد.

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در همایش "شرح فراق" با موضوع "امام موسی صدر؛ اندیشه ربوده شده که در سالن همایش های وزارت کشور برگزار شد، با اشاره به دلایل ربایش امام موسی صدر، گفت: اکنون بعد از ۳۲ سال از آن اتفاق، دلایل این اقدام بهتر از قبل قابل تحلیل است.

وی افزود: در آن شرایط کمتر کسی فکر می کرد بیداری و خیزش به سوی اسلام گرایی را بعد از تبلیغات سوء بر علیه اسلام شاهد باشیم.

رئیس شورای شهر تهران، با بیان اینکه در آن شرایط پذیرش خیزش های اسلامی برای مردم محال به نظر می رسید، اظهار داشت: در آن زمان، دشمن قدرتمندانه بر همه سیطره داشت ولی اکنون در شرایطی هستیم که نتایج آن حرکت ها را به خوبی می توان دید.

وی اضافه کرد: امام موسی صدر، زمانی وارد لبنان شد که شیعیان در آن کشور شهروند درجه دوم محسوب شده و فاقد تشکیلات بودند و نماینده آنها دست نشانده فئودال ها بود.

دکتر مهدی تأکید کرد:

جلوگیری از قدرت شیعیان در لبنان؛ مهم ترین دلیل ربودن امام موسی صدر

دوم اینکه احزاب لبنانی پس از تأسیس جنبش امل نیروهایشان را که اکثرأ جوان بودند از دست دادند زیرا آنان جذب امام موسی صدر و جنبش امل شدند؛ بنابراین اوج گرفتن قدرت امام موسی صدر و جنبشی که در لبنان ایجاد کرد نظریه دوم به عنوان انگیزه ای برای ربودن ایشان است.

مهدی در پایان شواهد و دلایلی را مبنی بر زنده بودن امام موسی صدر برای حاضران ارائه کرد و گفت: امام موسی صدر و همراهانش زنده اند مگر اینکه شواهدی عکس این موضوع را اثبات کند.

چه کار کنیم؟ امام (ره) می فرمایند "من امام موسی صدر را دارم".

مهدی افزود: همه می دانستند ارتباط امام موسی صدر با امام خمینی (ره) ارتباطی قوی بود به طوری که امام موسی صدر مقاله ای با نام "راه پیامبران" به چاپ رساند درباره انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب انسانی و از همه جهانیان خواست تا از آن حمایت کنند؛ بنابراین محروم کردن انقلاب اسلامی ایران از چنین شخصیتی، نظریه نخست درباره انگیزه ربودن امام موسی صدر است.

کارشناس مسائل خاورمیانه و لبنان ادامه داد:

جنبش امل در تهران و "مهدی فرخیان" به نمایندگی از سوی خانواده "صدر"، ضمن بیان این مطلب، به تشریح علل و انگیزه های ربودن امام موسی صدر پرداخت.

وی گفت: دو نظریه درباره ربودن امام موسی صدر مطرح شده؛ اول، جایگاهی است که امام موسی صدر قرار بود در انقلاب اسلامی ایران داشته باشد که نقل شده وقتی از حضرت امام خمینی (ره) سؤال می کنند که برای مملکت داری



"محمدعلی مهدی"؛ کارشناس مسائل خاورمیانه، محروم کردن انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از قدرت شیعیان در لبنان را دو انگیزه مهم برای ربودن امام موسی صدر عنوان کرد.

دکتر مهدی؛ کارشناس مسائل خاورمیانه و لبنان در سیزدهمین همایش "شرح فراق" به مناسبت گرامیداشت ۱۲ هزارمین روز اسارت امام موسی صدر، در میزگردی با حضور "عادل عون"؛ نماینده

امام موسی صدر مرد شفاف و صریح در روزهای نفاق بود

نماینده جنبش امل در تهران گفت: امام موسی صدر مرد شفاف و صریحی در روزهای نفاق و مردی پاک در میان پلیدی ها و مردی آزاده در میان همه بندها بود.

معامله با دشمنان را حرام می دانست.

عون تصریح کرد: امام موسی صدر باور داشت که گفتگوی تمدن ها بسیار مهم بوده و بهترین سرمایه انسان است و وی همواره دسیسه ها را قبل از اجرا شدن درمی یافت و اعتقاد داشت آزادی فلسطین تنها به دست مومنان امکان پذیر است.

با اشاره به شخصیت امام موسی صدر اظهار داشت: امام موسی صدر رهبری استثنایی در گفتار و در اعمال و بی نظیر بود.

نماینده جنبش امل در تهران افزود: وی امامی ممتاز در سیاست بوده و حسن وطن دوستی را واجب و مقدس می دانست و بر همین اساس

نماینده جنبش امل در تهران گفت: امام موسی صدر مرد شفاف و صریحی در روزهای نفاق و مردی پاک در میان پلیدی ها و مردی آزاده در میان همه بندها بود.

در کنگره بین المللی نقش امام موسی صدر در بیداری جهان اسلام، عادل عون نماینده جنبش امل

رسیدن به وحدت یعنی بازگشت عزت، کرامت و برادری مسلمانان

مرحوم اربکان یکی از رهبران مهم جهان اسلام بود

نماینده ولی فقیه در کردستان:

رسانه ها باید در راستای افزایش وحدت و همبستگی اقوام و مذاهب اسلامی گام بردارند

امام جمعہ اہل سنت چاہار:

شیعه و سنی به ظهور امام زمان (عج) اعتقاد دارند

مولوی ملازمی، اتحاد و همبستگی شیعه و اهل سنت را در سایه رهبری رمز پیروزی انقلاب و تشکیک نظام جمهوری اسلام، و استمرار آن دانست.

حجت الاسلام والمسلمین ربانی:

جهان اسلام از حرکت بیداری اسلامی ملت ها صیانت کند

حجت الاسلام ربانی با تأکید بر لزوم صیانت از حرکت بیداری اسلامی در جهان اسلام، گفت: این حرکت ها و خروج ها، به بیداری اسلامی در جهان اسلام عمق می بخشد و زمینه رشد مسلمین را فراهم می کند.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن ربانی، رئیس سابق دفتر تبلیغات اسلامی و مسؤول مرکز خدمات حوزه علمیه قم در گفت و گو با خبرنگار تقریب با بیان اینکه تحولات اخیر جهان اسلام، همگی شواهد و قرائن آیات قرآن کریم و روایات اسلامی مبنی بر روشن بودن آینده بشریت هستند، گفت: بر اساس آموزه های دینی و آنچه که خداوند متعال می فرماید و روایات نیز بر آن تأکید دارد، آینده بسیار روشن است؛ ممکن است دیر و زود و فراز و نشیب داشته باشد ولی این دیر و زودها و فراز و نشیب ها در عمق پیدا کردن بیداری اسلامی در همه لایه های جامعه بسیار مؤثر است.

وی اضافه کرد: انسان وقتی صحنه جهان اسلام را نگاه می کند، درمی یابد که فضل و رحمت الهی شامل امت شده است و تداوم این رحمت به این بستگی دارد که امت اسلامی، مسیر را درست تشخیص دهد، بر اساس آموزه های دینی، حرکت کند و از حرکت خود به خوبی صیانت کند.

وی تأکید کرد: اگر امت اسلامی برای اسلام و خدا حرکت کند و از آن نیز به خوبی صیانت کند، قطعاً لطف، رحمت و عنایت پروردگار شامل حال امت خواهد شد؛ این وعده خداوند است. وی، مهمترین نقاط ضعف قیام های مردمی جهان اسلام را در شرایط کنونی برشمرد و گفت: یکی از مهمترین آنها فقدان یک رهبری واحد است که در جهت اهداف اسلامی حرکت کند و متمایل به خطوط غرب و شرق نباشد. یک رهبری واحد مورد اعتماد مردم، هوشمند، بصیر، متوکل به پروردگار و حرکت کننده بر مسیر آموزه های دینی.

آقای ربانی تصریح کرد: از طرفی، صحنه بیداری اسلامی در بعضی از کشورها، هنوز عمق پیدا نکرده و از این جهت، یکی از مشکلات، کم عمق بودن لایه های بیداری اسلامی در بعضی از کشورهاست. ولی باید دانست که خود این حرکت ها و خروج ها، به بیداری اسلامی در جهان اسلام عمق می بخشد و زمینه رشد مسلمین را فراهم می کند.

وی در ضمن، وجود احزاب گوناگون با داعیه های مختلف را دیگر نقطه ضعف دانست و گفت: این گوناگونی باعث می شود که در همان ابتدای پیروزی اختلافات و

کشمکش ها آغاز شود و پیروزی را تحت الشعاع قرار دهد.

وی درخصوص وظیفه مجمع تقریب مذاهب و مروجین فرهنگ تقریب در سراسر جهان اسلام گفت: انتظار این است که علما و اندیشمندان تقریبی در جهان اسلام، بیش از گذشته به مسائل جهان اسلام توجه نشان دهند. امروز مردم مسلمان در سراسر جهان اسلام نیازمند ارشاد، حمایت و هدایت هستند.

وی با تأکید بر لزوم اطلاع رسانی دقیق از فعالیت های مجمع تقریب گفت: در شرایطی که استکبار می کوشد با صدایی بلند بر طبل اختلافات بکوبد، مسلمین در مقابل موج تبلیغات شدید استعماری و ضد اسلامی نیاز به کمک دارند و باید دست کم از دو یا سه کانال صدایی دیگر را بشنوند که برایشان امیدبخش باشد و موجب دلگرمی آنها شود.

وی در پایان حرکت مجمع تقریب مذاهب در دو دهه گذشته را بسیار مثبت ارزیابی کرد و گفت: حداقل کاری که مجمع تقریب انجام داده این است که نگذاشته فرهنگ تقریب فراموش شود، جدای از اینکه، فرهنگ تقریب را احیا کرده و از گسترش تفرقه ها تا حدودی زیاد جلوگیری کرده است.

تاکید مدیرعامل خبرگزاری تقریب بر نقش علما در زمینه اتحاد ملتها



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی تسخیری مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مدیرعامل خبرگزاری تقریب بر نقش علما در زمینه اتحاد ملتها تأکید کرد.

وی که برای سفر چهار روزه و شرکت در همایش علمی

اسلامی به دمشق سفر کرده است، این موضوع را در گفت و گو با تقریب در سوریه بیان کرد.

دکتر تسخیری افزود: آمریکا و غرب ثابت کرده اند نفت برایشان مهمتر از خون ملت هایی است که انقلاب کرده اند. از این رو روابط علمای جهان اسلام به ویژه شیعه و سنی باید به منظور مقابله با این سیاست تقویت شود.

وی تصریح کرد: هر چه رابطه علمای ایران و سوریه تقویت شود زمینه اتحاد میان ملتها نیز

بیشتر فراهم می شود. در این میان علما نقش مهمی دارند زیرا معتمدان مردم، آشنایه رسالت نبوی و هدایتگران امت اسلامی هستند.

تسخیری با اشاره به موضع غرب و آمریکا در قبال رویدادهای اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا یادآور شد: آمریکا همانند گذشته

به دنبال پیروی از اراده ملتها نیست و هنوز نمی خواهد حقایق را دریافته و از آن پیروی کند.

به گفته مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تلاش آمریکا ترجیح مصالح خود بر خواست ملتها بوده و شعارهایش در زمینه دموکراسی، آزادی و استقلال ملتها، اصل رعایت حقوق دیگران و مداخله نکردن در امور ملتها را نقض می کند.

وی خاطر نشان کرد: خوشبختانه ملتهای

ما این حقایق را دریافته اند، با نگاهی به انقلاب های اخیر در تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و سایر کشورها و شعارهای مردم شاهدیم آنان ضمن قیام برضد حاکمان مستبد و دیکتاتور خود، خواهان مداخله نکردن آمریکا و کشورهای غربی در امور داخلی شان هستند.

دکتر تسخیری گفت: رهبران جوان این نهضتها نیز تأکید دارند که برای آمریکا و غرب نفت مهمتر از خون ملتها است لذا ملتها و علما باید این موضوع را مد نظر قرار دهند تا حقوقشان با فریب قدرتهای غربی دوباره صادره نشود.

هشتمین همایش علمای اسلام با عنوان 'خطاب دینی بین افراط گرایی و اعتدال در عصر حاضر' با همکاری دفتر مقام معظم رهبری و راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه در منطقه 'زنبیه' دمشق برگزار شد.

رئیس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

بازگشت امام موسی صدر، در نزدیکی افکار و ادیان نقش بسزایی خواهد داشت

اگر امام موسی صدر به جامعه بازگردند

قطعاً در همزیستی انسان ها و حتی نزدیکی افکار و ادیان مختلف، تأثیر خوبی را بر جای خواهند گذاشت.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در دیدار اعضای کمیته بین المللی صلیب سرخ، تصریح کرد: تلاش جهت روشن شدن وضعیت امام موسی صدر توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ جهانی باعث خوشبختی است، امام موسی صدر بر اساس اسناد و اطلاعات در دست، جهت تقویت نگاه های جهانی و هم زیستی میان صاحبان ادیان کوشش جدی و ابتکار آمیزی داشتند.

مبلغی یادآور شد: اگر امام موسی صدر زنده باشند و به جامعه بازگردند قطعاً در همزیستی انسان ها و حتی نزدیکی افکار و ادیان مختلف،

تأثیر خوبی را بر جای خواهند گذاشت. وی گفت: روشن شدن وضعیت امام موسی صدر، نه تنها برای ایران و شیعیان بلکه برای همه مسلمانان دارای اهمیت است.

دو معمای مهم در مورد امام موسی صدر وی به نماینده صلیب سرخ اظهار داشت: در مورد امام موسی صدر از ابتدا دو معمای مهم وجود داشت؛ اول اینکه ایشان در چه وضعیتی قرار دارد و دوم اینکه دولت لیبی چگونه دست به چنین کار غیر انسانی و غیر عادی زده است؟

وی ادامه داد: با اقدامات بی رحمانه و وحشیانه اخیر قذافی جواب معمای دوم روشن شد و به دست آمد که وی دیکتاتوری است که خوی انسانی ندارد و جهت مطامع خود هر کاری می کند و امیدوارم جواب معمای اول هم به همین زودی روشن شود.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با اشاره به مبهم بودن وضعیت فعلی امام موسی صدر، گفت: اگر کمیته بین المللی صلیب سرخ بتواند کاری در این زمینه انجام دهد در خور توجه خواهد بود.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی خطاب به اعضای کمیته بین المللی صلیب سرخ، بیان کرد: به طور کلی فعالیت شما در زمینه تقویت رویکردهای انسانی، اخلاقی و بشری ارزشمند است.

مبلغی گفت: صاحبان ادیان باید با وجود اختلافات برای شکل گیری یک حرکت انسانی در سطح جهان تلاش کنند زیرا چنین حرکتی به سود همه انسان ها است و بشریت را از وضعیت کنونی تا حدودی رهایی خواهد داد.

مبلغی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی امکانات و ظرفیت های بسیار بالایی برای ایفای نقش فعال در این حرکت جهانی و انسانی دارد.

کسی که به تقریب میان سنی و شیعی

تجاوز کند سزاوار مذاکره نیست

حقوقدان برجسته مصری گفت: کسی که به تقریب و وحدت میان سنی و شیعی تجاوز کند سزاوار مذاکره و گفتگو نیست.

دمدراش العقالی "حقوقدان شیعه مصر در گفتگو با روزنامه الوطن کویت، درخواست یکی از علمای افراطی وهابی از الازهر برای عقب نشینی از مواضع سابق نسبت به شیعیان را نشانه نادانی وی توصیف کرد.

وی گفت: درخواست الحمدان برای عقب نشینی الازهر از پذیرش رسمی مذهب تشیع، درخواست یک انسان نادان و جاهل است، زیرا اینگونه افراد اعتقاد دارند که هر کس بر خلاف نظر و عقیده شان سخن بگوید از اسلام خارج است.

العقالی افزود: کسی که به تقریب و وحدت میان سنی و شیعی تجاوز کند سزاوار مذاکره و گفت و گو نیست و اینگونه افراد به هیچ وجه، طرف مقابل را به رسمیت نمی شناسند.

حقوقدان شیعه مصر بر عدم نیاز شیعیان به پذیرش توسط دیگران تأکید کرد و اظهار داشت: عقیده در دل جان انسان وجود دارد و نیازی به این نیست که افراد و گروه های دیگر، آن را به صورت رسمی بپذیرند.

وی تصریح کرد: الازهر در برابر برخی از مشکلاتی که با احکام مذهب اهل سنت قابل حل نبود اقدام به استفاده از احکام مذهب تشیع کرد و به عنوان نمونه می توان از پذیرش حکم عدم جواز طلاق بدون حضور دو شاهد که تنها در مذهب تشیع وجود دارد یاد کرد.

لازم به ذکر است، است شیخ احمد بن سعد بن حمدان الحمدان از علمای افراطی وهابی عربستان و استاد دانشگاه ام القری از پذیرش مذهب تشیع توسط الازهر به شدت انتقاد کرده و خواستار تغییر مواضع شیخ الازهر نسبت به شیعیان شد تا مذهب تشیع را به عنوان یکی از مذاهب اسلامی عنوان نکند.

پنج هزار مسجد اهل سنت در سیستان

و بلوچستان بر پا است

مسوول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان گفت: به برکت نظام جمهوری اسلامی مساجد اهل سنت در این استان به پنج هزار مورد افزایش یافت که در تمام آنها نماز جماعت اقامه می شود

حجت الاسلام والمسلمین عباس دانشی با اعلام این خبر افزود: تعداد مساجد اهل سنت شهر زاهدان تا کنون در مقایسه با ۳۲ سال قبل ۱۰ برابر رشد داشته است.

حجت الاسلام دانشی ادامه داد: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اغلب طلاب اهل سنت علاقه مند به تحصیل علوم دینی در سیستان و بلوچستان باید به خارج از کشور هجرت می کردند اما در شرایط کنونی صدها مدرسه علوم دینی در این استان پذیرای آنان است.

وی افزود: در زمان حاضر عالی ترین سطوح دینی در حوزه های علمیه و مدارس دینی اهل سنت سیستان و بلوچستان تدریس می شود.

مسوول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان با اشاره به برپایی نماز جمعه اهل سنت در ۳۰۰ نقطه از این استان گفت: تریبون های نماز جمعه اهل سنت این استان همچون سایر نقاط کشور آزادانه معارف دینی و مسائل مذهبی خود را ترویج و تبلیغ می کنند که این موضوع فقط منحصر به ایران است.

وی ادامه داد: در بسیاری از کشورهای اسلامی امامان جمعه باید خطبه ها و مطالب تعیین شده از سوی حکومت ها را بیان کنند و کسی حق سخنرانی قبل از خطبه را بدون اذن حکومت ندارد و حتی به حداقل خطبه شرعی اکتفا می شود.

حجت الاسلام دانشی افزود: این در حالی است که تریبون های نماز جمعه اهل سنت ایران آزادانه و به تشخیص روحانیون و علماء در اختیار آنهاست.

آیت الله سبحانی:

بی توجهی به دغدغه‌های روحانیت خیانت به اسلام است

کشور ضربه خواهد زد؛ از این رو باید نقش روحانیت در انقلاب محفوظ بماند.

این مرجع تقلید افزودند: روحانیت نیز باید شأن خود را حفظ کند تا کسی نتواند ایرادی را بر آنها وارد کند.

ایشان یادآور شدند: کسانی، روحانیت را زیر ذره بین برده‌اند تا کوچکترین عیب آنها را ده‌ها برابر کنند؛ بنابراین باید همواره هوشیار باشیم؛ زیرا مردم به روحانیت متکی هستند.

این مرجع تقلید با انتقاد از حرکت برخی افراد گفتند: کسانی که بخواهند در راستای حذف روحانیت گام برداشته و یا این که نسبت به دغدغه‌های آنها بی‌توجهی کنند، به اسلام خیانت کرده‌اند.

امروز الگوی بسیاری از کشورها است را کسی جز امام خمینی (ره) با پشتوانه روحانیت ایجاد نکرد؛ بر این اساس اگر می‌خواهیم کمال خود را حفظ کنیم، باید شان و جایگاه روحانیت را حفظ نماییم.

حضرت آیت الله سبحانی تأکید کردند: افرادی که می‌خواهند امروز از انقلاب اسلامی نتیجه بگیرند، نباید پدیدآورندگان اصلی انقلاب که همان روحانیت باشد را نادیده بگیرند و در حق این نهاد عظیم نمک شناسی کنند.

ایشان با اشاره به سخن امام (ره) مبنی بر این که مملکت مسلمان، بدون روحانی همانند بیمارستان بدون طبیب است، گفتند: حذف روحانیت از صحنه سیاسی و یا تلاش برای تحقق آن، قطعاً به

شود و با انقلاب نظامی به حکومت دیکتاتور ها پایان دهد، اما بعد از مدتی دیدند که خود این فرد ممکن است، دیکتاتور شود و به همین دلیل از این راه نیز ناامید شدند.

ایشان گفتند: دلبستگی به قدرت‌های خارجی، یکی دیگر از راه‌هایی بود که این کشورها در مسیر آن حرکت می‌کردند، اما بعد از مدتی باز متوجه شدند که این دلبستگی، وابستگی ایجاد خواهد کرد.

حضرت آیت الله سبحانی تصریح کردند: پس از این که این کشورها فهمیدند، هیچ کدام از این راه‌ها منتج به نتیجه نمی‌شود، بعد از ۳۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، راه انقلاب را در پیش گرفتند. معظم‌له افزودند: باید بدانیم این راه که

حضرت آیت الله سبحانی در دیدار اعضای فراکسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی، اظهار داشتند: امروز انقلاب اسلامی ایران به الگویی برای کشورهای دیگر تبدیل شده است. حضرت آیت الله سبحانی افزودند: سابقاً در کشورهای خارج و به خصوص اسلامی، برای اصلاح کشور سه الگو داشتند که یکی از آنها تقویت احزاب بود؛ چرا که خیال می‌کردند، احزاب می‌توانند آزادی را نهادینه کنند، اما بعد از مدتی دیدند که قالب احزاب وابسته بودند و به همین دلیل مردم از آنها مایوس شدند.

این مرجع تقلید اضافه کردند: راه دومی که این کشورها دنبال می‌کردند این بود که جوانمردی پیدا

آیت الله استادی:

با تندروری نمی‌توان معارف اهل بیت (ع) را ترویج داد

برگزاری این مراسم تقدیر کرد و گفت: مرحوم العمری حافظ کبان تشیع در میان وهابیون بود و طوری زندگی کرد که هرگز بهانه دست دشمنان نداد، بلکه سال‌های سال با اعتدال به تبلیغ معارف اهل بیت (ع) پرداخت و امروز نیز که بیش از هر زمانی نیازمند اتحاد هستیم، باید این گونه رفتار نماییم.



وی در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به خدمات صادقانه عالمان شیعی در طول تاریخ برای زنده نگه داشتن اسلام، در خصوص پیدایش برخی مکاتب جدید هشدار داده و تأکید کرد: امروز مردم باید هوشیار بوده و معارف خود را از هر کسی دریافت ننمایند.

العمری، پناهگاه مومنان در شرایط سخت بود، یادآور شد: اکثر مراجع قم و نجف به ایشان اعتماد داشتند؛ چرا که این مرحوم خود را وقف اسلام و اهل بیت (ع) نموده بود.

وی عمل علما را یکی از عوامل جذب مردم به معارف اهل بی (ع) بر شمرده و تصریح کرد: مرحوم العمری علاوه بر داشتن اخلاص در عمل و خدمات فراوان معنوی به مسلمانان، به فکر مستمندان نیز بود و هرگز از شیعیان مستمند غافل نشد.

امام جمعه قم ضمن تأکید بر زنده نگه داشتن یاد علما مخصوصاً عالمان مجاهدی چون مرحوم العمری از حضرت آیت الله مکارم شیرازی بخاطر

و تمسک به تندروری جواب نمی‌دهد.

امام جمعه قم ادامه داد: در همین راستا امروز یکی از وظایف رسانه‌های اسلامی، ترویج معارف اهل بیت (ع) بوده و باید از برنامه‌های دیگر از جمله برنامه‌های احساسی کاسته و متن، اصلی معارف اهل بیت (ع) را در اختیار جهانیان قرار دهیم.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به برخی از ابعاد شخصیتی عالم فقیه، آیت الله العمری، ابراز داشت: این عالم مجاهد پس از فراگیری علوم اهل بیت (ع) در نجف به مدینه برگشته و به احیای مکتب تشیع در مدینه پرداخت و این شهر را به پایگاه شیعیان عربستان تبدیل کرد و در طول زندگی بر برکت خود رنج‌ها و شکنجه‌های فراوانی را متحمل شد.

آیت الله استادی با بیان این مطلب که مرحوم

آیت الله استادی، در مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت آیت الله شیخ محمدالعمری رهبر شیعیان مدینه که در مسجد اعظم قم برگزار شد، دنیای امروز را تشنه معارف ناب اهل بیت (ع) دانسته و اظهار داشت: ما باید این تشنگی جهان را با ارائه معارف ناب شیعی اغنا کنیم و همه، این علوم را بدون کم و زیاد به جهانیان عرضه نماییم.

وی ضمن تأکید بر اجتناب از هرگونه تندروری در این زمینه، افزود: تنهار راه اغنای تشنگی جهانیان به معارف اهل بیت (ع)، ارائه علوم ناب و حقیقی، بدون هیچ کم و کاستی و با رفتار اعتدالی است، اما متأسفانه برخی می‌خواهند از راهی غیر از این مسیر، به ترویج علوم اهل بیت (ع) بپردازند، در صورتی که که نمی‌دانند روی آوردن به این مسیرها

«ویکی فقه» راه‌اندازی شد

مجازی به ایسنا گفت: ۶۳۶ عنوان کتاب در قالب ۱۵۳۰ جلد در بخش‌های فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تراجم، ائمه اطهار و موضوعات متفرقه بر روی سایت قرار داده شده است به گونه‌ای که ۱۷۹ عنوان کتاب در بخش فقه، ۴۴ عنوان کتاب اصول، ۲۳ عنوان کتاب حدیث، ۲۶ عنوان کتاب تفسیر، ۳۴ عنوان کتابادر بخش تراجم، ۶۸ عنوان کتاب در بخش ائمه اطهار و ۲۶۲ عنوان کتاب نیز در بخش موضوعات متفرقه در نشانی Books/www.Eshia.ir قابل مشاهده است.

وی در پایان با بیان اینکه این قابلیت‌های این دانشنامه فقه و اصول، تصریح کرد: جست‌وجوی لفظی، نمایش عنوان به همراه خلاصه متن کتاب پس از جست‌وجو، جست‌وجوی پیشرفته و تعیین محدوده جست‌وجو توسط کاربر از ویژگی‌ها و قابلیت‌های این کتابخانه مجازی است که طلاب می‌توانند از آن استفاده کنند.

قالب آئین‌نامه، آموزش کاربران از طریق برگزاری جلسات آموزشی با طلاب برای چگونگی ثبت مقاله در ویکی فقه و کنترل محتوا توسط مدیرسیستم از کارهایی است که در راستای تدوین و طراحی ویکی فقه به انجام رسیده است.

وی با بیان اینکه ویکی فقه یکی از ابزارهای لازم برای طلاب در بیان موارد مستحدثه و موضوعات جدید است، تصریح کرد: ویکی فقه به عنوان دانشنامه فقه و اصول راه‌اندازی شده و طلاب می‌توانند در تولید محتوا مشارکت کنند به طوری که طلابی که در حال گذاردن درس خارج فقه باشند می‌توانند در این دانشنامه ثبت‌نام کرده و در زمینه دروس ارائه شده توسط استاد و یا دیگر مفاهیم فقهی و دینی مقاله نوشته و به نام خود در این دانشنامه به نشانی www.wikifeqh.ir ثبت کنند.

جوادی همچنین در خصوص این کتابخانه

برقراری ارتباط حوزه‌ها که با این روش، پیوند علمی بین سه حوزه علمیه قم، مشهد و نجف ایجاد شده و طلاب شهرستان‌ها و سایر کشورها نیز می‌توانند به زبان فارسی یا عربی در این هم‌افزایی علمی شرکت کنند، برقراری و گسترش ارتباط مخاطبان ویکی فقه (طلاب و مردم)، هم‌افزایی در درس خارج، بیان استدلال به شکل قیاس نوع اول، تلخیص درس به صورت بیان چکیده درس، بیان مطالب اضافه بر درس و پیوند به منابع درس مطرح شده توسط استاد از اهداف طراحی این دانشنامه فقه و اصول است.

مدیرعامل شرکت دانش بنیان طراح این دانشنامه با بیان اینکه تاکنون ۸۹۴ مقاله در زمینه علوم دینی و فقه توسط طلاب حوزه‌های علمیه در سیات به ثبت رسیده است، گفت: ثبت مقاله در موضوعات فقه، اصول و کلام با هماهنگی با اساتید، تدوین ضوابط نوشتاری و محتوایی در

مهندس جوادی، مدیرعامل شرکت طراح این نرم‌افزار در خصوص این دانشنامه فقهی (ویکی فقه) اظهارکرد: در ویکی فقه تلاش شده تا مبانی فقه و اصول را که توسط محققان حوزوی نوشته می‌شود، بر روی اینترنت منعکس کرده و ابزاری برای تولید دانشنامه توسط طلاب قم، نجف، مشهد، شهرستان‌ها و سایر کشورها تهیه کرد به گونه‌ای که تولید محتوا بر عهده طلاب بوده و می‌تواند با تلفیق با مدرسه فقهات و کتابخانه اینترنتی، ابزارهای لازم برای بیان دیدگاه‌های فقهی را در راستای استنتاج قوی‌تر فراهم کند.

وی درباره اهداف طراحی ویکی فقه خاطرنشان کرد: برقراری ارتباط تدریس، تحقیق و کتب به گونه‌ای که شاگرد در مورد درس استاد خود تحقیق کرده، آن را بر روی سایت قرار دهد و طلاب سایر حوزه‌ها با مطالعه آن بتوانند اشکال‌های آن را بیان کرده و آن را کامل‌تر کنند؛

با مخالفان خود طوری رفتار کنید که آبروی شیعه نرود

صورت کریمانه برخورد نمی‌کردند، معلوم نبود امروز شرایط شیعه این گونه باشد. امام (ع) همواره به شاگردان خود تأکید می‌کردند که در برخورد با دیگران و عمل به واجبات دینی، بیش از خود به فکر مکتب باشند و به گونه‌ای رفتار کنند که آبروی شیعه نرود.

* غنای مکتب تشیع در رفتار درست اهل بیت (ع) بود که همگان را جذب کرد و اگر آنها در رفتار خود به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کردند، مردم گرد آنها جمع نمی‌شدند.

* در زمان حضرت امام صادق (ع) فراوانی فرقه‌ها و مذاهب مختلف وجود داشت. آن حضرت در شرایطی زندگی می‌کردند که فرقه‌های مذهبی، بیشترین تعداد را داشت و شیعیان در غربت به سر می‌بردند. امام صادق (ع) در این شرایط، با برخورد و رفتار خود، شیعه را در شرایطی که از نظر کمی در اقلیت بود، به گونه‌ای کیفیت داد که امروز شیعه به عنوان یک مکتب پرفرغ در جهان معرفی شده است.

* اگر امام صادق (ع) در برخورد با مخالفان، به

و ... از عصر پیامبر (ص) وجود داشتند، که حضرت رسول (ص) در مقابله با آنها، تنها به فکر هدایت آنان بود و به گونه‌ای رفتار می‌کرد که به سوی اسلام بیایند. این رفتار حضرت رسول اکرم (ص) با مخالفان، به دلیل این بود که پیامبر (ص) پاداش کارهای خود را از خدا می‌خواست؛ همچنین به دنبال هدایت مردم بود.

* پیامبر اسلام (ص) به دلیل این که پیروان ادیان، دین خود را رها نمی‌کردند، قاطعانه برخورد نکرد، بلکه به دلیل پیمان شکنی‌ها با آنها برخورد می‌کردند.

دکتر علی آقائوری، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی در نشست «بررسی برخورد کریمانه و قاطع پیامبر (ص) و امام صادق (ع) با ادیان و مذاهب مختلف» به روش برخورد اهل بیت و پیامبر با مخالفان خود پرداخت.

وی در این نشست به نکات زیر اشاره کرد: * روش برخورد پیامبر (ص) برگرفته از قرآن بود و اهل بیت (ع) نیز در مسیر خود همان روش را در برابر مخالفان انجام دادند.

* مخالفان فراوانی از جمله مشرکان، منافقان

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

فحاشی جو اسلامی جامعه را از بین می برد



اهداف خود است، وارد عمل می شود و انقلابی که به خاطر آن افراد زیادی قربانی شده اند را مصادره می کند.

معظم له همچنین به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرده و خاطرنشان ساختند: شیعیان در رفتار با خود و پیروان مذاهب دیگر باید امانت رعایت را کنند، اگر مطلبی در برابر حقوق، مال و ... دیگران داشته باشند، شهادت بر حق دهند حتی به عیادت آنها بروند و در تشییع جنازه آنان شرکت کنند.

هم شیعه و هم سنی نقشه می کشند، در این شرایط مسلمانان برای مقابله با این دسیسه های باید وحدت خود را حفظ کنند.

وی با اشاره به موج بیداری مسلمانان در برابر حکومت های ظلم و دست نشانده غرب، اظهار داشت: اگر مسلمانان در این انقلاب ها وحدت و یکپارچگی نداشته باشند، دشمنی که همواره با برگزاری نشست ها و اجلاس ها به دنبال محقق ساختن

کرده و گفت: اگر بخواهیم ایمان کسی را بسنجیم، باید ببینیم که زبان و قلمش قید و بند دارد یا نه.

این مرجع تقلید افزود: ممکن است در عرصه سیاسی اختلافاتی وجود داشته باشد، ولی این نباید باعث شود قلم و زبان ما از حساب خارج شود.

وی، همچنین اجرای قوانین اسلامی را ضامن وحدت جامعه معرفی و تصریح کرد: ما مسلمانان به قیامت و حساب و کتاب اعتقاد داریم باید مراقب گفتار خود باشیم.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در بخش دیگری از سخنان خود با ضروری دانستن وحدت بین مسلمانان، گفت: امروز در زمانی هستیم که دشمنان بیش از گذشته برای آسیب زدن به اسلام

حضرت آیت الله مکارم شیرازی فحاشی، را آسیبی برای نظام اسلامی دانسته و گفتند: این همه شهید داده ایم که جوی اسلامی در جامعه ایجاد کنیم پس کاری نکنیم، که این فضا از بین برود.

وی، در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد با اشاره به بروز برخی فحاشی ها در جامع، اظهار داشت: طرفین مقابل ما هر کس که می خواهد باشد ما در حکومت اسلامی هستیم و برادران و خواهران بویژه کسانی که خود را منتصب به حزب الله می داند، باید خیلی مراقب زبان و قلم خود باشند.

وی، حفظ زبان و قلم را نشانه های مومن ذکر

آیت الله لاریجانی در همایش دادستانهای کشور:

هتاکي ظلم است و کلماتي مستحق قذف است

با ضدانقلاب ها را مورد اشاره قرار داد و گفت: در اوایل انقلاب در کشور جریان هایی بود که شعارهای آنان آرام آرام عوض شد. زمانی بنی صدر گفته بود که من قانون را عمل نمی کنم که امام راحل (ره) فرمودند غلط می کنی عمل نکنی. فتنه سال گذشته واقعا فتنه بود. در فتنه حق و باطل به هم می آمیزد. تا زمانی که آرام آرام از انتخابات دور شدیم و جریانی ایجاد شد. ادعای تقلب، دروغ بزرگی بود. ما در شورای نگهبان گفتیم که بیایند صندوق ها را به صورت تصادفی مشاهده کنند اما نیامدند. باید توجه داشت که ابطال انتخابات یک مسیر قانونی دارد و حتی در جلسه ای نمایندگان آنها گفتند که اگر صندوق ها باز شود می دانیم که نتیجه فرقی نمی کند. ما در مبادی مشکل داریم.

رئیس قوه قضائیه افزود: کسانی در انتخابات رای نیاوردند باید عقلایی عمل می کردند. در نظام مردمسالاری فردی رای می آورد و فردی رای نمی آورد و البته ادبیات کسی که رای می آورد نیز باید صحیح و عقلانی باشد و برخی تعابیر را به کار نبرد.

وی تصریح کرد: از این حوادث نزدیک به دو سال می گذرد و آرام آرام صف ها روشن شد. متقاضیان آمدن در روز ۲۵ بهمن ماه چه کسانی بودند؟ تمام ضدانقلاب بسیج شد و روسای استعمارگر که دستشان به خون هزاران نفر آغشته است، مدافع این جریان شدند. مگر آنان دلسوز مردم هستند؟ مگر در عراق و افغانستان دلسوز مردم بودند؟

آقای آملی لاریجانی تصریح کرد: عده ای که رد پای آنها را تا جایی می توانم بگویم به کجا برمی گردد، به دستگاه قضایی هجمه وارد کرده و مدعی شدند قوه قضائیه هیچ کاری نکرده است. این در حالی است که دستگاه قضایی صدها پرونده را در فضایی ملتهب رسیدگی کرده است. در تهران پرونده های بسیار سنگینی مطرح بود که مورد رسیدگی قرار گرفت. چگونه می توان گفت که قوه قضائیه نسبت به فتنه گران عمل نکرده است؟

وی تاکید کرد: سطح جامعه باید از این برخوردهای نادرست پاک شود. جامعه ما جامعه ای اسلامی و برگرفته از کتاب و سنت است. رئیس قوه قضائیه خاطرنشان کرد: روند اقدامات دستگاه قضایی درست بوده و هیچ وقت حاضر نیستیم در برابر عده ای قانون شکن منفعل باشیم. متأسفانه آنها به کار خود رنگ و لعاب دینی نیز می دهند و حرف های خود را منتسب به ولایت می کنند. رهبری بیش از همه بر رعایت حقوق اشخاص تاکید دارند.

آقای آملی لاریجانی در ادامه طرح سوال کرد: آیا این حدودی که شکسته می شود بر موازین اسلامی است؟ مگر هر فردی از فرد دیگری ناراحت باشد باید اینگونه عمل کند؟ در مورد حوادث اخیر از دادستان کل به ویژه دادستان تهران می خواهم که موضوع را پی گیری کنند و البته درخصوص مسائل مشابه نیز باید اینگونه باشد. نگذارید که سیر قانونی مخدوش شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود برخورد

اجتناب می کنند، تاکید کرد: این افراد حضور در دادگاه را برای خود ننگ و عار می دانند؛ در حالی که سرور و مولای ما خود در محکمه حاضر شد. عده ای که می توان گفت اتهامات شان برجسته بوده و توجه اتهامات شان قطعی است، در تلاش هستند که از حضور در دادگاه ها اجتناب کنند. قضات باید محکم بایستند و تابع جنجال ها نباشند البته این بحث فقط در مورد مسئولان نیست.

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: عده محدودی به خود اجازه می دهند خارج از چارچوب های شرعی هر کاری که می خواهند انجام دهند. در کوچه و خیابان راه می افتند و علیه کسی که خود به آن میل ندارند، شعار می دهند و خود نیز محاکمه و اجرا می کنند. ما نمی توانیم این وضعیت را تحمل کنیم. در همین چند روز اخیر نسبت به برخی مسئولان و خانواده های آنان هتاکي شد. این ظلم است.

وی ادامه داد: اگر ما به مسئول یا خانواده اش انتقادی داریم، هر کاری راه خود را دارد و این به این معنا نیست که در خیابان ها راه بیفتیم و اجازه داشته باشیم هر حرفی بزنیم. البته کار دستگاه قضایی نباید فقط اظهار تاسف باشد. کار ما برخورد با این روش ها و منش هاست. جریان فتنه و حامیان آنها شاید مجرم باشند و قوه قضائیه باید حسب وظیفه به پرونده های آنان رسیدگی کند؛ البته درخصوص رسیدگی به این پرونده ها نیز به دستگاه قضایی ظلم کرده و گفتند که قوه قضائیه هیچ کاری نکرده است.



تمام مسولان قوه قضائیه در همایشی که ویژه دادستان های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور بود، گرد هم آمدند و سخن مشترک تمام آنها لزوم حفظ استقلال قضات و دادستانها بود البته در این میان مباحث قضایی روز مانند برخورد با سران فتنه، لزوم رسیدگی به تخلفات بدون در نظر گرفتن جایگاه و هتک حرمت مسولان و بستگان آنها و غیره هم مورد بحث قرار گرفت.

سخنران اصلی این همایش قاضی القضاات بود که پس از نطق کوتاهی در مورد وظایف دادستان ها و لزوم تقویت آنها به انتقاد از افرادی پرداخت که برای خود حاشیه امن قائل هستند و اینگونه گفت که در مدت زمان حضورم در دستگاه قضایی احساس می کنم بسیاری برای خود حاشیه امن قائلند. بر اساس کتاب و سنت، کسی از برخورد قاضی مستثنا نیست و قاضی باید نسبت به همه نافذ و قاطع باشد.

آیت الله صادق لاریجانی سپس این چنین خطاب به افرادی که از اصل حضور در دادگاه ها

هتاکي و اخلاق اسلامی

ملکوک نکنید، بسیجیان پاک سرشت را با این رفتار و اعمال ناپسند بدنام نکنید. برادران حزب اللهی و بسیجیان همانگونه که در قرآن آمده است، مبدا با بدرقتاری و بداخلاقی و سیاست های غلط و در مقابله با رفتارهای فتنه گران و سران فتنه از مسیر الهی خارج شوند. اگر مسیر تقوا را می خواهید، قرآن آن را به ما نشان داده است.

وی گفت: دشمن هم باید بداند اینگونه حرکات را به پای اسلام و پیروان ولایت قرار ندهد. ولی فقیه دیدگاهش بسیار روشن است و امیدواریم که خداوند به همه ما بصیرت عنایت فرماید و راه رشد را به ما بشناساند و ما با بصیرت در قالب اسلام و قرآن و معارف اسلامی حرکت کنیم و خداوند همه را از خواب غفلت بیدار و به مسیر عدالت هدایت کند.

منتظری به کسانی که آنها را 'داعیه دار' اسلامی و حزب اللهی بودن' می خواند، گفت: از کسانی که ادعای اسلامی بودن را دارند انتظار می رود بیشتر پایبند موازین قرآن و اخلاق اسلامی باشند و به مکارم اخلاق توجه کنند. منتظری افزود: وقتی انسان اینگونه حرکات را در سایت ها می بیند و به آنها ورود پیدا می کند، هتاکي و الفاظی ناشایست را ملاحظه می کند که قطعاً حرمت شرعی دارد و مجازات آن حد قذف است.

این مسئول عالی قضایی خاطرنشان کرد: آیا شما می دانید با این حرکت چه ضربه سنگینی به مذهب و اسلام وارد می شود؟ وقتی این حرکات ناشایست در سایت قرار می گیرد می دانید به حزب الله و متدینان و پیروان ولایت فقیه چه می گویند؟ با این حرکات حزب الله را

انسان ها را که مجموعه ای از زیبایی ها و مکارم است، شکل دهند.

وی افزود: همه ما در زندگی خصوصی و اجتماعی باید رعایت محسنات و اخلاق را سرلوحه امور خود قرار بدهیم ولی امروز در جامعه برخی مسائل را می نگریم که وقتی آن را با معارف و مفاهیم اسلامی تطبیق می دهیم، متأسفانه شاهد بداخلاقی هایی هستیم.

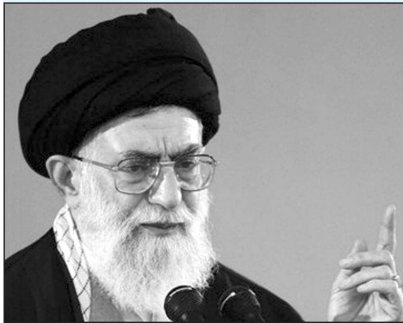
رئیس دیوان عدالت اداری گفت: بداخلاقی هایی که متأسفانه در جرایم به چشم می خورد و در سطح عمومی در مسائل سیاسی شاهد آن هستیم زینده یک جامعه اسلامی نیست چون ما تنها کشوری هستیم که قوانین و مسائل رفتاری مان بر اساس قرآن و احکام اسلام است و چنین رفتارهایی برای پیروان قرآن و امت اسلامی شایسته نیست.

رئیس دیوان عدالت اداری گفت: ایران تنها کشوری است که قوانین آن منطبق با قرآن و احکام الهی و به پیروی از خاندان عصمت و طهارت پیامبر (ص) است.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام و المسلمین محمدجعفر منتظری طی سخنانی در جلسه هیات عمومی دیوان عدالت اداری با اشاره به حدیثی از امام رضا (ع) که فرمودند 'خوش اخلاق باشید زیرا انسان خوش اخلاق بدون درنگ در بهشت است' اظهار کرد: حسن خلق و مکارم اخلاق دو مفهومی است که می توانند شکل دهنده شخصیت انسان و از محاسن و محسنات و زیبایی های اخلاق باشند و آنچه انسان از معارف اسلامی به دست می آورد این است که هدف از آمدن پیامبران و همه تلاش هایی که اولیای خدا در زندگی داشتند این بوده است که شخصیت

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

هتک حرمت و رفتارهای غیر اخلاقی و توهین آمیز خلاف شرع است



هتک حرمت چیز دیگر. من این مسائل غیر اخلاقی را قاطعانه و بطور کامل رد می‌کنم و نباید انجام شود. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به یک اشتباه فاحش و تصور کاملاً غلط افزودند: برخی جوانان با اخلاص، مؤمن و خوب، متأسفانه تصور میکنند اینگونه اقدامات وظیفه است اما این رفتارها، دقیقاً خلاف و عکس وظیفه است.

ایشان در همین زمینه، توجه به نفوذها و دخالت‌های دشمنان را نیز ضروری دانستند و افزودند: همانگونه که امام نیز می‌فرمود: گاهی نفوذی‌ها وارد اجتماعات اشخاص مؤمن و مخلص می‌شوند و آنها را به حرکتی انحرافی می‌کشاند که از این هم، نباید غفلت کرد.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر پرهیز از غفلت‌های ناشی از احساساتی شدن افزودند: از همه، بخصوص جوانان عزیزی می‌خواهم که نگذارند فضای غیبت، تهمت، هتاک و شکسته شدن حریم‌ها ادامه پیدا کند که اگر ادامه یابد مانند یک بیماری به همه چیز سرایت میکند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در همین زمینه، به برخی رفتارهای غیر اخلاقی در بعضی نماز جمعه‌ها یا محیط‌های درس اشاره و تأکید کردند: این رفتارها، غلط اندر غلط است.

رهبر انقلاب اسلامی در جمع بندی این بخش از سخنانشان خاطر نشان کردند: رفتارهای غیر اخلاقی و توهین آمیز، مخالف مصلحت انقلاب و کشور است، موجب اختلاف و دو دستی می‌شود و به شکوه و عظمت نظام اسلامی ضربه می‌زند و به جوانان نصیحت می‌کنم کاملاً از آن خودداری کنند.

ایشان، تمرکز سیاستها و تبلیغات دشمنان اسلام و ایران را برای "جلوگیری از الگو شدن جمهوری اسلامی"، نشانه همین واقعیت خواندند و خاطر نشان کردند: زورگویان جهانی، با روشهای مختلف از جمله بزرگ نمایی ضعفها و دروغ پردازیهای مستقیم و غیر مستقیم، تلاش می‌کنند الگوی جمهوری اسلامی را در چشم ملت‌ها تضعیف و تخریب کنند.

ایشان دو عامل درونی و بیرونی را در تضعیف الگوی جمهوری اسلامی مؤثر دانستند و افزودند: عامل درونی از جمله نقص‌ها، کوتاهی‌ها، کم کاریها، اختلافات، قدرت طلبی، بی سیاستی و دنیا طلبی در تخریب جمهوری اسلامی در چشمان ملت‌ها، تأثیر بیشتری دارد و اگر این مسائل رمازقت و علاج کنیم عامل بیرونی یعنی تبلیغات دشمنان با اراده خداوند خنثی خواهد شد.

ایشان مسئولان، زبدگان، برجستگان، روشنفکران - علماء و همه افرادی را که قدرت تأثیر گذاری دارند، به مراقبت کامل و تلاش بیشتر برای رفع مسائل و عوامل درونی تضعیف جمهوری اسلامی فراخواندند.

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه بحث عوامل تضعیف جمهوری اسلامی، سخنان خود را بر مذهب و محکومیت شدید رفتارهای خلاف اخلاق متمرکز کردند و افزودند: فضای اهانت و هتک حرمت، مخالف اسلام، خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی است و موجب خشم خداوند می‌شود. ایشان، انتقاد، مخالفت و "بیان صریح و شجاعانه عقاید" را بدون اشکال برشمردند اما افزودند: همه این مسائل باید بدور از هتک حرمت و اهانت و فحاشی، بیان شود تا اعصاب جامعه و آرامش مردم را بر هم نزنند و همه در این زمینه مسئولند.

رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی صریح به همه بویژه جوانان افزودند: پیام من به همه کسانی که حرف می‌زنند و یا در مطبوعات، وبلاگ‌ها و محیط‌های دیگر می‌نویسند این است که مخالفت کردن، رد کردن و محکوم کردن یک فکر سیاسی و دینی یک چیز است و ابتلای به رفتار غیر اخلاقی و دشنام و

افزودند: حوادث بسیار عظیمی که در کشورهای منطقه در حال وقوع است هنوز در ابتدای راه است و باید با درک ابعاد گوناگون آن، به وظایف مهم خود عمل کنیم. حضرت آیت الله خامنه‌ای، حضور مردم در صحنه "و شعار اسلامی" را دو شاخص بسیار مهم تحولات جاری در منطقه خواندند و افزودند: روند این تحولات، آرزوی همه مسلمانان صادق و اندیشه‌های والا در ایران و دیگر کشورهای جهان بوده است.

ایشان، حضور و استقامت ملت‌ها در میدان مبارزه و خطر را، ضامن پیروزی آنها برشمردند و خاطر نشان کردند: هنگامی که مردم، همانند آنچه ۳۲ سال قبل در ایران اتفاق افتاد با جسم و تن خود در میدان حضور یابند دست قدرت الهی، اراده و عزم آنان را استحکام می‌بخشد و پیروزی آنان را قطعی می‌سازد.

رهبر انقلاب افزودند: در پرتو حمایت پروردگار از اراده ملت‌ها تنها "حکام و ابسته، فاسد و مستبد بلکه آمریکا و دیگر قدرتهای جهان با همه خوی کشتار و بی رحمی، در نهایت مغلوب ملت‌ها می‌شوند و وعده‌های الهی محقق می‌گردد همانگونه که در حوادث جاری نیز این حقیقت شوق آفرین را تجربه می‌کنیم. حضرت آیت الله خامنه‌ای "شعار اسلام" را دومین شاخص قیام ملت‌ها در منطقه خواندند و افزودند:

البته انگیزه‌های لیبرالی، قومی و دیگر انگیزه‌ها نیز ممکن است وجود داشته باشد اما متن و بدنه ملت‌های منطقه، مسلمان است و به همین علت شعارهای اسلامی در تحولات جاری، نمایان و محسوس است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، الگوسازی انقلاب اسلامی را یکی از عوامل مؤثر در تحولات بسیار مهم منطقه دانستند و خاطر نشان کردند: پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل جمهوری اسلامی، ماندگاری، استحکام و پیشرفت‌های چشم‌گیر و روزافزون نظام اسلامی در زمینه‌های مختلف، به عنوان یک الگوی هویت بخش و عزت آفرین در مقابل چشمان ملت‌های مسلمان منطقه قرار دارد و آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان، با تشکر از رفتار و گفتار عاقلانه و مدبرانه خبرگان ملت در انتخاب هیأت رئیسه جدید این مجلس، بیداری اسلامی ملت‌های منطقه را حادثه‌ای بسیار عظیم و الگو گرفته از روند استمرار و پیشرفت جمهوری اسلامی دانستند و ضمن تبیین وظایف خطیر مسئولان و سیاست‌یون در این شرایط بسیار حساس، در سخنانی مهم و صریح خطاب به همه، بویژه جوانان تأکید کردند: این پیام من است: هرگونه هتک حرمت و رفتارهای غیر اخلاقی و توهین آمیز، خلاف شرع، مخالف عقل سیاسی و ضربه به جمهوری اسلامی است و خداوند را خشمگین می‌سازد.

ایشان با تشکر از خبرگان عالی شأن امت، به ناکام ماندن دشمنان در قضیه انتخاب هیأت رئیسه مجلس خبرگان اشاره کردند و با قدردانی از اعضای خبرگان بویژه آقای هاشمی رفسنجانی افزودند: آنان انتظار داشتند میان خبرگان اختلاف بوجود آید و مسابقه خدمت به رقابت منفی برای تصرف موقعیت‌ها و جایگاه‌ها تبدیل شود اما به برکت اخلاص خبرگان و عقل و تدبیری که در رفتارها و گفتارها مشاهده شد، این مسئله به فضل الهی، به خیر اسلام و جمهوری اسلامی تبدیل شد.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به رفتار آقای هاشمی رفسنجانی در این مسئله افزودند: با توجه به سابقه عقل و احساس مسئولیتی که همیشه در ایشان دیده‌ایم، انتظار همین رفتار را داشتیم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، همچنین انتخاب آیت الله مهدوی کنی را برپایست مجلس خبرگان، انتخابی بجا و به حق خواندند و افزودند: ایشان از ابتدای انقلاب تا امروز در همه عرصه‌ها از جمله روحانیت - سیاست - مسائل جاری کشور - حوزه و دانشگاه، و دیگر عرصه‌ها، شخصیت برجسته و بازاری بوده‌اند.

رهبر انقلاب اسلامی شرایط امروز کشور را با توجه به اوضاع منطقه، بسیار حساس دانستند و

نیم‌نگاهی به مذمت فحاشی در منابع دینی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: هرزه‌گویی و بد زبانی از صفات اسلام نیست (با اسلام سازگار نیست).

مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۱۰

مجموعه سایت‌های مرکز:

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.moslehesargh.com

بعث

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com

منطق و استدلال تکیه کنند و به حربه بی حاصل دشنام نسبت به معتقدات مخالفان، متوسل نشوند، در نهج البلاغه می‌خوانیم که علی (علیه السلام) به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می‌دادند می‌فرماید: انی اکره لکم ان تکونوا سباین و لکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتم حالهم کان اصبوب فی القول و ابلغ فی العذر.

من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آنها را برشمردید و حالات آنها را متذکر شوید (و روی اعمالشان تجزیه و تحلیل نمائید) به حق و راستی نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر -تفسیر نمونه جلد ۵

فحاشی و فزونی عذاب دوزخ
خداوند متعال انسان‌های بدگو و فحش دهنده را در آخرت به عذابهای دردناکی مبتلا خواهد نمود همانگونه که پیامبر اعظم می‌فرماید: أَرْبَعَةٌ يَزِيدُ عَذَابُهُمْ عَلَى عَذَابِ أَهْلِ النَّارِ إِلَى أَنْ قَالَ وَرَجُلٌ يَسْتَلِذُّ الرَّقَّتَ وَالْفَحْشَ فَيَسِيلُ مِنْ فِيهِ قَيْحٌ وَدَّمَ؛ چهار نفرند که عذاب آنها سبب زیاد شدن عذاب دوزخیان می‌شود ... و یکی از آنها مردی است که بافحش (بدزبانی) دنبال لذت جویی است که پیوسته چرک از دهان او در جهنم روان و سبب زیاد شدن عذاب دوزخیان می‌شود. مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۸۲

هرزه‌گویی در اسلام مذموم است

به طوری که از بعضی روایات استفاده می‌شود، جمعی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدید که از مساله بت پرستی داشتند، گاهی بهای مشرکان را به باد ناسزا گرفته و به آنها دشنام می‌دادند. قرآن صریحاً از این موضوع، نهی کرد و رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان را حتی در برابر خرافاتی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شمارد.

دلیل این موضوع، روشن است، زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر باطنی خود دور کرد، بلکه به عکس، تعصب شدید آمیخته با جهالت که در اینگونه افراد است، سبب می‌شود به اصطلاح روی دنده لجباجت افتاده، در آئین باطل خود راسختر شوند، سهل است زبان به بدگویی و توهین نسبت به ساحت قدس پروردگار و توهین نسبت به ساحت قدس پروردگار بگشایند، زیرا هر گروه و ملتی نسبت به عقائد و اعمال خود، تعصب دارد، همانطور که قرآن در جمله بعدی می‌گوید: ما این چنین برای هر جمعیتی عملشان را زینت دادیم. (کذلک زینا لكل امة عملهم). باز گشت همه آنها به سوی خدا است و به آنها خبر می‌دهد که چه اعمالی انجام داده (ثم الی ربههم مرجعهم فینبهم بما کانوا یعملون).

در روایات اسلامی نیز منطبق قرآن در باره ترک دشنام به گمراهان و منحرفان، تعقیب شده و پیشوایان بزرگ اسلام به مسلمانان دستور داده اند، همیشه روی

بمن ستم کرد، حضرت فرمود: اگر به تو ستم کرده تو از او بدتر شدی، هر آینه این کردار از کردارهای من نیست، و به شیعیانم چنین دستوری نداده‌ام، از پروردگارت آموزش بخواه، و به آن کردار باز مگرد، عرض کردم: از خدا آموزش خواهم و دیگر باز نگردم. جهاد النفس و سائل الشیعه فصل بدزبانی و فحاشی.

دشنام در قرآن

و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغیر علم کذلک زینا لكل امة عملهم ثم الی ربههم مرجعهم فینبهم بما کانوا یعملون (سوره انعام آیه ۱۰۸) معبود کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، این چنین برای هرامتی عملشان را زینت دادیم، سپس باز گشت آنها به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد (و) پاداش و کیفر می‌دهد.

تفسیر:

درباره منطقی بودن تعلیمات اسلام و لزوم دعوت از راه استدلال، نه از راه اجبار، در این آیه تأکید می‌کند که هیچگاه بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید، زیرا این عمل سبب می‌شود که آنها نیز نسبت به ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند. (و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغیر علم).

در این مطلب، آیاتی نورانی در قرآن و روایاتی از ائمه اطهار (ع) در خصوص مذمت فحاشی کردن را جهت یادآوری همه کسانی که به نوعی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و ... دارند تقدیم می‌کنیم.

بهشت بر این فرد حرام است

حضرت رسول (ص) فرمود: بهشت بر فحاش و هرزه‌گوی کم حیاتی که پاک ندارد چه میگوید و چه می‌شود حرام است. (ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۴۳)

شرکت شیطان در نطفه فحاش

حضرت صادق (ع) فرمود: از نشانه‌هایی که ثابت می‌کند شیطان در نطفه فردی شرکت دارد. این است که او فحاش باشد و باکی نداشته باشد که چه می‌گوید و چه می‌شود. (ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۴۳)

بدترین بندگان خدا

حضرت رسول فرمود: شرورترین بندگان خدا کسی است که مردم بواسطه‌ی فحاشی او خوش ندارند که هم مجلسش باشند (ارشاد القلوب، ج ۱ ص ۱۴۳)

شیعیان من این گونه نیستند

سماعه گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، حضرت آغاز به سخن کرد و به من فرمود: ای سماعه این چه جنجالی بود که میان تو و شتر داری پدیدار گشته بود؟ مبدا دشنامگو و بدزبان و لعنت کننده باشی؟ عرض کردم: به خدا سوگند چنین بود (که فرمودید ولی) او